

## سؤالات آزمون گروه علوم انسانی - دکتری ۹۵

## بخش اول: درک مطلب

■ در این بخش، دو متن به طور مجزا آمده است. هریک از متن‌ها را به دقت بخوانید و پاسخ سؤال‌هایی را که در زیر آن آمده است، با توجه به آنچه می‌توان از متن استنتاج یا استنباط کرد، پیدا کنید و در پاسخنامه علامت بزنید.

## متن (۱)

یکی از فعالیت‌های عمده‌ی انسان در روی کره زمین فعالیت‌های صنعتی است. هر چند که فعالیت‌های صنعتی در مقایسه با دیگر فعالیت‌ها سطح کوچکی را اشغال می‌کنند، اما احتیاج میلیاردها انسان را از لحاظ خوراک، پوشاک، مسکن و دیگر لوازم ضروری زندگی برطرف می‌سازند. فعالیت‌های صنعتی بیشتر منطبق بر نقاطی است که در آن‌جا جمعیت بیشتر، سطح زندگی بالاتر، حجم معاملات زیادتر، شبکه راه‌های ارتباطی گسترده‌تر و بازارهای داخلی نیرومندتر و قدرت نظامی و سیاسی بیشتر باشد.

مکان‌یابی از جمله تصمیم‌های بنیادین و استراتژیک است که تأثیر به‌سزایی بر جنبه‌های مختلف عملکردی سازمان دارد. از آنجایی که صنعت در مکان انتخاب شده برای مدت طولانی استقرار خواهد یافت و نیز تغییر مکان مستلزم صرف هزینه و زمان بسیار زیاد است. از این‌رو تصمیم‌گیری در مورد مکان یک صنعت، دارای اثرات بلندمدت بوده و اثرات نامطلوب آن، اغلب غیرقابل جبران است؛ به عبارت دیگر، در صورتی که مکان مناسبی برای یک فعالیت اقتصادی انتخاب نشود، ممکن است که تمام تلاش‌های دیگر سازمان برای بهبود عملکرد، کاهش هزینه‌ها و اجرای برنامه‌ها تحت‌الشعاع قرار گیرد. [۱]

مطالعات نشان می‌دهد که بسیاری از صنایع با گذر زمان و بروز تغییرات در پارامترهای محیطی، بازار، محصول، مواد خام و غیره، برای دست‌یابی به شرایط بهتر، مبادرت به تغییر مکان می‌کنند. در برخی از موارد، باقی ماندن در مکان فعلی، ممکن است که صرفه اقتصادی نداشته و با مشکلات فراوانی روبه‌رو باشد. برای مثال، وضع قوانین و مقررات جدید، ملاحظات زیست‌محیطی، تغییر مواد اولیه، تغییر سیستم‌های حمل‌ونقل بازار، تغییرات پیرامونی و ملاحظات شهرنشینی می‌توانند سازمان‌ها را وادار به تغییر محل کنند. [۲]

مطابق آنچه که گفته شد، انجام مطالعات دقیق مکان‌یابی قبل از استقرار و راه‌اندازی صنایع، اهمیت فراوانی دارد و می‌تواند نقش پیشگیرانه در هزینه‌های مازاد و مشکلات مربوط داشته باشد. شواهد متعدد در داخل و خارج از کشور نشان می‌دهد که مکان‌یابی نامناسب و بدون انجام مطالعات دقیق برخی از طرح‌ها و صنایع، ادامه‌ی فعالیت آن‌ها را با هزینه‌های فراوان روبه‌رو ساخته و در مواردی هم غیرممکن کرده است. [۳]

شروع مطالعات مکان‌یابی به آغاز قرن بیستم برمی‌گردد. در گذشته، استقرار صنایع براساس بهینه‌سازی هزینه‌ها و درآمدها صورت می‌پذیرفت، اما با پیچیده‌تر شدن روابط صنعتی و اهمیت یافتن مقولاتی مانند محیط‌زیست و ایجاد توازن در توسعه‌ی اقتصادی، بر پیچیدگی تصمیم‌های مکان‌یابی افزوده شده است. [۴]

کدام موضوع اصلی متن، کدام است؟

۲) یکی از اقدام‌های کلیدی در فرایند احداث مراکز صنعتی

۱) شناسایی و رتبه‌بندی معیارهای مؤثر در مکان‌یابی

۴) جنبه‌های مختلف فعالیت‌های صنعتی بشر

۳) شاخص‌های مکان‌یابی برای احداث واحدهای صنعتی خاص

کله ۲- جمله زیر، در کدام یک از قسمت‌های متن که با شماره [۱]، [۲]، [۳] و [۴] مشخص شده‌اند، قرار می‌گیرد؟

«در این راستا در برنامه پنج‌ساله چهارم، بر ملاحظات زیست‌محیطی و آمایش سرزمینی تأکید شده است و دو فصل جداگانه از این برنامه، به این مقولات اختصاص یافته است.»

[۴] ۴

[۱] ۳

[۲] ۲

[۳] ۱

کله ۳- نویسنده در حمایت از اهمیت مکان‌یابی در سازمان‌ها، به تمام موارد زیر توجه نشان داده است، به جز ..... .

- ۱) اثرات کوتاه‌مدت و بلندمدت آن بر عملکرد سازمان  
 ۲) نتایج زیانبار ناشی از عدم توجه کافی به آن  
 ۳) تأثیرگذاری آن بر مدیریت هزینه  
 ۴) نقش عوامل محیطی و اقتصادی در ضرورت مکان‌یابی

کله ۴- کدام مورد درباره فعالیت‌های صنعتی را می‌توان از متن نتیجه گرفت؟

- ۱) با فرض یکسان بودن آن به لحاظ حدت و شدت، چنانچه نقاطی که در آن‌ها این فعالیت‌ها اجرا می‌شوند، به لحاظ ویژگی یکسان نباشند، نتایج مربوط نیز یکسان نخواهد بود.  
 ۲) با برطرف ساختن احتیاجات اولیه بشر و بالا بردن سطح زندگی، در افزایش جمعیت سهیم است.  
 ۳) علی‌رغم ارتباط آن با سایر فعالیت‌های بشر، از گستردگی لازم در سطح کره زمین برخوردار نیست.  
 ۴) در افزایش قدرت نظامی و سیاسی کشورها، نقش تعیین‌کننده‌ای ایفا می‌کند.

### متن (۲)

تعامل نظریه و واقعیت در حوزه فلسفه‌ی علم و به تبع آن در فرایند نظریه‌پردازی اقتصاد سیاسی و روابط بین‌الملل، همواره موضوعی مجادله‌برانگیز بوده است. تحول مفاهیم و گزاره‌ها در حوزه‌ی سیاست و روابط بین‌الملل در چهارچوبی پیچیده و چندبعدی، برآیند تحولات نظری و عملی مختلفی است. یکی از متغیرهای تأثیرگذار در تطور و تکامل مفاهیم و گزاره‌ها در حوزه‌ی اقتصاد سیاسی و روابط بین‌الملل، دگردیسی‌های تکنولوژیک بوده است. تأثیرات تکنولوژی را بر ساخت جوامع در سطح خرد و ساختار اقتصاد سیاسی و سیاست جهانی در سطح کلان نمی‌توان نادیده گرفت. جدی‌ترین مراحل رشد و تحول تکنولوژی را با عنوان «نوآوری‌های دوران‌ساز» مفهوم‌سازی می‌کنند. معنای انقلاب در صنعت و ظهور و بروز شاخه‌های جدید تکنولوژی برای بهره‌برداری از طبیعت و بهبود ارتباطات و حمل و نقل و غیره نیست، بلکه تحولات تکنولوژی بر تمامی ابعاد زندگی جوامع بشری تأثیرات تاریخی به‌جای می‌گذارد. برای فهم مکانیسم تأثیرگذاری تکنولوژی بر روندها و رویدادهای بین‌المللی و فرایند نظریه‌پردازی در روابط بین‌الملل، نخست باید به این پرسش فلسفی پاسخ داد که تکنولوژی چیست و چه سرشتی دارد؟

در خصوص مفهوم تکنولوژی، ماهیت آن و نیز تأثیر تکنولوژی بر پویای جوامع و سرشت نظام اقتصاد سیاسی و روابط بین‌الملل، تعارض آرا و عقاید فراوان است که این آرا دست‌کم در قالب دو پارادایم قابل دسته‌بندی هستند. در نقطه‌ی آغازین، ایده‌آلیست‌ها قرار دارند که معتقدند ساختارهای معنوی، هنجارها و گفت‌وگو و فرهنگ تعیین‌کننده‌ی واقعیات سیاست و روابط بین‌الملل هستند. در این چهارچوب، نظریه بر واقعیت تقدم دارد و این نظریه‌ها هستند که به واقعیات معنا و مفهوم می‌بخشند. از این منظر، تکنولوژی به‌معنای فکر و نیروی غیرمادی یا برتر تلقی می‌گردد که ضمن تعیین‌بخشیدن به هستی‌شناسی روابط بین‌الملل، ساختارها و کردارهای کنشگران را قوام می‌بخشد. در این چهارچوب، تکنولوژی متغیری بیرون از واقعیت و فرهنگ در سیاست بین‌الملل نمی‌باشد.

رویکرد دیگر به تکنولوژی، رویکرد اثبات‌گرا می‌باشد که با قائل شدن خصلت جوهری و ذاتی برای واقعیات روابط بین‌الملل، از جمله سرشت کنشگران و ماهیت قدرت، تکنولوژی را ابزاری می‌داند که دولت‌ها از آن برای دستیابی به اهداف و منافع خود استفاده می‌کنند. در این راستا، نظریه‌پردازی روابط علوم اجتماعی اثبات‌گرا و به تبع جریان اصلی بین‌الملل بین عین و ذهن و واقعیت و تصور تفکیک قائل می‌شود. شاخصه‌ی علم در این چهارچوب، جست‌وجوی حقیقت عینی است. از نظر اثبات‌گرایان، به کارگیری روش درست و مؤثر برای گردآوری واقعیات، محقق را از پیشگو یا تبلیغات‌چی متمایز می‌سازد.

کله ۵- نویسنده متن، به کدام دلیل به بحث درباره تکنولوژی پرداخته است؟

- ۱) تلاش برای یافتن پاسخ به یک پرسش فلسفی درباره ماهیت آن  
 ۲) تأکید بر نقش ویژه آن در فرایند نظریه‌پردازی اقتصاد سیاسی و روابط بین‌الملل  
 ۳) معرفی آن به‌عنوان برآیند تحولات نظری و عملی در حوزه‌های گوناگون دانش بشری  
 ۴) اهمیت آن به‌عنوان یکی از بزرگ‌ترین تحولات عملی تاریخ بشر

۶- کدام مورد، هدف نویسنده را در جمله‌ای که زیر آن خط کشیده شده است، به خوبی بیان می‌کند؟

- ۱) رابطه دوسویه‌ای که بین تکنولوژی و جامعه بشری وجود دارد را توصیف می‌کند.
- ۲) نسبت به باورهای نادرست موجود در خصوص انقلاب در صنعت، ابراز نگرانی می‌کند.
- ۳) با تصور نادرستی که از مفهوم تکنولوژی و میزان تأثیرگذاری آن ممکن است موجود باشد، مقابله می‌کند.
- ۴) خواننده را از اثرات تکنولوژی در سطح خرد و کلان آگاه می‌سازد.

۷- کدام مورد درباره رویکرد ایده‌آلیستی به تکنولوژی، صحیح است؟

I بر برتری تکنولوژی تأکید دارد. II رویکردی پژوهش‌محور است. III بین فرهنگ و تکنولوژی در تکوین واقعیت، رابطه برقرار می‌کند.

- ۱) I و III      ۲) فقط III      ۳) فقط I      ۴) I, II و III

۸- کدام مورد، رابطه بین دو رویکرد اصلی به تکنولوژی را که در متن مورد بحث قرار گرفته‌اند، به خوبی نشان می‌دهد؟

- ۱) رویکرد دوم پدیده‌های معینی را توضیح می‌دهد که در رویکرد اول لحاظ نشده‌اند.
- ۲) اگرچه هر دو رویکرد به نتیجه‌ای یکسان می‌رسند، اما براساس فرضیه‌های متفاوت استوارند.
- ۳) می‌توانند جایگزین یکدیگر باشند، زیرا رویکرد دوم با استفاده از توضیحات ملموس‌تر، رویکرد اول را بازگویی می‌کند.
- ۴) درباره یک پدیده واحد، توضیحات متفاوتی ارائه می‌دهند.

### بخش دوم: استدلال منطقی

■ برای پاسخگویی به سؤال‌های این بخش، لازم است موقعیتی را که در هر سؤال مطرح شده، مورد تجزیه و تحلیل قرار دهید و سپس گزینه‌ای را که فکر می‌کنید پاسخ مناسب‌تری برای آن سؤال است، انتخاب کنید. هر سؤال را با دقت بخوانید و با توجه به واقعیت‌های مطرح شده در هر سؤال و نتایج که بیان شده و بیان نشده ولی قابل استنتاج است، پاسخی را که صحیح‌تر به نظر می‌رسد، انتخاب و در پاسخنامه علامت بزنید.

۹- در انباری خیلی از بزرگ‌ترهای ما، ظروف مسی خاک می‌خورند؛ ظروفی که نه فقط زیباتر که پرخاشی‌تر از ظروف امروزی هم هستند و بنابراین مردم اگر این را بدانند، با بیرون آوردنشان دوباره به حاکمیت مس در آشپزخانه رونق می‌دهند. مس به دلیل این که رسانای بهتری است، غذا را سریع‌تر می‌پزد و با پخش یکنواخت حرارت، باعث بهتر پختن مواد غذایی می‌شود. میزان رسانا بودن ظروف مسی ده برابر رسانایی ظروف استیل و شیشه‌ای و دو برابر ظروف آلومینیومی است و قابل‌لمه یا تابه مسی می‌تواند تا حد زیادی از اتلاف انرژی جلوگیری کند.

کدام‌یک از موارد زیر، فرض لازم برای درستی نتیجه‌گیری متن فوق است؟

- ۱) تمامی مردم در پستوهای خانه‌شان ظروف مسی دارند و نیازی به خرید این ظروف نمی‌بینند.
- ۲) امروزه شتاب زندگی آنقدر زیاد شده است که مردم وقت زیادی برای پخت‌وپز و حتی خوردن غذا صرف نمی‌کنند.
- ۳) مردم به‌ویژه کدبانوهای خانه‌دار، به زیبایی آشپزخانه و وسایل آن بیشتر از سلامت وسایل آشپزخانه اهمیت می‌دهند.
- ۴) مردم از هر اقدامی برای جلوگیری از اتلاف انرژی و صرفه‌جویی در هزینه استقبال می‌کنند.

۱۰- مرکز افکارسنجی «تفکر» نظرسنجی‌ای را با موضوع دیدگاه مردم در خصوص دانشگاه‌های خصوصی اجرا کرده است. براساس این نظرسنجی، پس از دانشگاه «الف» که با ۶۱ درصد پطرفدارترین دانشگاه خصوصی کشور است، دانشگاه «ب» (۴۲/۲ درصد) و دانشگاه «ج» (۲۵/۴ درصد)، رده‌های دوم و سوم را در اختیار دارند. همچنین با توجه به ۱۰ پارامتری که این مؤسسه افکارسنجی درباره عملکرد دانشگاه‌های خصوصی در بحث آموزش در نظر گرفته، دانشگاه «الف» در تمامی شاخص‌ها توانست رتبه نخست را از آن خود کند.

کدام‌یک از موارد زیر، در صورتی که صحیح فرض شود، نتیجه‌گیری متن فوق را به بهترین وجه، تضعیف می‌کند؟

- ۱) آموزش دانشگاهی امری در حال تحول است که همه دانشگاه‌های خصوصی، برنامه‌های کوتاه‌مدت و بلندمدتی برای ارتقای آن، تدوین و اجرا می‌کنند.
- ۲) حتی افرادی که خود، تجربه رفتن به دانشگاه خصوصی را نداشتند، در این نظرسنجی لحاظ شدند.
- ۳) پارامترهایی که در نظرسنجی مورد استفاده قرار گرفتند، از روایی قابل‌قبول برخوردار نبودند.
- ۴) در این نظرسنجی، بحث دانشگاه‌های دولتی مورد توجه قرار نگرفت.

**کجه ۱۱-** دوستی‌های سطحی دوران کودکی، در آستانه نوجوانی به تعداد محدودترِ دوستان اما عمیق‌تر تبدیل می‌شود. نوجوان‌ها با تکیه بر دوستانشان، احساس استقلال و شادی بیشتری می‌کنند. اما گذر از مرز تعادل این دوستی‌ها موجب نگرانی‌های خانواده می‌شود. برای اینکه بتوانید بچه‌ها را از آفت‌های احتمالی این دوستی‌ها در امان بدارید، باید مهارت‌های لازم را یاد بگیرید.

کدام یک از موارد زیر را می‌توان به‌درستی، از متن فوق استنباط کرد؟

- ۱) فرزندان به یآوری والدین خود، جهت هدایت درست برخی دوستی‌های خود نیازمندند.
- ۲) دوستی‌هایی که در ابتدا سطحی هستند ولی بعد عمیق می‌شوند، موجب نگرانی خانواده‌ها می‌شوند.
- ۳) احساس نگرانی، احساس ناشی از نداشتن است و لذا راه مقابله با آن، ریشه‌یابی منبع نگرانی‌ها می‌باشد.
- ۴) خانواده‌ها با ایجاد محیطی مناسب برای فرزندان خود و فراهم آوردن زمینه لازم برای احساس استقلال و شادی ایشان در کنار خانواده، می‌توانند از ضررهای احتمالی برخی دوستی‌ها بکاهند.

**کجه ۱۲-** مهم نیست در کدام مرحله از کار و زندگی باشید. مهم نیست که آخرین موفقیتی که به دست آورده‌اید، چه بوده است. همیشه کسی هست که مطمئن باشد موقعیت فعلی شما به‌خاطر پدر شماست، موفقیت شما در دانشگاه به‌خاطر ساده بودن کنکور آن سال بوده است. آن‌ها هزار دلیل نامربوط دارند تا به شما - و در واقع به خودشان - ثابت کنند که موفقیت شما به‌خاطر تلاش‌هایتان نبوده است. این‌گونه افراد، عموماً بازندگانی هستند که با ساختن توجیه‌های غیرمنطقی برای موفقیت‌های بقیه، توجیهی منطقی برای شکست خود جست‌وجو می‌کنند. نسل این افراد هرگز منقرض نمی‌شود اما شاید بتوانید تا حد امکان از آن‌ها فاصله بگیرید.

کدام یک از القاب زیر، بهتر از بقیه موارد، افرادی که به خواننده توصیه می‌شود از آن‌ها دوری گزینند را توصیف می‌کند؟

- ۱) کاهل‌ها      ۲) بازندگان      ۳) بی‌منطق‌ها      ۴) حسودها

**کجه ۱۳-** احترام تأثیر شگرفی روی صمیمیت دارد. صمیمیت نباید صرفاً در حد یک شعار باقی بماند. هر کسی می‌گوید که من می‌خواهم با همسر صمیمی باشم، باید راه رسیدن به آن صمیمیت را یاد بگیرد و آن راه قطعاً از شاهراه احترام می‌گذرد. کسی که همسر خود را سرزنش یا به او اهانت می‌کند یا بر سرش داد می‌کشد یا ناسزا می‌گوید و یا به هر دلیلی تحقیرش می‌کند، درواقع تیشه به ریشه صمیمیت می‌زند. در چنین حالتی ..... .

کدام یک از موارد زیر، به منطقی‌ترین وجه، جای خالی در متن فوق را کامل می‌کند؟

- ۱) دیگر احترام یک‌طرفه است و مشکلی را حل نمی‌کند.
- ۲) دیگر صمیمیتی نمانده که انتظار احترام داشته باشیم.
- ۳) احترام و صمیمیت، قابل جمع نیستند.
- ۴) صحبت از صمیمی بودن با همسر، تنها یک شعار است.

**کجه ۱۴-** از مزایای آسپرین در جلوگیری از ابتلا به فشارخون و بیماری‌های قلبی و عروقی شنیده‌اید، اما جالب است بدانید که نتایج پژوهشی که در دانشگاه استنفورد آمریکا انجام شده، نشان می‌دهد که اثرات ضد التهابی آسپرین می‌تواند خطر بروز سرطان پوست را در زنان کاهش دهد. محققان ۵۹ هزار زن را در مدت ۱۲ سال مورد بررسی قرار دادند و دریافتند زنانی که در این مدت، آسپرین مصرف می‌کردند در مقایسه با دیگران، ۲۱ درصد خطر کمتری برای ابتلا به سرطان پوست داشتند. علاوه بر این، هرچه طول مدت مصرف آسپرین افزایش پیدا می‌کرد، خطر ابتلا به این سرطان هم کمتر می‌شد.

کدام یک از موارد زیر، در صورتی که صحیح فرض شود، اثربخشی جدیدی را که برای آسپرین ادعا شده است، به بهترین وجه تضعیف می‌کند؟

- ۱) در مطالعه‌ای که بر روی اثر آسپرین در ابتلا به سرطان در مردان صورت گرفته است، نتایج متفاوتی به دست آمده است.
- ۲) تمامی زنانی که در مطالعه ذکر شده حضور داشتند، از لحاظ ژنتیکی مستعد ابتلا به سرطان پوست بودند.
- ۳) بسیاری از خانم‌ها با اطلاع از نتایج تحقیق انجام شده، به مصرف منظم آسپرین روی آورده‌اند.
- ۴) اگرچه کاهش ۲۱ درصدی ابتلا به سرطان پوست، از لحاظ آماری، کاهش معنی‌دار است، ولی برخی پزشکان هنوز مسئله سرطان پوست را یکی از تهدیدات جدی برای سلامت زنان می‌دانند.

**کجه ۱۵-** در حالی که کارشناسان معتقدند که تیم «الف» آسان‌ترین بازی هفته را دارد، مربی این تیم تأکید می‌کند که تیم مقابل اصولاً حریف آسانی نخواهد بود. این مربی می‌گوید: «ما قرار است با تیمی جوان و بانگیزه بازی کنیم، شناخت لازم را از حریف داریم و بازی‌های آن را هم آنالیز کرده‌ایم. در کل ..... .

کدام یک از موارد زیر، به منطقی‌ترین وجه، جای خالی در متن فوق را کامل می‌کند؟

- ۱) برای این تیم، احترام خاصی قائل هستیم.
- ۲) آن‌طور که خودشان ادعا می‌کنند، هم نیست.
- ۳) برای این تیم، چیزی جز پیروزی قابل تصور نیست.
- ۴) تحلیل کارشناسان را تأیید می‌کنیم.

## بخش سوم: سؤالات تحلیلی

■ در این بخش، توانایی تحلیلی شما مورد سنجش قرار می‌گیرد. سؤال‌ها را به دقت بخوانید و پاسخ صحیح را در پاسخنامه علامت بزنید. **راهنمایی:** با توجه به اطلاعات زیر، به سؤال‌های ۱۶ تا ۱۹ پاسخ دهید.

در یک دوره از مسابقات سنگ‌نوردی انفرادی که به میزبانی دانشگاه ارومیه برگزار می‌شود، شش سنگ‌نورد به اسامی A، B، C، D، E و F با یکدیگر به رقابت می‌پردازند. در دور مقدماتی این مسابقات که در سه روز متوالی انجام می‌شود، در هر روز، دو سنگ‌نورد همزمان روی دو دیوار X و Y با هم رقابت می‌کنند. اطلاعات و محدودیت‌های زیر، در خصوص رقابت‌های این شش سنگ‌نورد در دور مقدماتی، در دست است:

- هر کدام از سنگ‌نوردها، فقط یک مسابقه انجام می‌دهند.
- B و C، در یک روز مسابقه خود را انجام می‌دهند.
- A و E، روی دیوار X مسابقه می‌دهند.
- F دیرتر از B و D، مسابقه خود را انجام می‌دهد.

کله ۱۶- اگر E در اولین روز مسابقه بدهد، کدام مورد زیر در خصوص C، لزوماً صحیح است؟

- (۱) در دومین روز مسابقه می‌دهد. (۲) در سومین روز مسابقه می‌دهد. (۳) روی دیوار X مسابقه می‌دهد. (۴) در اولین روز مسابقه می‌دهد.

کله ۱۷- اگر C دیرتر از A مسابقه بدهد، کدام مورد زیر، لزوماً صحیح است؟

- (۱) B روی دیوار X مسابقه می‌دهد. (۲) E زودتر از C مسابقه می‌دهد.  
(۳) A در دومین روز مسابقه می‌دهد. (۴) D زودتر از B مسابقه می‌دهد.

کله ۱۸- اگر A در دومین روز، مسابقه‌ی D و یک سنگ‌نورد دیگر را تماشا کند، سنگ‌نوردی که در یک روز با A مسابقه می‌دهد، چه کسی می‌تواند باشد؟

- |            |            |             |             |
|------------|------------|-------------|-------------|
| C (I)      | E (II)     | F (III)     | I (III)     |
| (۱) I و II | (۲) فقط II | (۳) فقط III | (۴) I و III |

کله ۱۹- اگر B در اولین روز، مسابقه بدهد، هم روز و هم دیوار مسابقه‌ی کدام سنگ‌نورد(ها)، به‌طور قطع مشخص می‌شود؟

- |           |           |                 |              |
|-----------|-----------|-----------------|--------------|
| F و D (۲) | فقط F (۳) | A، B، C و D (۴) | F و C، B (۱) |
|-----------|-----------|-----------------|--------------|

**راهنمایی:** با توجه به اطلاعات زیر، به سؤالات ۲۰ تا ۲۳ پاسخ دهید.

یک پژوهشگر برای تکمیل تحقیقات خود، از چهار شهر A، B، C و D بازدید می‌کند. او که مقیم یکی از این چهار شهر است، سفر خود را از آن شهر شروع و به شهر دوم می‌رود. سپس از شهر دوم به شهر سوم، از شهر سوم به شهر چهارم و نهایتاً از شهر چهارم به شهر محل سکونت خود بازمی‌گردد. وی هر کدام از چهار سفر خود را با استفاده از یکی از وسایل نقلیه‌ی تاکسی برون‌شهری، اتوبوس، قطار و هواپیما انجام می‌دهد. اطلاعات زیر در خصوص این سفرها موجود است:

- پژوهشگر با هواپیما به شهر B و با اتوبوس به شهر D وارد می‌شود.
- شهر A، نه شهر محل سکونت پژوهشگر است و نه شهری که از آنجا، با قطار به شهر بعدی می‌رود.
- پژوهشگر به شهری که از آن، با قطار خارج می‌شود، با تاکسی برون‌شهری وارد می‌شود.

کله ۲۰- اگر پژوهشگر در اولین سفر، از شهر محل اقامتش به شهر B برود، وی در پایان سفر با کدام وسیله وارد شهر خود می‌شود؟

- (۱) اتوبوس (۲) قطار (۳) هواپیما (۴) تاکسی

کله ۲۱- اگر پژوهشگر در پایان تحقیقات، با اتوبوس وارد شهر خود شود، در طول سفر، از کدام شهر با هواپیما خارج شده است؟

- (۱) C (۲) D  
(۳) به‌طور قطع، نمی‌توان تعیین کرد. (۴) A

کله ۲۲- اگر پژوهشگر مقیم شهر B باشد، کدام یک از موارد زیر، لزوماً صحیح است؟

- (۱) با تاکسی از شهر D خارج شده است. (۲) از شهر D وارد شهر محل اقامتش شده است.  
(۳) از شهر محل اقامتش با اتوبوس خارج شده است. (۴) با قطار وارد شهر A می‌شود.

کله ۲۳- کدام یک از موارد زیر، به‌طور قطع صحیح است؟

- (I) پژوهشگر با تاکسی وارد شهر C می‌شود.  
(II) یکی از سفرهای پژوهشگر، بین دو شهر A و C است.  
(III) پژوهشگر با هواپیما، از شهر D خارج می‌شود.  
(۱) I و II (۲) I و II (۳) I، II و III (۴) I و III



### بخش چهارم: حل مسئله

این بخش از آزمون استعداد، از انواع مختلف سؤال‌های کمی، شامل مقایسه‌های کمی، استعداد عددی و ریاضیاتی، حل مسئله و... تشکیل شده است. توجه داشته باشید به خاطر متفاوت بودن نوع سؤال‌های این بخش از آزمون، هر سؤال را بر اساس دستورالعمل ویژه‌ای که در ابتدای هر دسته سؤال آمده است، پاسخ دهید.

**راهنمایی:** هر کدام از سؤال‌های ۲۴ تا ۲۷ را به دقت بخوانید و جواب هر سؤال را در پاسخنامه علامت بزنید.

**۲۴** با حذف یک عدد از رشته‌ی عددی زیر، بین اعداد از چپ به راست، ارتباط خاصی برقرار می‌شود. آن عدد کدام است؟

۸, ۲۷, ۶۴, ۱۰۰, ۱۲۵, ۲۱۶, ۳۴۳

۱۰۰ (۴)

۱۲۵ (۳)

۲۷ (۲)

۳۴۳ (۱)

**۲۵** میانگین سه عدد که نسبت‌های ۳ به ۵ به ۶ با یکدیگر دارند، ۵۶ است. اگر فقط کوچک‌ترین عدد، سه برابر شود، میانگین این سه عدد کدام می‌شود؟

۶۰ (۴)

۸۰ (۳)

۷۲ (۲)

۶۸ (۱)

**۲۶** برنجی به قیمت هر کیلوگرم ۶ هزار تومان با برنج دیگری به قیمت هر کیلوگرم ۸ هزار تومان و برنج نوع سوم، به ترتیب با نسبت‌های ۲ به ۳ به ۱ مخلوط شده و در نهایت، برنجی به دست می‌آید که ارزش آن، هر کیلوگرم ۷۵۰۰ تومان است. قیمت هر کیلوگرم برنج نوع سوم، چند تومان بوده است؟

۶۵۰۰ (۴)

۱۲۲۰۰ (۳)

۹۰۰۰ (۲)

۸۵۰۰ (۱)

**۲۷** A به تنهایی، B و C با هم و نهایتاً A و C با هم، یک کار مشترک را به ترتیب در ۴، ۳ و ۲ ساعت انجام می‌دهند. B به تنهایی همین کار را در چند ساعت انجام می‌دهد؟

۲۴ (۴)

۸ (۳)

۱۰ (۲)

۱۲ (۱)

**راهنمایی:** سؤال ۲۸، شامل دو مقدار یا کمیت است، یکی در ستون «الف» و دیگری در ستون «ب». مقادیر دو ستون را با یکدیگر مقایسه کنید و با توجه به دستورالعمل، پاسخ صحیح را به شرح زیر تعیین کنید:

- اگر مقدار ستون «الف» بزرگ‌تر است، در پاسخنامه گزینه ۱ را علامت بزنید.
- اگر مقدار ستون «ب» بزرگ‌تر است، در پاسخنامه گزینه ۲ را علامت بزنید.
- اگر مقادیر دو ستون «الف» و «ب» با هم برابر هستند، در پاسخنامه گزینه ۳ را علامت بزنید.
- اگر براساس اطلاعات داده شده در سؤال، نتوان رابطه‌ای را بین مقادیر دو ستون «الف» و «ب» تعیین نمود، در پاسخنامه گزینه ۴ را علامت بزنید.

**۲۸** در یک رشته‌ی عددی، که همگی اعداد مثبت هستند، دو جمله‌ی اول، یکی نصف دیگری و غیرصفر است. از جمله‌ی سوم به بعد، هر جمله از حاصل جمع دو جمله ماقبل آن، حاصل می‌شود.

ب

الف

نسبت جمله‌ی هفتم به جمله‌ی دوم

نسبت جمله‌ی نهم به جمله‌ی چهارم

**راهنمایی:** متن زیر را به دقت بخوانید و براساس اطلاعات موجود در جدول زیر، به سؤال‌های ۲۹ و ۳۰ پاسخ دهید.

کارخانه‌ای از یک محصول، در سه نوع کیفیت ۱، ۲ و ۳ درجه و از هر کدام از درجات، به میزان مساوی تولید می‌کند. برای تولید این محصول با کیفیت‌های مختلف، مواد خام A، B و C با نسبت‌هایی که در جدول زیر آمده است، ترکیب می‌شوند.

نسبت ترکیب مواد خام			
C	B	A	
۳	۴	۲	درجه ۱
۶	۷	۵	درجه ۲
۴	۲	۳	درجه ۳

**۲۹** چند درصد از کل مواد مصرفی A و C در یک روز، به خط تولید درجه ۳ هدایت می‌شود؟

۴۰ (۴)

۶۰ (۳)

۳۰ (۲)

۵۰ (۱)

**۳۰** اگر قرار باشد خط تولید درجه ۲ محصول را تغییر دهیم و مواد خام A، B و C در این خط را، به ترتیب با نسبت‌های ۱ به ۲ به ۳ با هم ترکیب کنیم، مصرف روزانه ماده خام C، چه تغییری می‌کند؟

۳۰٪ کاهش (۴)

۱۳٪ افزایش (۳)

۲۳٪ کاهش (۲)

۱۵٪ افزایش (۱)

## پاسخنامه آزمون گروه علوم انسانی - دکتری ۹۵

## بخش اول: درک مطلب

## پاسخ سؤالات متن (۱)

۱- گزینه «۲» با توجه به متن، خصوصاً پاراگراف دوم، مشخص است که متن به مکان‌یابی مربوط به مراکز صنعتی، به عنوان یکی از تصمیم‌های بنیادین و استراتژیک یا به عبارت دیگر کلیدی در فرآیند احداث مراکز صنعتی می‌پردازد.

۲- گزینه «۴» با توجه به اینکه جمله‌ی داده شده مربوط به در نظر گرفتن ملاحظات زیست‌محیطی و آمایش سرزمینی است، از میان قسمت‌های مشخص‌شده، شماره ۴ بهترین قسمت است؛ زیرا جملات قبلی آن به اهمیت یافتن مقولاتی مانند محیط‌زیست و ایجاد توازن در توسعه‌ی اقتصادی (که به آمایش سرزمینی مرتبط است) اشاره کرده است.

از میان سایر قسمت‌ها تنها شماره‌ی ۲ است که جملات قبلی آن به محیط‌زیست اشاره کرده که در آن در کنار چند مثال دیگر، به ملاحظات زیست‌محیطی از میان سایر قسمت‌ها اشاره شده است که می‌تواند منجر به تغییر محل سازمان‌ها شود، بدون اینکه تأکید بر متفاوت بودن یا اهمیت ملاحظات زیست‌محیطی کند.

۳- گزینه «۱» در متن اشاره‌ای به اثرات کوتاه‌مدت مکان‌یابی بر عملکرد سازمان نشده است؛ بنابراین پاسخ صحیح گزینه (۱) است. به گزینه (۲) در انتهای پاراگراف‌های ۲ و ۴، به گزینه (۳) در اواسط پاراگراف‌های ۲ و ۴ و به گزینه (۴) در پاراگراف ۳ اشاره شده است.

۴- گزینه «۱» با توجه به مطالب مطرح شده در ابتدای پاراگراف‌های ۲ و ۴، از آنجا که مکان‌یابی یکی از تصمیم‌های بنیادین و کلیدی در فعالیت‌های صنعتی است و اثرات بلندمدتی بر عملکرد دارد، انتظار می‌رود اگر دو فعالیت صنعتی با در نظر گرفتن سایر شرایط مشابه، مکان‌های متفاوتی داشته باشند عملکرد متفاوتی نیز داشته باشند؛ بنابراین گزینه (۱) صحیح است. سایر گزینه‌ها قابل برداشت از متن نیستند.

## پاسخ سؤالات متن (۲)

۵- گزینه «۲» متن ابتدا به مجادله برانگیز بودن تعامل نظریه و واقعیت خصوصاً در فرآیند نظریه‌پردازی اقتصاد سیاسی و روابط بین‌الملل می‌پردازد. در ادامه شروع بحث تکنولوژی در خط ۷ است. مطابق خطوط ۷ تا ۱۱ متن، یکی از متغیرهای تأثیرگذار در تکامل مفاهیم حوزه‌ی اقتصاد سیاسی و روابط بین‌الملل دگرذیسی‌های تکنولوژیک بوده است. سپس متن به تأثیرات تکنولوژی و رشد و تحول آن می‌پردازد؛ بنابراین دلیل اینکه نویسنده به تکنولوژی پرداخته است، نقش ویژه‌ی آن در فرآیند نظریه‌پردازی اقتصاد سیاسی و روابط بین‌الملل است. سایر گزینه‌ها ارتباطی به متن ندارند و نمی‌توانند دلیل نویسنده برای پرداختن به بحث درباره تکنولوژی باشند.

۶- گزینه «۳» با توجه به قسمت‌های مشخص شده، خصوصاً تأکید بر اینکه تحولات تکنولوژی بر تمامی ابعاد زندگی تأثیرات تاریخی به جای می‌گذارد، نویسنده قصد دارد نشان دهد که تکنولوژی صرفاً مربوط به بهره‌برداری از طبیعت و بهبود ارتباطات و حمل و نقل و غیره نیست که ممکن است تلقی بسیاری از مفهوم و ابعاد تکنولوژی باشد، بلکه بسیار فراتر از آن است؛ بنابراین گزینه (۳) صحیح است. نویسنده در این قسمت از متن، توضیحی در مورد رابطه‌ی دوسویه بین تکنولوژی و جامعه نداده است، به باوری در مورد انقلاب صنعتی اشاره نکرده است و اثرات تکنولوژی را در سطح خرد و کلان تشریح نکرده است؛ بنابراین سایر گزینه‌ها صحیح نیستند.

۷- گزینه «۱» در خط ۴۰ اشاره شده است که مطابق رویکرد اول، تکنولوژی، فکر یا نیروی برتر تلقی می‌گردد؛ بنابراین مورد I صحیح است. مطابق خطوط ۴۳ تا ۴۵ تکنولوژی متغیری بیرون از واقعیت و فرهنگ نیست و مطابق خطوط ۳۵ تا ۳۸ فرهنگ تکوین‌کننده‌ی واقعیت است. بنابراین مورد III نیز صحیح است. اگرچه در خطوط ۳۶ و ۳۷ اشاره شده که نظریه بر واقعیت تقدم دارد، از این نتیجه نمی‌شود که این رویکرد پژوهش‌محور است. بنابراین گزینه (۱) پاسخ صحیح است.

۸- گزینه «۴» مطابق رویکرد اول، تکنولوژی فکر و نیروی برتر است که به هستی‌شناسی روابط بین‌الملل و واقعیت آن تعیین می‌بخشد، در حالی که در رویکرد دوم، تکنولوژی ابزاری است که دولت‌ها از آن استفاده می‌کنند و واقعیات روابط بین‌الملل خصلت جوهری و ذاتی دارد؛ بنابراین این دو رویکرد در مورد تکنولوژی و همچنین هستی‌شناسی روابط بین‌الملل توضیحات متفاوتی ارائه می‌کنند و در نتیجه گزینه (۴) پاسخ صحیح است. سایر گزینه‌ها از متن برداشت نمی‌شوند.

## بخش دوم: استدلال منطقی

۹- گزینه «۴» نتیجه‌گیری اصلی متن در مورد این است که اگر مردم از ویژگی‌های ظروف مسی، خصوصاً عملکردشان در پخت غذا به علت رسانای بهتری بودن و در نتیجه جلوگیری از اتلاف انرژی، آگاه شوند، دوباره به آنها روی می‌آورند. فرض لازم برای درستی این نتیجه‌گیری این است که مردم توجه زیادی به جلوگیری از اتلاف انرژی و صرفه‌جویی داشته باشند. بنابراین گزینه (۴) صحیح است.

بررسی گزینه (۱): اگرچه در خط ۵ گفته شده است "بیرون آوردنشان..."، بحث اصلی و نتیجه‌گیری متن در مورد خرید یا نخریدن این ظروف نیست، بلکه توجه به آنها به علت کارایی در مصرف انرژی است. بنابراین این گزینه صحیح نیست.

بررسی گزینه (۲): موجب تضعیف نتیجه‌گیری متن می‌شود؛ بنابراین اصلاً نمی‌تواند فرض لازم برای درستی آن باشد.

بررسی گزینه (۳): نتیجه‌گیری اصلی بر زیبایی ظروف مسی استوار نیست، بلکه بر مصرف انرژی کمتر آنها استوار است.

۱۰- گزینه «۳» متن در مورد دیدگاه مردم پیرامون دانشگاه‌های خصوصی، با توجه به یک نظرسنجی و ۱۰ پارامتر نتیجه گرفته است که دانشگاه «الف» پرتعدادترین دانشگاه است و بهترین عملکرد را دارد. اگر مطابق گزینه (۳) پارامترهای مورد استفاده در نظرسنجی از «روایی» قابل قبولی برخوردار نباشند، نتیجه‌ی این نظرسنجی زیر سؤال خواهد رفت و بنابراین گزینه (۳) پاسخ صحیح است.

بررسی گزینه (۱): ارتباطی به متن ندارد.

بررسی گزینه‌های (۲) و (۴): نتیجه‌گیری متن در مورد دیدگاه مردم در خصوص دانشگاه‌های خصوصی است، نه دیدگاه فارغ‌التحصیلان این دانشگاه‌ها یا دیدگاه مردم در مورد دانشگاه‌های دولتی؛ بنابراین این گزینه‌ها نیز صحیح نیستند.

۱۱- گزینه «۱» مطابق متن، برای اینکه والدین بتوانند بچه‌ها را از آفت‌های احتمالی این دوستی‌ها در امان بدارند، لازم است مهارت‌های لازم را یاد بگیرند. به عبارت دیگر بدون داشتن مهارت‌های لازم توسط والدین، فرزندان از آفت‌های احتمالی این دوستی‌ها در امان نیستند. در نتیجه، می‌توان نتیجه گرفت که فرزندان به یاری والدین خود برای حفظ تعادل و هدایت درست برخی از دوستی‌ها نیازمندند و بنابراین گزینه (۱) پاسخ صحیح است.

بررسی گزینه (۲): مطابق متن، آنچه موجب نگرانی می‌شود گذر از مرز تعادل این دوستی‌ها است، نه صرفاً تبدیل دوستی‌های سطحی به عمیق. به علاوه، متن به دنبال چیزی است که از آن بتوان استنباط کرد نه چیزی که در آن گفته شده است. بنابراین این گزینه پاسخ صحیح نیست.

بررسی گزینه (۳): ارتباطی به متن ندارد.

بررسی گزینه (۴): از متن نمی‌توان در مورد مهارت‌های لازم برداشت کرد؛ بنابراین این گزینه نمی‌تواند پاسخ صحیح باشد.

۱۲- گزینه «۲» مطابق متن، "این‌گونه افراد، عموماً بازندگانی هستند که ... " بنابراین افراد توصیف شده در متن حتماً جزئی از بازندگان محسوب می‌شوند. در واقع، متن در مورد بازندگانی صحبت می‌کند که به دنبال توجیحات غیرمنطقی برای موفقیت‌های بقیه هستند تا توجیحات منطقی برای شکست‌هایشان داشته باشند. مطابق سؤال باید دنبال لقبی باشیم که بهتر از سایر گزینه‌ها این بازندگان خاص را توصیف میکند.

بررسی گزینه (۱): متن اشاره‌ای به تنبلی و این‌که آیا تنبلی دلیل شکست‌های آنها یا این رفتار خاص آنهاست یا نه، نمی‌کند؛ بنابراین این گزینه صحیح نیست.

بررسی گزینه (۲): افراد اشاره شده در متن حتماً جزئی از بازندگان هستند. با وجود این، تنها ویژگی یا ویژگی غالب آنها بازنده بودن نیست. آنها بازندگانی هستند که برای موفقیت‌های دیگران توجیحات غیرمنطقی می‌آورند. بنابراین این گزینه لزوماً صحیح نیست و باید با سایر گزینه‌ها مقایسه شود. مقایسه با سایر گزینه‌ها، خصوصاً گزینه‌ی (۴) نشان می‌دهد، این گزینه صحیح‌ترین گزینه و در نتیجه پاسخ سؤال گزینه‌ی (۲) خواهد بود.

بررسی گزینه (۳): این افراد اگرچه توجیحات غیرمنطقی برای موفقیت‌های دیگران می‌سازند، اما از این راه به دنبال توجیحات منطقی برای شکست‌های خودشان هستند؛ بنابراین چندان غیرمنطقی نیستند. در نتیجه این گزینه صحیح نیست.

بررسی گزینه (۴): متن اشاره‌ای به اینکه آیا حسادت ریشه‌ی این رفتار است یا خیر، نکرده است. اگرچه با توجه به اینکه چه تعریفی از حسود داریم، ممکن است به نظر برسد حسود لقب مناسبی برای افراد توصیف شده است. با وجود این، از آنجایی که افراد حسود، به موفقیت‌های دیگران حسادت می‌کنند، اما لزوماً به دنبال ساختن توجیحات غیرمنطقی برای موفقیت آنها نخواهند بود و همچنین متن اشاره‌ای به حسد نکرده است و به علاوه این‌که حسودها لزوماً در ظاهر بازنده نیستند. پس این گزینه پاسخ صحیح نیست (با این حال این سؤال، سؤال چندان مناسبی نیست؛ زیرا تلقی پاسخ دهنده از باور عموم در مورد اینکه افراد حسود واقعاً به دنبال توجیحات غیرمنطقی برای موفقیت دیگران هستند و همچنین چه میزان بازنده‌اند در انتخاب گزینه‌ی نهایه‌ی موثر خواهد بود. اگر حسود در عرف چنین معنایی داشته باشد، گزینه‌ی (۴) هم پاسخ صحیح خواهد بود).



۱۳- گزینه «۴» با توجه به اینکه مطابق متن راه رسیدن به صمیمیت از احترام می‌گذرد، اگر کسی احترام را زیر پا بگذارد، صمیمیتی در کار نخواهد بود و صحبت از صمیمیت در حد شعار باقی می‌ماند؛ بنابراین گزینه (۴) پاسخ صحیح است.

بررسی گزینه (۱): بحث بر سر اینکه احترام یک‌طرفه است یا دوطرفه و همچنین حل مشکل نیست، بحث بر سر ارتباط میان صمیمیت و احترام است؛ بنابراین این گزینه پاسخ صحیح نیست.

بررسی گزینه (۲): مطابق متن اگر احترام نباشد صمیمیتی در کار نخواهد بود، نه بالعکس، بنابراین این گزینه پاسخ صحیح نیست.

بررسی گزینه (۳): بحث بر سر قابل جمع بودن احترام و صمیمیت نیست، بلکه مطابق متن باید به دنبال نتیجه‌ای باشیم که از زیر پا گذاشتن احترام حاصل می‌شود؛ بنابراین این گزینه نیز پاسخ صحیح نیست.

۱۴- گزینه «۲» مطابق متن، اثربخشی ادعا شده مبنی بر کاهش خطر بروز سرطان پوست در زنان است؛ بنابراین اگر مشاهدات صرفاً مربوط به زنانی که از لحاظ ژنتیکی مستعد ابتلا به سرطان پوست بوده‌اند و نه کل زنان باشد، ادعای صورت گرفته در متن تاحدی تضعیف می‌شود (البته به این شرط که فرض کنیم زنانی که از لحاظ ژنتیکی مستعد ابتلا به این سرطان نباشند، نیز ممکن است به آن مبتلا شوند). می‌توان حالتی را در نظر گرفت که اگرچه آسپرین احتمال بروز سرطان پوست در زنان مستعد این سرطان از لحاظ ژنتیکی را کاهش می‌دهد، اما موجب افزایش آن در سایر زنان می‌شود و در نتیجه ادعای کلی متن تضعیف می‌شود. البته این گزینه چندان هم مناسب نیست؛ اما در مقایسه با سایر گزینه‌ها بیشتر موجب تضعیف ادعا می‌شود و بنابراین گزینه (۲) پاسخ صحیح است.

بررسی گزینه (۱): بحث درباره تأثیر آسپرین بر زنان است، نه مردان. بنابراین گزینه ۱ پاسخ صحیح نیست.

بررسی گزینه (۳): اینکه بسیاری از خانم‌ها به چه علت آسپرین مصرف کرده‌اند تا زمانی که منجر به تفاوت در نمونه‌ها نشود، اهمیتی ندارد؛ بنابراین این گزینه پاسخ صحیح نیست.

بررسی گزینه (۴): بی‌ارتباط به بحث است.

۱۵- گزینه «۱» با توجه به اینکه جمله‌ی اول با «در حالی که» آغاز می‌شود، متوجه می‌شویم که میان نظر کارشناسان و مربی تفاوت قابل ملاحظه‌ای وجود دارد. مربی برخلاف کارشناسان می‌گوید: تیم مقابل حریف آسانی نیست. جمله‌ی آخر نقل شده از مربی نیز باید همین نظر را تأیید کند، بنابراین گزینه (۱) پاسخ صحیح است.

بررسی گزینه (۲): در این صورت نظر کارشناسان تأیید می‌شد نه نظر مربی و مربی جمله‌ای خلاف نظر خودش گفته بود؛ بنابراین این گزینه پاسخ صحیح نیست.

بررسی گزینه (۳): اینکه «این تیم» به کدام تیم برمی‌گردد، تیم مربی یا تیم حریف، ابهام دارد. با وجود این، در هر صورت این گزینه نمی‌تواند سازگاری خوبی با جمله‌ی مربی داشته باشد. اگر تیم مربی حتماً پیروز باشد، با جمله‌ی مربی مبنی بر اینکه تیم مقابل حریف ساده‌ای نیست، سازگار نیست. اگر هم تیم حریف حتماً پیروز باشد که خیلی شدیدتر از بیان مربی در مورد تیم مقابل است. بنابراین گزینه (۳) پاسخ صحیح نیست.

بررسی گزینه (۴): با توجه به «در حالی که» میان نظر مربی و کارشناسان تفاوت قابل ملاحظه‌ای وجود دارد؛ بنابراین این گزینه نمی‌تواند صحیح باشد.

### بخش سوم: سؤالات تحلیلی

قرار است افراد  $A, B, C, D, E$  و  $F$  در سه روز متوالی روی دیوارهای  $X$  و  $Y$  سنگ‌نوردی کنند. یعنی در هر روز دو ورزشکار فعالیت می‌کنند. محدودیت‌های زیر را داریم:

- هر سنگ‌نورد فقط یک مسابقه انجام می‌دهد.
- $B$  و  $C$  در یک روز هستند.
- $A$  و  $E$  روی دیوار  $X$  مسابقه می‌دهند.
- $F$  دیرتر از  $B$  و  $D$  مسابقه می‌دهد.

می‌توانیم جدولی مطابق زیر در نظر بگیریم به طوری که  $X$  و  $Y$  دیوارهای مسابقه و روز اول و دوم و سوم نیز سه روز متوالی برگزاری مسابقات باشند.

	روز سوم	روز دوم	روز اول
دیوار X			
دیوار Y			

با توجه به محدودیت‌ها،  $A$  و  $E$  همواره در سطر بالایی هستند،  $B$  و  $C$  الزاماً زیر هم نوشته می‌شوند و  $F$  باید سمت راست  $B$  و  $D$  باشد.

۱۶- گزینه «۱» قرار است E اولین روز باشد. از طرفی می‌دانیم E باید روی دیوار x باشد و B و C نیز زیر هم باشند. حالت‌های زیر را داریم:

	روز سوم	روز دوم	روز اول		روز سوم	روز دوم	روز اول
	A	B	E	یا	A	C	E
دیوار x					دیوار x		
	F	C	D		F	B	D
دیوار y					دیوار y		

با توجه به جدول‌ها فقط گزینه (۱) در مورد C قطعی خواهد بود.

۱۷- گزینه «۴» قرار است C سمت راست A باشد. از طرفی می‌دانیم A همواره روی دیوار x نیز باید باشد.

	روز سوم	روز دوم	روز اول		روز سوم	روز دوم	روز اول
	E	C	A	یا	E	C	A
دیوار x					دیوار x		
	F	B	D		F	B	D
دیوار y					دیوار y		

در حالت‌های فوق A و E را به دیوار x اختصاص دادیم و B و C را نیز زیر هم در نظر گرفتیم. فقط گزینه ۴ در هر دو حالت لزوماً صحیح است.

۱۸- گزینه «۳» صورت سؤال را به صورت زیر بازنویسی می‌کنیم: «اگر A روز دوم مسابقه ندهد (پس یا روز اول مسابقه داده یا روز سوم) و D روز دوم

مسابقه دهد، چه کسی با A در یک روز مسابقه داده است؟» حالت‌های زیر را با توجه به محدودیت‌ها در نظر بگیریم:

	روز سوم	روز دوم	روز اول		روز سوم	روز دوم	روز اول
	A	E	B	یا	A	E	C
دیوار x					دیوار x		
	F	D	C		F	D	B
دیوار y					دیوار y		

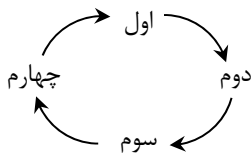
دقت کنیم که A نمی‌تواند روز اول مسابقه دهد چون D باید الزاماً روز دوم باشد و E نیز بنا به محدودیت‌ها روی دیوار x است. پس روی دیوار x به ترتیب A و D و E مسابقه می‌دهند (در سه روز متوالی) که در این صورت نمی‌توان B و C را در یک روز در نظر گرفت. پس A در روز سوم حتماً با F مسابقات را برگزار خواهند کرد.

۱۹- گزینه «۲» B و C در یک روز مسابقه می‌دهند و A و E نیز به دیوار x تعلق دارند. F نیز باید سمت راست B و C باشد. داریم:

	روز سوم	روز دوم	روز اول		روز سوم	روز دوم	روز اول
	E	A	B	یا	E	A	C
دیوار x					دیوار x		
	F	D	C		F	D	B
دیوار y					دیوار y		

در هر دو حالت نشان داده شده A و E می‌توانند با هم جابه‌جا شوند. پس B و C و A و E روز یا دیوارشان قطعی نخواهد بود. ولی D و F هم روز هم دیوارشان قطعی است.

شخص از یکی از شهرهای A و B و C و D شروع کرده و مجدداً به همان شهر نخست بازمی‌گردد. می‌توانیم توالی زیر را برای آن فرض کنیم.

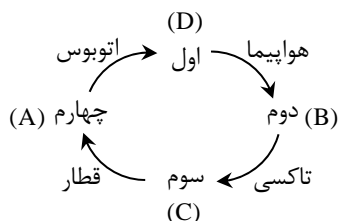


قرار است از تاکسی، اتوبوس، قطار یا هواپیما استفاده کند. محدودیت‌ها را به صورت زیر داریم:

• به شهر B با هواپیما و به شهر D با اتوبوس وارد می‌شود.

• A نه شهر اول است نه از آن با قطار خارج می‌شود.

• پژوهشگر به یک شهر با تاکسی وارد شده و با قطار از آن خارج می‌شود.



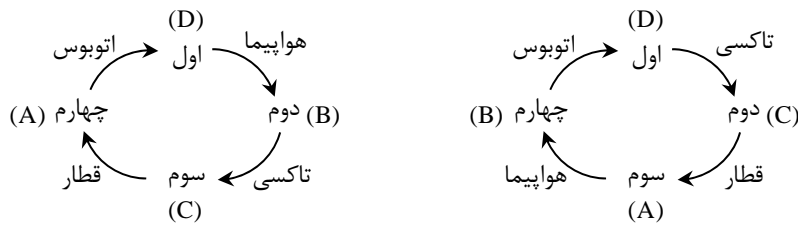
۲۰- گزینه «۱» در اولین مسافرت شخص از شهر اول به شهر دوم می‌رود. پس شهر

دوم B می‌باشد. از طرفی به B با هواپیما وارد می‌شود. حالت زیر را در نظر بگیریم:

در حالت روبه‌رو هیچ‌کدام از محدودیت‌ها نقض نمی‌شود. پس شخص با اتوبوس به

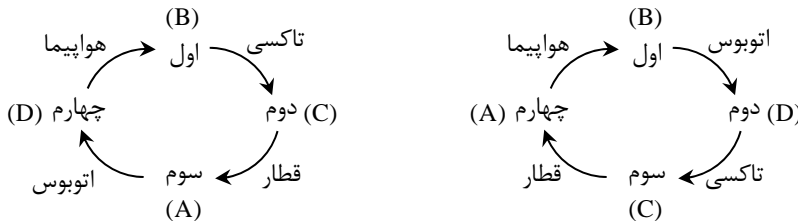
شهر خودش بازمی‌گردد.

۲۱- گزینه «۳» قرار است از شهر چهارم به شهر اول را با اتوبوس سفر کند. دو حالت زیر را فرض کنیم.



با توجه به دو حالت فوق شخص هم می‌تواند از A و هم از D با هواپیما خارج شود. پس قطعی نیست.

۲۲- گزینه «۴» اگر B شهر اول باشد، می‌توانیم دو حالت زیر را (با توجه به محدودیت‌ها) در نظر بگیریم:



فقط گزینه (۴) لزوماً صحیح است و شخص با قطار وارد شهر A شده است.

۲۳- گزینه «۲» برای پاسخ به این سؤال می‌توانیم از دو حالت سؤال قبلی نیز کمک بگیریم. با توجه به دو حالت مفروض در سؤال قبلی، گزاره‌های I و II قطعاً صحیح هستند و گزینه (۲) صحیح است.

### بخش چهارم: حل مسئله

۲۴- گزینه «۴» به راحتی واضح است تمام اعداد داده شده غیر از ۱۰۰، به توان ۳ رسیده‌ی یک عدد طبیعی هستند؛ یعنی داریم:

۸	۲۷	۶۴	۱۰۰	۱۲۵	۲۱۶	۳۴۳
↓	↓	↓	↓	↓	↓	↓
۲ <sup>۳</sup>	۳ <sup>۳</sup>	۴ <sup>۳</sup>	?	۵ <sup>۳</sup>	۶ <sup>۳</sup>	۷ <sup>۳</sup>

پس باید عدد ۱۰۰ حذف شود، چون توان سوم هیچ عدد طبیعی نیست.

۲۵- گزینه «۳» سؤال را به دو روش پاسخ می‌دهیم:

$$\frac{a}{b} = \frac{3}{5}, \frac{a}{c} = \frac{3}{6}, \frac{b}{c} = \frac{5}{6} \quad (1)$$

روش اول: اگر این اعداد را a، b و c در نظر بگیریم با توجه به صورت سؤال تساوی‌های مقابل را داریم:

$$\frac{a+b+c}{3} = 56 \quad (2)$$

$$a = \frac{1}{2}c, \quad b = \frac{5}{6}c$$

از تساوی اول می‌توانیم a و b را برحسب c به دست آوریم و در تساوی (۲) قرار دهیم:

$$\frac{\frac{1}{2}c + \frac{5}{6}c + c}{3} = 56 \Rightarrow c = 72 \xrightarrow{a=\frac{1}{2}c} a = \frac{1}{2} \times 72 = 36 \xrightarrow{b=\frac{5}{6}c} b = \frac{5}{6} \times 72 = 5 \times 12 = 60$$

$$\frac{a+b+c}{3} = \frac{3 \times 36 + 60 + 72}{3} = \frac{240}{3} = 80$$

اگر عدد کوچک‌تر یعنی a، سه برابر شود، داریم:

روش دوم: نسبت این ۳ عدد مانند ۳ به ۵ و به ۶ است، پس می‌توانیم آن‌ها را با ۳x، ۵x و ۶x نشان بدهیم.

$$\text{میانگین} = \frac{3x + 5x + 6x}{3} = \frac{14x}{3} = 56 \Rightarrow x = \frac{3 \times 56}{14} = 3 \times 4 = 12$$

$$\text{میانگین جدید} = \frac{9x + 5x + 6x}{3} = \frac{20}{3}x = \frac{20}{3} \times 12 = 20 \times 4 = 80$$

اگر عدد کوچک‌تر را ۳ برابر کنیم، داریم:

۲۶- گزینه «۲» قیمت برنج نوع سوم را با x نشان می‌دهیم. یک کیلوگرم از برنج مخلوط شده را در نظر بگیرید. مجموع سهم‌ها ۶ = ۲ + ۳ + ۱ است.  $\frac{1}{6}$  از این

برنج دارای قیمت هر کیلوگرم شش هزار تومان  $\frac{3}{6}$  از آن دارای قیمت هر کیلوگرم هشت هزار تومان و  $\frac{1}{6}$  از آن دارای قیمت x هزار تومان برای هر کیلوگرم

$$\frac{1}{6}(6000) + \frac{3}{6}(8000) + \frac{1}{6}(x) = 7500 \Rightarrow 2000 + 4000 + \frac{x}{6} = 7500 \Rightarrow \frac{x}{6} = 1500 \Rightarrow x = 9000$$

است، پس طبق اطلاعات داده شده داریم:



۲۷- گزینه «۱» با توجه به فرمول کتاب داریم:

$$\frac{1}{B} + \frac{1}{C} = \frac{1}{3}, \quad \frac{1}{A} + \frac{1}{C} = \frac{1}{2}, \quad A = 4$$

با قرار دادن  $A = 4$  در تساوی‌های دیگر داریم:

$$\frac{1}{A} + \frac{1}{C} = \frac{1}{2} \xrightarrow{A=4} \frac{1}{4} + \frac{1}{C} = \frac{1}{2} \Rightarrow \frac{1}{C} = \frac{1}{2} - \frac{1}{4} = \frac{1}{4} \Rightarrow C = 4$$

از طرفی با توجه به تساوی  $\frac{1}{B} + \frac{1}{C} = \frac{1}{3}$  داریم:

$$\frac{1}{B} = \frac{1}{3} - \frac{1}{C} \Rightarrow \frac{1}{B} = \frac{1}{3} - \frac{1}{4} = \frac{1}{12} \Rightarrow B = 12 \text{ (ساعت)}$$

۲۸- گزینه «۴» با توجه به اینکه سؤال نکته کدام یک از جملات اول یا دوم نصف دیگری است، فعلاً فرض می‌کنیم جمله‌ی دوم، نصف جمله‌ی اول باشد. می‌توانیم جمله‌ی اول را  $2a$  و جمله دوم را  $a$  (که نصف جمله‌ی اول است) بنامیم:

$$2a, \quad \underbrace{a}_{\text{جمله دوم}}, \quad 2a + a = 3a, \quad \underbrace{2a + a = 4a}_{\text{جمله چهارم}}, \quad 4a + 3a = 7a, \quad 7a + 4a = 11a, \quad \underbrace{11a + 7a = 18a}_{\text{جمله هفتم}}, \quad 18a + 11a = 29a, \quad \underbrace{29a + 18a = 47a}_{\text{جمله نهم}}$$

حالا مقدار ستون‌ها را می‌نویسیم:

$$\text{مقدار ستون (الف)} = \frac{\text{جمله نهم}}{\text{جمله چهارم}} = \frac{47a}{4a} = \frac{47}{4} = 11/75, \quad \text{مقدار ستون (ب)} = \frac{\text{جمله هفتم}}{\text{جمله دوم}} = \frac{18a}{a} = 18$$

اما حواستان باشد که سریع فکر نکنید مقدار ستون (ب) بزرگ‌تر است! چون شاید جمله‌ی دوم برابر با  $2a$  و جمله‌ی اول  $a$  بوده (در صورت سؤال مشخص نشده کدام جمله نصف دیگری است!) که در این صورت داریم:

$$a, \quad \underbrace{2a}_{\text{جمله دوم}}, \quad 3a, \quad \underbrace{5a}_{\text{جمله چهارم}}, \quad 8a, \quad 13a, \quad \underbrace{21a}_{\text{جمله هفتم}}, \quad 34a, \quad \underbrace{55a}_{\text{جمله نهم}}$$

$$\text{مقدار ستون (الف)} = \frac{\text{جمله نهم}}{\text{جمله چهارم}} = \frac{55a}{5a} = 11, \quad \text{مقدار ستون (ب)} = \frac{\text{جمله هفتم}}{\text{جمله دوم}} = \frac{21a}{2a} = 10/5$$

در این صورت ستون (الف) از (ب) بزرگ‌تر است. در نتیجه نمی‌توان گفت در حالت کلی کدام ستون بزرگ‌تر است و گزینه (۴) پاسخ سؤال است.

۲۹- گزینه «۴» قرار است از محصولات درجه ۱، ۲ و ۳ به میزان مساوی تولید شود. در محصول درجه ۱ نسبت ماده  $A, B, C$  به ترتیب ۲، ۴ و ۳ است. یعنی اگر کل محصول درجه ۱ را به ۹ قسمت تقسیم کنیم، ۲ قسمت آن از ماده‌ی  $A$ ، ۴ قسمت از ماده‌ی  $B$  و ۳ قسمت از ماده‌ی  $C$  است. به طور مشابه در مورد محصول درجه ۲ و درجه ۳ نیز می‌توانیم ایده فوق را پیاده کنیم. فرض کنیم از هر محصول درجه ۱، ۲ و درجه ۳ هجده کیلوگرم موجود باشد. آن‌گاه در محصول درجه ۱،  $\frac{2}{3+4+2} \times 18$  کیلوگرم از ماده‌ی  $A$ ،  $\frac{4}{3+4+2} \times 18$  کیلوگرم از ماده‌ی  $B$  و  $\frac{3}{3+4+2} \times 18$  کیلوگرم نیز از ماده‌ی  $C$  وجود دارد. با استدلال مشابه می‌توانیم وزن هر کدام از مواد  $A$  و  $B$  و  $C$  را در محصولات درجه ۲ و درجه ۳ نیز مطابق جدول زیر منظم کنیم:

نسبت ترکیب مواد خام			
ماده C	ماده B	ماده A	
۶kg	۸kg	۴kg	محصول درجه ۱ = ۱۸kg
۶kg	۷kg	۵kg	محصول درجه ۲ = ۱۸kg
۸kg	۴kg	۶kg	محصول درجه ۳ = ۱۸kg

مطلوب سؤال نسبت مواد  $A$  و  $C$  در محصول درجه ۳ به کل ماده‌ی  $A$  و  $C$  در سه محصول است:

$$\text{مطلوب} = \frac{\text{مجموع ماده‌ی A و C درجه ۳}}{\text{کل ماده‌ی A و C}} = \frac{6+8}{15+20} = \frac{14}{35} = \frac{2}{5} = 40\%$$

۳۰- گزینه «۱» با فرض این که وزن کل محصول درجه ۲ همان ۱۸ کیلوگرم باشد (فرض اولیه مسئله قبلی)، اکنون ماده‌ی  $A$  و  $B$  و  $C$  به نسبت ۱ و ۲ و ۳ در آن توزیع شده است یعنی  $\frac{1}{3+2+1} \times 18$  ماده‌ی  $A$ ،  $\frac{2}{3+2+1} \times 18$  ماده‌ی  $B$  و  $\frac{3}{3+2+1} \times 18$  ماده‌ی  $C$  در آن به کار رفته است. یعنی ماده‌ی  $C$  در

حالت جدید ۹kg می‌باشد.

$$\text{حالت قبلی: کل ماده‌ی C} = 6+6+8 = 20 \text{ kg}$$

$$\text{حالت فعلی: کل ماده‌ی C} = 6+9+8 = 23 \text{ kg}$$

در واقع، مصرف روزانه ماده‌ی  $C$  از ۲۰kg به ۲۳kg افزایش یافته است. پس  $\frac{3}{20} = 15\%$  افزایش داشته است.

## سؤالات آزمون گروه علوم انسانی - دکتری ۹۶

## بخش اول: درک مطلب

■ در این بخش، دو متن به طور مجزا آمده است. هریک از متن‌ها را به دقت بخوانید و پاسخ سؤال‌هایی را که در زیر آن آمده است، با توجه به آنچه می‌توان از متن استنتاج یا استنباط کرد، پیدا کنید و در پاسخنامه علامت بزنید.

## متن (۱)

از دهه ۱۹۷۰، موج گسترده‌ای از تحقیقات، عمدتاً در ایالات متحده و انگلستان، درباره بنیان‌های تئوریک و مسائل و موضوعات اقتصاد سیاسی بین‌الملل به عمل آمد. از جمله در همین دهه، رابرت کوهن و جوزف نای، مشترکاً دو کتاب منتشر کردند که در قوام‌یابی تئوری لیبرالیستی اقتصاد سیاسی بین‌الملل نقش مهمی داشتند. یکی کتاب تدوینی «روابط فراملی و سیاست جهانی» بود که در سال ۱۹۷۲ منتشر شد و کتاب مشهور دیگر، «قدرت و وابستگی متقابل: سیاست جهانی در حال گذار» نام داشت که در سال ۱۹۷۷ انتشار یافت. آنها در کتاب اول، ضمن تعریف فراملی‌گرایی، به تشریح پویایی‌های روابط اقتصادی بین‌المللی پرداختند. نویسندگان کتاب در مجموع بر آن بودند که جهان با تحولاتی مواجه شده که در چهارچوب آن، روابط اقتصادی بین‌المللی افزایش یافته و بر اهمیت کنشگران غیردولتی، نظیر شرکت‌های چندملیتی افزوده شده است. کوهن و نای در کتاب بعدی، مفهوم «وابستگی متقابل پیچیده» را مورد بررسی قرار دادند. از نظر آنها، وابستگی متقابل پیچیده، سه ویژگی مهم دارد: کانال‌های چندگانه ارتباطات میان جوامع، فقدان سلسله‌مراتب مشخص میان مسائل و دستورکارهای سیاست خارجی دولت‌ها و کاهش نقش نیروی نظامی. آنها در توضیح وابستگی متقابل اقتصادی از دو مفهوم حساسیت و آسیب‌پذیری استفاده کردند و بیان داشتند که اقتصاد کشورها از تحولات مؤثر در کشورهای دیگر تأثیر می‌گیرد که این امر در کنار فوایدش، ممکن است نقش آسیب‌زننده هم داشته باشد.

این گونه تحلیل‌ها در واقع واکنشی بود به جریان رئالیستی روابط بین‌الملل که تلاش می‌کرد اقتصاد سیاسی بین‌الملل را نیز با رویکرد رئالیستی تحلیل کند. رابرت گیلپین از تئوری پردازان مشهور این جریان است که با وجود پذیرش ظهور فراملی‌گرایی، بر آن بود که این به معنی منسوخ شدن تئوری رئالیسم نیست. گیلپین و تئوری پرداز رئالیست دیگر، استفن کراسنر، شارحان و نمایندگان اولیه ایده‌ای بودند که طبق آن سلامت و ثبات اقتصاد بین‌المللی لیبرال، منوط به حضور و مدیریت یک قدرت برتر هژمونیک در رأس آن بود. آنها معتقد بودند روابط اقتصادی باز و آزاد میان کشورها، زمانی جریان پیدا می‌کند که دولت هژمونیک برای تضمین آن، توانایی و تمایل داشته باشد. این ایده که قبلاً توسط یک اقتصاددان به نام چارلز کیندلبرگر طرح گردیده بود، بعداً توسط کوهن، تئوری «ثبات هژمونیک» نامیده شد. این تئوری در واقع حاوی این پیام بود که با افول هژمونی ایالات متحده و فروپاشی سیستم برتون وودز، ثبات اقتصاد بین‌الملل به خطر افتاده است.

۱- موضوع اصلی متن، کدام است؟

۱) آثار مشترک رابرت کوهن و جوزف نای

۳) رویکردی متفاوت به موضوع اقتصاد سیاسی بین‌الملل

۲) بنیان‌های نظری اقتصاد سیاسی بین‌الملل

۴) دیدگاه‌های متفاوت تئوری پردازان معروف درباره فراملی‌گرایی سیاسی

۲- براساس متن، کوهن و نای در کتاب دوم خود، ..... .

۱) به مسئله تأثیرپذیری اقتصادی کشورها از یکدیگر اشاره کردند.

۲) فراملی‌گرایی را بازتعریف کرده و مشخصه‌های آن را برشمردند.

۳) بر نقش عوامل غیردولتی و غیرنظامی در بروز پدیده وابستگی متقابل اقتصادی در برخی کشورها تأکید کردند.

۴) مفاهیم اقتصادی جدیدی را مطرح کردند که سیاست خارجی دولت‌ها را غیرمستقیم تحت تأثیر خود قرار می‌دهند.

۳- کدام مورد، نقش جمله‌ای را که در متن (سطرهای ۱۴ تا ۱۵)، زیر آن خط کشیده شده، به خوبی توصیف می‌کند؟

۱) پیش‌فرض نظریه‌ای را که در ادامه متن معرفی شده، با یک استدلال توضیح می‌دهد.

۲) به تناقض موجود بین ایده‌های چند اقتصاددان متعلق به یک دیدگاه خاص، اشاره می‌کند.

۳) تصور نادرستی را که درباره اقتصاد بین‌المللی لیبرال در جمله قبل از آن آمده، تصحیح می‌کند.

۴) دلیل حمایت برخی تئوری‌پردازان، از حضور یک دولت هژمونیک در عرصه اقتصاد را بیان می‌کند.

۴- کدام مورد درباره رابطه بین دو پاراگراف متن، صحیح است؟

- ۱) پاراگراف دوم به واکنش‌هایی اشاره می‌کند که در حمایت و یا مخالفت اقتصاد سیاسی بین‌الملل که در پاراگراف اول مطرح شده، نشان داده شده است.
- ۲) پاراگراف اول درباره رویکردی تحلیلی به موضوعی خاص، اطلاعاتی می‌دهد و پاراگراف دوم درباره رابطه آن با رویکردی دیگر، توضیح می‌دهد.
- ۳) هر پاراگراف، اهمیت اقتصاد سیاسی بین‌الملل را در یک دوره تاریخی متفاوت، مورد بحث قرار می‌دهد.
- ۴) هر پاراگراف، دیدگاهی خاص را درباره ماهیت و کارکرد یک پدیده یکسان، توصیف می‌کند.

### متن (۲)

حقوق کیفری ضدتروریستی جدید، پاسخی مستقیم به حوادث تروریستی است که تاریخچه‌ای نسبتاً طولانی دارد و برخلاف تصور عمومی، ظهور آن به سال‌های اخیر محدود نمی‌شود. یکی از خطرات این‌گونه توجه سریع قانون به تروریسم، آن است که نه قانون‌گذاران و نه شهروندان، وقت و دقت کافی برای بررسی دقیق موضوع در اختیار ندارند. در بررسی «قانون پیشگیری از تروریسم (مقررات موقتی)» انگلستان در سال ۱۹۷۴، تنها ۱۷ ساعت زمان وجود داشت. این قانون در نتیجه بمب‌گذاری در بیرمنگهام به تصویب رسید که در آن حادثه، ۲۱ نفر کشته و ۱۸۰ نفر زخمی شدند. خشم عمومی ناشی از این حادثه به اندازه‌ای بود که مانع از بروز هرگونه مخالفت نمایندگان گردید، هرچند بر این نکته واقف بودند که در این زمان، اندیشه‌ای حاکم نبود و لایحه مورد بحث نیز، نه به تروریسم ارتباطی داشت و نه می‌توانست در این باره کاری را صورت دهد. [۱]

در چنین مواردی که قانون‌گذاری ضدتروریستی در پاسخ به یک واقعه تروریستی صورت می‌گیرد، خطر نقض آزادی شهروندان و اصول کلی حقوق کیفری و اصل قانون‌مندی، قانون را به شدت تهدید می‌کند. [۲] واکنش‌های قانونی به حوادث تروریستی در قالب قانون‌نویسی یا اصلاح قوانین موجود که بلافاصله پس از اقدامات تروریستی صورت می‌گیرند، اغلب به این پرسش که چرا حوادث تروریستی صورت گرفته‌اند، پاسخی نمی‌دهند. از همین‌روست که اغلب این تصور ایجاد می‌شود که وضع جرایم جدید و تأسیس مقامات تعقیب جدید می‌تواند از اقدامات تروریستی پیشگیری نماید. [۳] این‌گونه واکنش‌های قانونی سریع به اقدامات تروریستی، نه تنها آزادی شهروندان و اصول حقوق کیفری را با خطر مواجه می‌سازد، بلکه تصویری از حقوق کیفری به نمایش می‌گذارد که توان استفاده از تمامی ابزارهای سیاسی موجود برای مقابله با اقدامات تروریستی را ندارد. این امر فرایندی است که تقریباً همیشه همراه با جرایم تکان‌دهنده که جامعه را تحت تأثیر قرار می‌دهد، مشاهده می‌شود. تسلیم شدن دولت‌ها در برابر فشارهای عمومی و رسانه‌ای ناشی از این جرایم را می‌توان در برخی از موارد، گونه‌ای از همدردی آنها با بزه‌دیدگان و مبتنی بر اندیشه انتقام‌گیری و حمایت از بزه‌دیدگان دانست. حقوق کیفری ضدتروریستی، در برخی موارد می‌تواند نمونه‌ای از همین همدردی باشد و در مواردی دیگر، نشانه‌ای از قدرت‌طلبی دولت‌ها، آن‌گونه که گارلند بیان می‌کند: «یکی از الزام‌های حقوق کیفری جدید آن است که از بزه‌دیده حمایت می‌کند، زیرا فریاد آنها باید شنیده شود، یاد آنها باید گرامی داشته شود، خشم آنها باید به ظهور برسد و وحشت آنها باید به آرامش تبدیل شود». [۴]

۵- کدام جنبه از قانون‌گذاری ضدتروریستی، در متن مورد بحث قرار نگرفته است؟

- ۱) نقش دولت‌ها در آن
- ۲) اثرات پیشگیرانه
- ۳) زمینه ظهور
- ۴) خطرات

۶- هدف نویسنده از اشاره به قانون پیشگیری از تروریسم انگلستان در پاراگراف اول، کدام است؟

- ۱) توصیف شرایطی که در آن، قانون‌گذار چاره‌ای جز تسلیم در برابر اراده شهروندان ندارد.
- ۲) توصیف واقع‌های که موجبات بسط حقوق کیفری ضدتروریستی را فراهم آورد.
- ۳) ارائه مثالی در حمایت از ایده‌ای که درخصوص قانون‌گذاری ضدتروریستی در اوایل متن مطرح شده.
- ۴) بررسی واکنش قانون‌گذاران و شهروندان انگلیسی به تصویب آن.

۷- جمله زیر، در کدام‌یک از بخش‌های متن که با شماره مشخص شده‌اند، قرار می‌گیرد؟

«این امر، حقوق کیفری جدید را به سمت طراحی و به‌کارگیری اقدامات انتقام‌جویانه سوق می‌دهد تا از این طریق بتواند احساسات عموم را به سرعت پاسخ دهد و به جرم، پاسخی مناسب بدهد.»

- ۱) [۴]
- ۲) [۳]
- ۳) [۲]
- ۴) [۱]

۸- براساس متن، می‌توان نتیجه گرفت که نویسنده معتقد است واکنش‌های قانونی سریع به اقدامات تروریستی، .....

- ۱) بیشتر نشانگر ضعف ابزارهای سیاسی مبارزه با تروریسم هستند تا ضعف حقوق کیفری.
- ۲) ابزار مدیریتی مؤثری در امر مبارزه با تروریسم محسوب نمی‌شوند.
- ۳) چیزی نیستند به‌جز عرض‌اندام دولت‌ها در مقابل تروریست‌ها.
- ۴) در درازمدت، اثرات مثبتی خواهند داشت.

## بخش دوم: استدلال منطقی

■ برای پاسخگویی به سؤال‌های این بخش، لازم است موقعیتی را که در هر سؤال مطرح شده، مورد تجزیه و تحلیل قرار دهید و سپس گزینه‌ای را که فکر می‌کنید پاسخ مناسب‌تری برای آن سؤال است، انتخاب کنید. هر سؤال را با دقت بخوانید و با توجه به واقعیت‌های مطرح شده در هر سؤال و نتایج که بیان شده و بیان نشده ولی قابل استنتاج است، پاسخی را که صحیح‌تر به نظر می‌رسد، انتخاب و در پاسخنامه علامت بزنید.

**کله ۹-** بسیاری از خودروسازان، ممکن است به تولید خودروهایی که میزان آلاینده‌گی بسیار پایینی دارند، روی بیاورند. با توجه به کاهش بسیار زیاد نفت خام در دنیا و احتمال اقتصادی نبودن تولید نفت در برخی از نقاط دنیا، قیمت تمام شده این کالای اقتصادی و سیاسی، از این جنبه اهمیت دارد که برای نقش‌آفرینی در بازار و داشتن حاشیه سود مناسب، لازم است قیمت تمام‌شده تولید کاهش یابد. با این توضیحات، اگر کشوری هزینه‌های تولید کمتری داشته باشد، قادر است در بازار حضور داشته باشد و درآمد بیشتر و در نهایت، حاشیه سود بیشتری را به خود اختصاص دهد. کدام مورد را می‌توان از متن فوق، استنباط کرد؟

(۱) هزینه تولید نفت در کشورهای مختلف، یکسان نیست.

(۲) کاهش قیمت نفت با خارج شدن برخی از کشورها از دایره تولید، همچنان ادامه خواهد یافت.

(۳) برخی کشورهای صادرکننده نفت، از حاشیه سود فعلی خود، به شدت ناراضی هستند.

(۴) هم‌اکنون برخی کشورها نقش‌آفرینی بیشتری نسبت به برخی کشورهای دیگر، در بازار تولید و عرضه نفت خام دارند.

**کله ۱۰-** خاقانی بر «حکمت» تأکید می‌کند. یکی دو جا «فیلسوف» می‌گوید اما بیشتر حکمت را به کار می‌برد. یکی از پیشنهادهایی که هانری گُربن می‌کرد، این بود که به فلسفه‌هایی که جنبه عرفانی - شهودی یا ایمانی دارند، بگویید: حکمت. پیش‌تر گفتم که فلسفه و حکمت، مترادف هم به کار رفته‌اند؛ اما این پیشنهاد گُربن هم ابداع او نیست؛ چون می‌داند که این در متون هست و این‌طور به کار برده‌اند. آن حرف معروف ارسطو که می‌گوید: «اگر فیلسوفی باید کرد، فیلسوفی باید کرد و اگر فیلسوفی نباید کرد، باز هم فیلسوفی باید کرد»، معنایش این است که ..... کدام مورد به منطقی‌ترین وجه، جای خالی در متن فوق را کامل می‌کند؟

(۱) فلسفه مادر عرفان، شهود و حتی حکمت است.

(۲) حرف هانری گُربن از بیخ و بن غلط است.

(۳) جایگاه خاقانی به واقع درک نشده است.

(۴) نمی‌توانیم از فلسفه فرار کنیم.

**کله ۱۱-** با آنکه شهرداری شهر «الف» با ایجاد مراکز جهت اسکان شبانه کارتن‌خواب‌های این شهر در شب‌های زمستانی، محل‌های خوب و کافی فراهم دیده بود و این مراکز نیز هر شب تمامی پُر می‌شدند، ولی میزان مرگ‌ومیر این افراد در فصل زمستان در سال ۲۰۱۵، تغییر چشمگیری نداشته و تنها از ۲۰ درصد به ۱۵ درصد کاهش یافته است. حال شهرداری برای مقابله با این پدیده در نظر دارد که اسکان کارتن‌خواب‌ها در زمستان‌ها را بیست‌وچهار ساعته کند. کدام مورد، فرضی است که طرح جدید شهرداری بر آن بنا شده است؟

(۱) برخی مراکز خیریه، شب‌ها به کارتن‌خواب‌ها اسکان می‌دهند، ولی به دلیل فعالیت و حضور کارکنان خود نمی‌توانند چنین خدماتی را در طول روز نیز ارائه دهند.

(۲) ایجاد محل جدید برای اسکان شبانه کارتن‌خواب‌ها، مستلزم هزینه‌ای گزاف است و لذا بهترین کار، استفاده از این محل‌ها در شیفت روز نیز می‌باشد.

(۳) تعداد زیادی از کارتن‌خواب‌ها، جان خود را در زمستان‌ها، در طول روز و سرمای روزانه از دست می‌دهند.

(۴) تعداد کارتن‌خواب‌ها افزایش یافته و به تبع آن، درصد مرگ‌ومیر آنها نیز بالا می‌رود.

**کله ۱۲-** مغز ما به وضوح به گونه‌ای فرگشت یافته تا در گرانس زمین کار کند. آزمایش‌های انجام شده در ایستگاه فضایی بین‌المللی نشان می‌دهد مغز ما مدلی داخلی از نحوه عملکرد گرانس دارد. مدلی که به عنوان مثال از آن برای پیش‌بینی دقیق محل فرود توپ هنگام گرفتن آن به کار می‌بریم. در محیط بی‌وزنی، توپ به جای شتاب منفی ثابت، با سرعت ثابت حرکت می‌کند و در نتیجه، واکنش‌های ما اندکی کند است. گرانس همچنین بر روی جریان خون درون مغز اثر می‌گذارد. گرانس زیاد نیز فعالیت‌های الکتریکی مغز را مختل می‌کند و باعث بروز الگوهای شبیه حمله صرع می‌شود. کدام مورد، به درستی رابطه دو جمله‌ای که در متن، زیر آنها خط کشیده شده است را نشان می‌دهد؟

(۱) جمله اول، یافته‌ای است که موضع اصلی نویسنده را ظاهراً تضعیف می‌کند. جمله دوم، یافته‌ای دیگر است که هرگونه شک در مورد درستی موضع نویسنده را برطرف می‌سازد.

(۲) جمله اول، ادعای اصلی نویسنده را تعدیل می‌کند. جمله دوم، یافته‌ای است که به‌درستی این تعدیل در ادعای کلی، صخه می‌گذارد.

(۳) جمله اول، ادعای اصلی نویسنده است. جمله دوم، موردی را مطرح می‌کند که استثناً در این ادعای اصلی محسوب می‌گردد.

(۴) جمله اول، بخشی از ادعای کلی متن است. جمله دوم نیز یافته‌ای است که در جهت همان ادعای کلی می‌باشد.



**کلمه ۱۳-** چهره مثبت قرن پنجم و ششم، گسترش علوم است. علمی که پدید آمده بود، در این دوره توضیح داده شد. گاهی هم حرف تازه‌ای می‌گفتند و در شرح و بسط آن، تلاش می‌کردند. اصلاً در دوره‌هایی که دوره افول است، کاری که صورت می‌گیرد، شرح و حاشیه‌نویسی و به قول معروف، «اقول»‌ها است. یعنی وقتی که ابتکار نیست، مجبورند حرف‌های مبتکران را توضیح بدهند. به هر حال، در قرن پنجم و ششم چیزک‌هایی هست، ولی دیگر آن دوره طلایی نیست. آن چهره منفی این بود که آزادفکری، جای خود را به فکر مقید داد. در همین دوره، غزالی قدرت عجیبی داشت و حیرت‌انگیز بود. «المنقذ من الضلال» را هم که می‌خوانید، باز با اینکه در آن حرکت عاشقانه می‌بینید، محدودیت هم هست. غزالی شک می‌کند، اما شکی است که بلافاصله جلوی او را می‌گیرد و به راهی می‌رود که راه فخررازی نیست. باز تأکید می‌کنم که غزالی در گسترش دانش حیرت‌انگیز است. آن قدر اثر داشت که بعد از او، در کل جهان اسلام، خیلی درگیری فلسفی دیده نشد، جز در ایران که به برکت حکمت اشراقی و عرفانی که داشتیم، جریان‌ها متعدد شد. مقصود نویسنده متن، از «آن چهره منفی»، کدام است؟

- (۱) صرف وجود چیزک‌ها در ظرف دویست سال  
(۲) نکته‌ای مربوط به قرن پنجم و ششم  
(۳) گسترش «اقول»‌ها  
(۴) شک غزالی

**کلمه ۱۴-** مدیر یک بنگاه خصوصی گردشگری: در حال حاضر براساس آمارها، ۳۲۷ واحد بوم‌گردی دارای مجوز در کشور وجود دارد و متولیان دولتی از افزایش این اقامتگاه‌ها تا دو هزار واحد در یک بازه زمانی ۵ ساله سخن می‌گویند و این در حالی است که فعالان گردشگری آغازگر این حرکت در کشور، از رشد بدون ضابطه و دستوری این اقامتگاه‌ها ابراز نگرانی می‌کنند. در واقع، بانیان واحدهای بوم‌گردی معتقدند تمرکز دولتی‌ها بر افزایش تعداد این اقامتگاه‌ها، بدون آنکه قواعد و صورت مشخصی برای این توسعه وجود داشته باشد، حیات طبیعی و هویت اصیل روستاها که تقویت فعالیت و تولید زراعی است را به خطر انداخته و این جریان که با هدف توسعه پایدار روستاها آغاز شده بود، به اهداف واقعی خود نرسیده است. در عین حال، این مسئله چالش‌های اقتصادی را نیز متوجه بومی‌ها می‌کند.

کدام مورد، در صورتی که صحیح فرض شود، به بهترین وجه، ادعای این مدیر بنگاه خصوصی گردشگری را تقویت می‌کند؟

- (۱) بسیاری از روستاییانی که در منطقه‌شان واحدهای بوم‌گردی ایجاد شده، علی‌رغم آنکه از کشاورزی دست کشیده‌اند، درآمدشان افزایش یافته است.  
(۲) درآمد بسیاری از بنگاه‌های خصوصی گردشگری، در اثر مداخله دولت در امر گردشگری کاهش یافته و لذا آنها مجبور به تعدیل نیرو شده‌اند.  
(۳) دخالت دولت در ایجاد و مدیریت واحدهای بوم‌گردی، در همه کشورهای دنیا نتیجه یکسانی نداشته است.  
(۴) برخی از گردشگرانی که از مناطق روستایی بازدید می‌کنند، جذب طبیعت و آرامش روستا شده و اقدام به ساخت خانه و سرمایه‌گذاری در حوزه کشاورزی کرده‌اند.

**کلمه ۱۵-** شرکت «الف» برای تأمین هزینه ساخت پارکینگ خودرو برای مدیران و ارباب‌رجوع خود، قرار است ماهانه تا یک سال، از حقوق تمامی کارکنان خود، ۱۰ درصد کسر نماید. کارکنان این شرکت، این طرح را ناعادلانه خوانده و نسبت به حذف بخشی از حقوق خود اعتراض دارند. کدام مورد، در صورتی که صحیح فرض شود، منطق اعتراض کارکنان را به بهترین وجه، تضعیف می‌کند؟

- (۱) آرامش خاطر مدیران و رضایت ارباب‌رجوع در درازمدت، باعث بالا رفتن کارایی شرکت و به نوبه خود، سود خالص شرکت گردد.  
(۲) تصمیمات مشابه دیگری در شرکت‌های دیگر نیز، قبلاً اتخاذ و به مرحله اجرا درآمده است و اگر چه وضع مالی کارکنان آن شرکت‌ها بدتر هم بوده است، ولی آنها اعتراضی نکردند.  
(۳) با ساخت این پارکینگ، فضای آزاد پارک خودرو که در محدوده شرکت قرار دارد، خالی می‌شود و کارکنان می‌توانند خودروی خود را به جای پارکینگ عمومی و پرداخت هزینه، آنجا پارک کنند.  
(۴) با توجه به بالا بودن حقوق کارکنان شرکت «الف» که از سطح درآمد سرانه کشور مربوطه بالاتر است، مبلغ ده درصد کسر از حقوق برای یک سال، تغییری در سبک زندگی و رفاه این افراد ایجاد نخواهد کرد.

### بخش سوم: سؤالات تحلیلی

■ در این بخش، توانایی تحلیلی شما مورد سنجش قرار می‌گیرد. سؤال‌ها را به دقت بخوانید و پاسخ صحیح را در پاسخنامه علامت بزنید. **راهنمایی:** با توجه به اطلاعات زیر، به سؤال‌های ۱۶ تا ۱۹ پاسخ دهید.

در سالن انتظار یک هتل، چهار ساعت به شماره‌های ۱، ۲، ۳ و ۴ که هر کدام زمان مربوط به یکی از کشورهای X، Y، Z و T را نشان می‌دهند، نصب شده‌اند. اطلاعات زیر در دست است:

- کشورهای X و T، از نظر زمانی چهار ساعت با یکدیگر اختلاف دارند.
- ساعت شماره ۲ که ۴ بعدازظهر را نشان می‌دهد، مربوط به کشوری غیر از Y است.
- اختلاف زمانی ساعت‌های ۳ و ۴، یک ساعت است.
- ساعت مربوط به کشور Z، ۶ بعدازظهر را نشان می‌دهد.



۱۶- اگر ساعت شماره ۴، مربوط به کشور T باشد، اختلاف زمانی کشورهای X و Y، چند ساعت است؟

- (۱) ۵ (۲) ۳ (۳) ۱ (۴) نمی توان تعیین کرد.

۱۷- اگر ساعت شماره ۴، زمان ۱ بعدازظهر را نشان دهد، این ساعت مربوط به کدام کشور است؟

- (۱) نمی توان تعیین کرد. (۲) X (۳) T (۴) Y

۱۸- اگر زمانی که ساعت های شماره ۲ و ۳ نشان می دهند، ۵ ساعت با یکدیگر اختلاف داشته باشد، ساعت شماره ۳ مربوط به کدام کشور است؟

- (۱) Y (۲) Z (۳) T (۴) X

۱۹- اگر زمانی که ساعت شماره ۱ نشان می دهد، یک ساعت کمتر از زمانی باشد که ساعت شماره ۴ نشان می دهد، کشورهای X و Z، چند ساعت با یکدیگر اختلاف زمانی دارند؟

- (۱) ۱ (۲) ۲ (۳) ۳ (۴) ۴

**راهنمایی:** با توجه به اطلاعات زیر، به سؤالات ۲۰ تا ۲۳ پاسخ دهید.

در یک مسابقه اتومبیل رانی، ۶ اتومبیل به شماره های ۱۴، ۳۸، ۴۱، ۱۱، ۲۹ و ۸۷ شرکت کرده اند. در پایان این مسابقه، به رانندگان رتبه های اول تا سوم، به ترتیب مدال طلا، نقره و برنز داده شده است. در خصوص نحوه عبور این اتومبیل ها از خط پایان مسابقه اطلاعات زیر در دست است:

- هیچ دو اتومبیلی، به طور همزمان از خط پایان مسابقه عبور نکرده اند.
- اتومبیل های شماره ۴۱ و ۲۹ دقیقاً پشت سرهم، ولی نه لزوماً به ترتیب، از خط پایان عبور کرده اند.
- فقط یک شرکت کننده، دقیقاً رتبه ای بین دو شرکت کننده ۲۹ و ۸۷ کسب نموده است.
- راننده اتومبیل شماره ۳۸ که مدال طلا را نگرفته است، حداقل به فاصله یک اتومبیل، زودتر از اتومبیل شماره ۱۴، از خط پایان عبور کرده است.

۲۰- اگر شماره ۲۹، اولین اتومبیلی باشد که از خط پایان عبور کرده است، کدام دو اتومبیل، دقیقاً پشت سرهم از خط پایان عبور نموده اند؟

- (۱) ۳۸ و ۴۱ (۲) ۸۷ و ۱۴ (۳) ۸۷ و ۱۱ (۴) ۱۱ و ۱۴

۲۱- اگر مدال برنز به راننده اتومبیل شماره ۸۷ رسیده باشد، کدام اتومبیل به طور قطع، پس از آن و نه لزوماً بلافاصله، از خط پایان گذشته است؟

- (۱) ۱۱ (۲) ۱۴ (۳) ۲۹ (۴) ۴۱

۲۲- اگر بین دو اتومبیل ۴۱ و ۱۱ که از خط پایان مسابقه عبور کرده اند، دو اتومبیل دیگر از خط پایان عبور کرده باشند، آخرین اتومبیل عبوری از خط پایان، کدام اتومبیل بوده است؟

- (۱) نمی توان تعیین کرد. (۲) ۱۱ (۳) ۱۴ (۴) ۸۷

۲۳- اگر شماره ۲۹، پنجمین اتومبیلی باشد که از خط پایان عبور کرده است، به طور قطع، جایگاه چند اتومبیل دیگر در عبور از خط پایان، مشخص است؟

- (۱) ۵ (۲) ۴ (۳) ۳ (۴) ۲

### بخش چهارم: حل مسئله

این بخش از آزمون استعداد، از انواع مختلف سؤال های کمی، شامل مقایسه های کمی، استعداد عددی و ریاضیاتی، حل مسئله و... تشکیل شده است. توجه داشته باشید به خاطر متفاوت بودن نوع سؤال های این بخش از آزمون، هر سؤال را بر اساس دستورالعمل ویژه ای که در ابتدای هر دسته سؤال آمده است، پاسخ دهید.

**راهنمایی:** هر کدام از سؤال های ۲۴ تا ۲۷ را به دقت بخوانید و جواب هر سؤال را در پاسخنامه علامت بزنید.

۲۴- بین اعداد زیر، ارتباط خاصی برقرار است. به جای علامت سؤال، کدام عدد قرار بگیرد تا این ارتباط همچنان حفظ شود؟

- ۳      ۷      ۱۴      ۲۳      ۳۶      ۴۹      ۶۶      ?
- (۱) ۸۱ (۲) ۸۳ (۳) ۸۵ (۴) ۸۷

۲۵- یک چاپخانه، دو دستگاه چاپ به اسامی A و B دارد. برای چاپ تعداد مشخصی اطلاعیه، دستگاه A باید به طور مداوم ۱۰ ساعت کار کند. اگر برای چاپ همان تعداد اطلاعیه، دستگاه A شروع به کار کند و ۲ ساعت بعد، دستگاه B هم شروع به کار کند و سپس، ۶ ساعت طول بکشد تا چاپ اطلاعیه ها تمام شود، سرعت دستگاه A، چند برابر سرعت دستگاه B است؟

- (۱) ۳ (۲) ۴ (۳)  $\frac{3}{2}$  (۴)  $\frac{4}{3}$



۲۶- جهت ساخت یک آلیاژ، آلومینیوم و آهن را به ترتیب به نسبت وزنی ۳ به ۵ با هم ترکیب کرده‌ایم. درصد آلومینیوم به کار رفته در این آلیاژ، نسبت به آلومینیوم به کار رفته در حالت استاندارد همان آلیاژ، ۱۰ درصد کمتر است. نسبت وزنی آلومینیوم به آهن در آلیاژ استاندارد، کدام است؟

$$\frac{۱۹}{۲۱} \quad (۴)$$

$$\frac{۱۹}{۳۱} \quad (۳)$$

$$\frac{۲۱}{۳۱} \quad (۲)$$

$$\frac{۲۱}{۴۰} \quad (۱)$$

۲۷- یک دستفروش تعدادی کلاه برای فروش دارد. تعداد کلاه‌ها به گونه‌ای است که وی می‌تواند آنها را به ۷ روش مختلف دسته‌بندی کند به طوری که در هر روش، تعداد کلاه‌ها در تمام دسته‌ها با هم برابر باشد و هیچ کلاهی اضافه نیاید. اگر تعداد کلاه‌ها کمترین تعداد ممکن باشد و دستفروش یکی از آنها را بفروشد، کلاه‌های باقی‌مانده را به چند روش مختلف، مثل حالت قبل، می‌توان دسته‌بندی کرد؟

$$۸ \quad (۴)$$

$$۶ \quad (۳)$$

$$۴ \quad (۲)$$

$$۲ \quad (۱)$$

راهنمایی: سؤال ۲۸، شامل دو مقدار یا کمیت است، یکی در ستون «الف» و دیگری در ستون «ب». مقادیر دو ستون را با یکدیگر مقایسه کنید و با توجه به دستورات عمل، پاسخ صحیح را به شرح زیر تعیین کنید:

- اگر مقدار ستون «الف» بزرگ‌تر است، در پاسخنامه گزینه ۱ را علامت بزنید.
- اگر مقدار ستون «ب» بزرگ‌تر است، در پاسخنامه گزینه ۲ را علامت بزنید.
- اگر مقادیر دو ستون «الف» و «ب» با هم برابر هستند، در پاسخنامه گزینه ۳ را علامت بزنید.
- اگر براساس اطلاعات داده شده در سؤال، نتوان رابطه‌ای را بین مقادیر دو ستون «الف» و «ب» تعیین نمود، در پاسخنامه گزینه ۴ را علامت بزنید.

۲۸- مجموع چند عدد صحیح مثبت متوالی، برابر ۴۲ است.

ب

الف

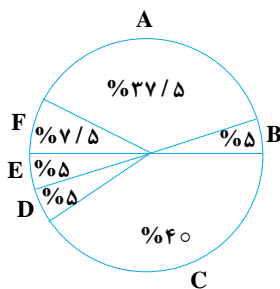
تفاضل کوچک‌ترین عدد  
از بزرگ‌ترین عدد

میانگین این اعداد

راهنمایی: متن زیر را به دقت بخوانید و براساس اطلاعات موجود در جدول زیر، به سؤال‌های ۲۹ و ۳۰ پاسخ دهید.

در یک مسابقه تلویزیونی، شرکت‌کنندگان به گروه‌های A، B، C، D، E و F که همه گروه‌ها شامل هم خانم‌ها و هم آقایان هستند، تقسیم شده و هر یک از گروه‌ها با توجه به مرحله‌ای که در آن مسابقه می‌دادند، به تعداد سؤالات متفاوتی پاسخ داده‌اند. خانم‌ها از کل سؤالاتی که از آنها پرسیده شده، به ۱۴ سؤال، پاسخ غلط داده‌اند. هر کدام از شرکت‌کنندگان به تمامی سؤالاتی که از آنها پرسیده شده، چه درست و چه غلط پاسخ داده‌اند. اطلاعات مربوط به تعداد سؤالات و پاسخ‌ها در جدول زیر، به صورت ناقص ارائه شده است. همچنین درصد پاسخ صحیح هر گروه به کل پاسخ‌های صحیح، در نمودار زیر نشان داده شده است.

«درصد پاسخ صحیح هر گروه به کل پاسخ‌های صحیح»



«تعداد سؤالات شرکت‌کنندگان آقا و خانم در هر گروه و تعداد پاسخ آنها»

تعداد سؤالات آقایان	تعداد سؤالات خانم‌ها	تعداد پاسخ‌های غلط گروه	تعداد پاسخ صحیح خانم‌ها
A	۴	۹	
B	۲		۲
C	۱۷	۱۴	۱۰
D	۳		۰
E	۱	۲	
F	۴	۶	۳

۲۹- تعداد پاسخ غلط به سؤالات مربوط به آقایان گروه D و F تقریباً چند درصد تعداد سؤالات مطرح شده از این دو گروه است؟

$$۲۸ \quad (۴)$$

$$۱۴ \quad (۳)$$

$$۷۱ \quad (۲)$$

$$۳۶ \quad (۱)$$

۳۰- آقایان به چند سؤال از کل سؤال‌های مطرح شده در مسابقه، پاسخ صحیح داده‌اند؟

$$۴ \quad (۴) \text{ نمی‌توان تعیین کرد.}$$

$$۲۱ \quad (۳)$$

$$۱۹ \quad (۲)$$

$$۱۴ \quad (۱)$$

## پاسخنامه آزمون گروه علوم انسانی - دکتری ۹۶

## بخش اول: درک مطلب

## پاسخ سؤالات متن (۱)

۱- گزینه «۳» با توجه به محتوای پاراگراف اول و همچنین سطر اول پاراگراف دوم می‌توان نتیجه گرفت که موضوع متن رویکردی متفاوت با رویکرد رایج در مورد اقتصاد سیاسی بین‌الملل است و سایر گزینه‌ها نمی‌توانند به عنوان موضوع اصلی متن در نظر گرفته شوند.

۲- گزینه «۱» با توجه به مفاد سطرهای ۹، ۱۰ و ۱۱ از پاراگراف اول به وضوح مشخص است که گزینه (۱) صحیح است (بیان داشتند که اقتصاد کشورها از تحولات مؤثر در کشورهای دیگر تأثیر می‌گیرد).

۳- گزینه «۴» جمله‌ی موردنظر در تکمیل صحبت‌های قبلی ارائه شده است و دلیل عقیده‌ی برخی تئوری‌پردازان از مسأله‌ی عنوان شده را بیان می‌کند.

۴- گزینه «۲» پاراگراف اول در مورد موضوع اقتصاد سیاسی بین‌الملل رویکردی تحلیلی دارد و در مورد کتاب‌های منتشر شده از دو نویسنده‌ی مشهور اطلاعاتی به خواننده می‌دهد. در حالی که پاراگراف دوم در مورد رابطه‌ی این تحلیل‌ها با جریان دیگری است که با هم در تضاد نسبی هستند و دلایل طرفداران هر تئوری را بررسی می‌کند.

## پاسخ سؤالات متن (۲)

۵- گزینه «۲» در متن موردنظر، مطالبی در مورد نقش دولت‌ها در قانون‌گذاری ضدتروریستی (پاراگراف اول، سطرهای ۳، ۴ و ۵) زمینه‌ی ظهور (پاراگراف دوم) و خطرات ناشی از آنها (پاراگراف ۱، سطر ۲ و ۳) ارائه شده است و تنها گزینه (۲) است که مورد بررسی قرار نگرفته است.

۶- گزینه «۳» در پاراگراف اول سطر دوم، ایده‌ای مطرح شده است که مطلب نوشته شده در مورد قانون پیشگیری از تروریسم انگلستان مثالی در حمایت از آن است که نه قانون‌گذاران و نه شهروندان وقت و دقت کافی برای بررسی دقیق موضوع در اختیار ندارند.

۷- گزینه «۱» بین ۴ جایگاه نشان داده شده تنها گزینه (۱) است که می‌تواند محل قرار گرفتن جمله‌ی موردنظر باشد، زیرا در جمله‌ی موردنظر صحبت از پاسخ دادن به موقع و مناسب به احساسات عموم و جرائم است که تنها با عبارت پیش از جایگاه [۴] همخوانی دارد.

۸- گزینه «۲» با توجه به محتوای پاراگراف اول (به ویژه ۳ سطر نخست آن) واضح است که نویسنده بر این باور است که واکنش‌های قانونی سریع به اقدامات تروریستی، ابزار مؤثری در امر مبارزه با تروریسم نیستند.

## بخش دوم: استدلال منطقی

۹- گزینه «۱» در سؤالات «استنباط از متن» باید خیلی مواظب باشید که تنها به فکر این باشید که واقعاً چه چیزی از متن داده شده قابل نتیجه‌گیری است؟ گزینه (۱) دقیقاً از متن قابل استنباط است. در قسمتی از متن اشاره می‌شود که «احتمال اقتصادی نبودن تولید نفت در برخی از نقاط دنیا» و در ادامه‌ی متن، در قسمت پایانی آن‌جا که می‌گوید «اگر کشوری هزینه‌های تولید کمتری داشته باشد...» باز هم بحث بر سر امکان تفاوت هزینه تولید در کشورهای مختلف است.

۱۰- گزینه «۴» برای پاسخ به این سؤال توجه به جمله‌ی معروف ارسطو که در متن اشاره شده است، کفایت می‌کند؛ «اگر فیلسوفی باید کرد، فیلسوفی باید کرد و اگر فیلسوفی نباید کرد، باز هم فیلسوفی باید کرد» واضح است؛ معنای چنین عبارتی این است که نمی‌توانیم از فلسفه فرار کنیم. گزینه‌های (۲) و (۳) که به هیچ عنوان قابل بررسی هم نیستند. اما گزینه (۱) ممکن است کمی مناسب به نظر برسد (البته در مقابل گزینه (۴) چندان به چشم نمی‌آید، زیرا عبارت گزینه (۱) در جایگاه معنای عبارت ارسطو نمی‌تواند قرار گیرد).

۱۱- گزینه «۳» شهرداری شهر «الف»، با ایجاد مراکز شبانه‌کارتن‌خواب‌های این شهر را در شب‌های زمستانی محل‌های خوب و کافی فراهم دیده و این مراکز هر شب پُر می‌شدند؛ ولی باز هم میزان مرگ و میر تغییر چندانی نکرده است (فقط ۲۰ تا ۱۵ درصد کاهش یافته است)، برای همین شهرداری قصد دارد روزها هم در این مراکز پذیرش کند. به دنبال فرض پنهان طرح جدید شهرداری هستیم. واضح است گزینه (۳) می‌تواند فرض پنهان باشد، چون قطعاً شهرداری پیش خودش فرض کرده که روزها تعداد زیادی از کارتن‌خواب‌ها، جان خود را در زمستان، در طول روز از دست می‌دهند. از روش معکوس هم می‌توانید برای تأیید پاسخ کمک بگیرید.

**۱۲- گزینه ۴:** ابتدا ببینیم ادعای کلی نویسنده متن چیست؟ نویسنده‌ی متن ادعا می‌کند که مغز ما به گونه‌ای تکامل یافته است که جاذبه‌ی زمین را در محاسبات خود در نظر بگیرد (واژه‌ی فرگشت به معنای تکامل یافتن است). برای آنکه این ادعا ثابت شود، باید دید آیا کاهش یا افزایش نیروی جاذبه، منجر به مختل شدن عملکرد مغز خواهد شد یا خیر؟

با خواندن متن متوجه می‌شویم که در محیط بی‌وزنی (که همان ایستگاه فضایی است) واکنش‌های مغز اندکی کند می‌شود. پس آزمایش‌های انجام‌شده در ایستگاه فضایی نشان می‌دهند که کم شدن نیروی جاذبه، روی عملکرد مغز اثر می‌گذارد. در واقع مغز ما یک مدل از جاذبه را در خودش ذخیره کرده است که همه‌ی محاسباتش را طبق آن انجام می‌دهد. به همین دلیل، وقتی در محیط بی‌وزنی قرار می‌گیرد محاسباتش غلط از آب درمی‌آیند. در انتهای متن، به جای کم شدن نیروی گرانش، اثرات افزایش گرانش روی مغز بیان شده است. آخرین جمله از یافته‌هایی صحبت می‌کند که می‌گویند گرانش زیاد هم عملکرد مغز ما را مختل می‌کند. با این توضیحات به سراغ گزینه‌ها می‌رویم:

**بررسی گزینه ۱:** این گزینه به سادگی رد می‌شود، زیرا جمله‌ی اول اصلاً در جهت تضعیف ادعای نویسنده نیست. این جمله یکی از جنبه‌های این ادعا یعنی تأثیر کاهش نیروی گرانش بر مغز را بیان می‌کند.

**بررسی گزینه ۲:** تعدیل کردن یک ادعا به معنای آن است که بگوییم آن ادعا در حالت کلی و همیشه صحیح نیست. همان‌طور که در بررسی گزینه (۱) گفتیم، جمله‌ی اول بیان می‌کند که ادعای نویسنده در حالتی که گرانش نزدیک به صفر باشد درست است. پس جمله‌ی اول در جهت تعدیل ادعای نویسنده نیست. این گزینه هم غلط است.

**بررسی گزینه ۳:** این گزینه به دلیل بخش دوم آن که نقش جمله‌ی دوم را بیان می‌کند به وضوح غلط است. جمله‌ی دوم در متن، استثناء را بیان نمی‌کند، بلکه می‌گوید ادعای کلی متن در وضعیت گرانش زیاد هم صادق است.

اگر جمله‌ی دوم می‌گفت که ادعای کلی متن، یعنی تأثیر گرانش بر عملکرد مغز، در فلان حالت برقرار نیست، آنگاه می‌توانست یک استثناء باشد. در ضمن گزینه (۳) در مورد جمله اول هم حرف دقیقی زده است. جمله‌ی اول بخشی از ادعای کلی است نه کل آن.

**بررسی گزینه ۴:** به این خلاصه‌نویسی توجه کنید:

ادعای کلی متن این است: عملکرد مغز تحت تأثیر جاذبه است و مغز ما هماهنگ با جاذبه زمین تکامل یافته است.

جمله‌ی اول می‌گوید: گرانش کم، روی عملکرد مغز اثر می‌گذارد.

جمله‌ی دوم می‌گوید: گرانش زیاد روی عملکرد مغز اثر می‌گذارد.

با این توضیحات گزینه‌ی (۴) بهترین گزینه است (هر چند این گزینه می‌توانست بهتر نوشته شود).

**۱۳- گزینه ۲:** ابتدا متن را به طور خلاصه مرور می‌کنیم. طبق این متن، قرن پنجم و ششم دارای یک چهره مثبت و یک چهره منفی است. چهره‌ی منفی این دوره، آن است که در آن ابتکار و آزادفکری وجود نداشته و علم تازه‌ای به وجود نیامده است؛ اما چهره‌ی مثبت این دوره، آن است که در آن علمی که در دوره‌های قبلی پدید آمده بودند گسترش پیدا کردند و توضیح داده شدند. شرح و حاشیه‌نویسی یعنی همان «اقول»‌ها هر چند ابتکاری نیستند، اما همان کارهای کوچکی و چیزک‌های هستند که در این دوره انجام شده‌اند. البته در ادامه، متن از غزالی به عنوان یک نمونه‌ی حیرت‌انگیز نام می‌برد که کارهای فلسفی‌اش، مانند (شک غزالی) بسیاری از درگیری‌های فلسفی را در کل جهان اسلام حل کرده است.

با این توضیحات می‌بینید که گزینه‌های (۱)، (۳) و (۴) هیچ‌کدام نمی‌توانند چهره‌ی منفی این دوره باشند.

چهره‌ی منفی این دوره، همان عدم ابتکار و عدم آزاداندیشی است. هر چند هیچ‌کدام از گزینه‌ها به صراحت به این موضوع اشاره نکرده‌اند، با این حال گزینه (۲) تنها انتخاب مناسب در بین گزینه‌ها است.

**۱۴- گزینه ۱:** به دنبال تقویت این ادعا هستیم که بیان می‌کند اگر تعداد مراکز اقامتی افزایش یابد، مسأله چالش اقتصادی متوجه بومی‌ها می‌شود و ضمناً حیات طبیعی و هویت اصیل روستاها نیز به خطر می‌افتد. از بین گزینه‌ها، گزینه (۱) گزینه مناسب‌تری برای تقویت این ادعا است؛ در واقع با صحیح فرض کردن این گزینه تا حدودی قسمتی از ادعای این مدیر بنگاه تقویت می‌شود. در واقع باید روستاییان که در منطقه‌شان واحدهای بوم‌گردی ایجاد شده، درآمدشان افزایش یافته باشد که بتوانیم ادعا کنیم با افزایش تعداد اقامتگاه‌ها مسأله چالش اقتصادی متوجه بومی‌ها می‌شود.

**۱۵- گزینه ۳:** تمام گزینه‌ها را بررسی می‌کنیم:

**بررسی گزینه ۱:** این گزینه نمی‌تواند استدلال کارکنان معترض را تضعیف کند؛ چرا که از کجا معلوم افزایش سود خالص برای این کارکنان نفع داشته باشد؟ در متن هم به چنین چیزی اشاره نشده است.

**بررسی گزینه ۲:** این که کارکنان شرکت‌های دیگر اعتراض نکرده‌اند، نمی‌تواند دلیلی برای عدم اعتراض کارکنان شرکت «الف» باشد.

**بررسی گزینه ۳:** این گزینه تا حدودی می‌تواند منطق اعتراض کارکنان را تضعیف کند؛ ولی حقیقتاً آنقدر هم صددرصدی نیست. چون در متن گفته شده از حقوق تمام کارکنان ۱۰ درصد کسر می‌شود و در این گزینه عنوان شده است، کارکنان می‌توانند خودروی خود را در جاهای خالی که به واسطه‌ی ساخت پارکینگ ایجاد شده پارک کنند و دیگر هزینه به پارکینگ‌های عمومی ندهند؛ اما ممکن است برخی کارمندان ماشین نداشته باشند؛ و بنابراین آن‌ها هنوز حق اعتراض دارند!

**بررسی گزینه ۴:** این گزینه هم به هیچ‌وجه نمی‌تواند علیه اعتراض کارکنان مطرح شود، زیرا منطق اصلی اعتراض کارکنان کاهش رفاه ناشی از حذف بخشی از حقوقشان نیست، بلکه آنان این حذف بخشی از حقوق را ناعادلانه خوانده‌اند.

## بخش سوم: سؤالات تحلیلی

ساعت‌های (۱) و (۲) و (۳) و (۴) به کشورهای  $x, y, z$  و  $t$  تعلق دارند. محدودیت‌های زیر را داریم:

(I) کشورهای  $x$  و  $t$  و ۴ ساعت اختلاف دارند.

(II) ساعت (۲) که ۴ بعدازظهر را نشان می‌دهد مربوط به  $y$  نمی‌باشد.

(III) ساعت (۳) و (۴) یک ساعت اختلاف دارند.

(IV) ساعت کشور  $z$  شش بعدازظهر را نشان می‌دهد.

می‌توانیم جدولی به صورت زیر با در نظر گرفتن محدودیت‌ها تشکیل دهیم.

ساعت واقعی		۴		
شماره ساعت	①	②	③	④
کشور				

اکنون باید تلاش کنیم با استفاده از محدودیتی که در هر سؤال عنوان می‌شود جدول را کامل کنیم.

۱۶- گزینه «۴» اگر ساعت (۴) مربوط به  $t$  باشد، می‌توانیم به صورت زیر جدول را پر کنیم.

ساعت واقعی	۶	۴	۷ یا ۹	۸
شماره ساعت	①	②	③	④
کشور	$z$	$x$	$y$	$t$

اگر فرض کنیم ساعت (۲) مربوط به کشور  $x$  باشد، با توجه به محدودیت I می‌توانیم کشور  $t$  را در ساعت ۸ فرض کنیم. آنگاه با توجه به محدودیت III ساعت (۳) می‌تواند ۹ یا ۷ باشد. پس نمی‌توان اختلاف زمان کشورهای  $x$  و  $y$  را بیان کرد.

۱۷- گزینه «۴» اگر (۴) ساعت ۱ بعدازظهر را نشان دهد، ساعت (۳) می‌تواند ۱۲ ظهر را نشان دهد. داریم:

ساعت واقعی	۶	۴	۱۲	۱
شماره ساعت	①	②	③	④
کشور	$z$	$x, y$	$t$	$y$

دقت کنیم که در مورد ساعت‌های (۲) و (۳) می‌توان جای  $x$  و  $t$  را با هم عوض کرد. ولی ساعت (۴) حتماً به کشور  $y$  تعلق دارد. همچنین چون کشور  $z$  باید ساعت ۶ باشد، پس حتماً کشور  $z$  نیز به ساعت (۱) تعلق دارد.

۱۸- گزینه «۱» فرض کنیم ساعت (۲) و (۳) به ترتیب ساعت‌های ۴ و ۹ را نشان دهند، آنگاه با توجه به محدودیت I باید ساعت (۴) زمان ۸ را نشان دهد. سپس ساعت (۱) مربوط به  $z$  است و ۶ را نشان می‌دهد (محدودیت IV).

ساعت واقعی	۶	۴	۹	۸
شماره ساعت	①	②	③	④
کشور	$z$	$x$	$y$	$t$

۱۹- گزینه «۲» فرض کنیم ساعت (۱) مربوط به کشور  $z$  باشد، که ساعت ۶ را نشان می‌دهد، پس ساعت (۴) می‌تواند ساعت ۷ را نشان دهد. از طرفی چون (۳) و (۴) باید یک ساعت اختلاف داشته باشند، داریم:

ساعت واقعی	۶	۴	۸	۷
شماره ساعت	①	②	③	④
کشور	$z$	$x, y$	$t$	$y$

البته  $x$  و  $t$  می‌توانند با هم جابه‌جا شوند، ولی در هر صورت  $x$  و  $z$  با هم ۲ ساعت اختلاف دارند.

شماره‌های ۱۴، ۳۸، ۴۱، ۱۱، ۲۹ و ۸۷ در مسابقه شرکت کرده‌اند. محدودیت‌ها را می‌توان به صورت زیر خلاصه کرد:

(I) هیچ دو اتومبیلی با هم از خط پایان عبور نکرده‌اند.

(II) ۴۱ و ۲۹ پشت سر هم از خط پایان عبور کردند.

(III) بین ۲۹ و ۸۷ دقیقاً یک خودرو قرار دارد.

(IV) ۳۸ اول نشده و حداقل یک خودرو با ۱۴ فاصله دارد.



می‌توانیم یک ترتیب شش‌تایی در نظر بگیریم که بر طبق آن، خودروها از خط پایان عبور کنند.

اول دوم سوم

۲۰- گزینه «۴» اگر ۲۹ اول باشد، با توجه به محدودیت III سومی ۸۷ می‌باشد. با توجه به محدودیت II باید دومی نیز ۴۱ باشد.

۱۴ ۱۱ ۳۸ ۸۷ ۴۱ ۲۹

دقت کنیم که با توجه به محدودیت IV خودروی ۳۸ باید از ۱۴ جلوتر باشد و حداقل یک خودرو با آن فاصله داشته باشد. پس حالت نشان داده شده یکتاست و گزینه (۴) صحیح است.

۲۱- گزینه «۲» اگر سومی ۸۷ باشد، با توجه به محدودیت III خودروی ۲۹ می‌تواند اول یا پنجم باشد. بر این اساس دو حالت زیر را داریم:

۴۱ ۲۹ ۱۴ ۸۷ ۳۸ ۱۱

اول

وضعیت ۳۸ و ۱۴ نیز با توجه به محدودیت IV مشخص می‌شود.

همان‌طور که مشخص است، خودروی ۱۴ یقیناً پس از ۸۷ از خط پایان می‌گذرد.

۱۴ ۱۱ ۳۸ ۸۷ ۴۱ ۲۹

اول

۲۲- گزینه «۳» بین ۴۱ و ۱۱ دو خودرو فاصله باشد، با توجه به محدودیت IV بین ۳۸ و ۱۴ نیز حداقل یک فاصله داریم. همچنین طبق محدودیت III باید ۲۹ و ۸۷ یک خودرو فاصله داشته باشند و طبق محدودیت II نیز باید ۴۱ و ۲۹ پشت‌سر هم باشند. حالت زیر را داریم:

۱۴ ۱۱ ۳۸ ۸۷ ۴۱ ۲۹

پس حتماً ۱۴ آخرین اتومبیل است.

۲۳- گزینه «۳» اگر پنجمین اتومبیل باشد، طبق محدودیت III ۸۷ می‌تواند قبل یا بعد آن باشد. با توجه به موقعیت ۳۸ و ۱۴ و محدودیت II داریم:

۴۱ ۲۹ ۱۴ ۸۷ ۳۸ ۱۱

۱۴ ۲۹ ۴۱ ۸۷ ۳۸ ۱۱

جایگاه ۱۱ و ۳۸ و ۸۷ قطعی است.

### بخش چهارم: حل مسئله

۲۴- گزینه «۲» ارتباط منطقی بین اعداد می‌تواند به صورت زیر باشد (در واقع در هر مرحله یک مربع کامل با عددی اول جمع می‌شود):

$$1^2 + 2 = 3$$

$$2^2 + 3 = 7$$

$$3^2 + 5 = 14$$

$$4^2 + 7 = 23$$

$$5^2 + 11 = 36$$

$$6^2 + 13 = 49$$

$$7^2 + 17 = 66$$

$$8^2 + 19 = 83 \leftarrow \text{جواب}$$

۲۵- گزینه «۱» با توجه به مفروضات سؤال دستگاه A در هر ساعت می‌تواند  $\frac{1}{10}$  از کل کار را انجام دهد. فرض کنیم دستگاه B هم در هر ساعت  $\frac{1}{t}$  از کل

کار را انجام دهد. در این صورت ابتدا A به تنهایی ۲ ساعت کار می‌کند، سپس A و B با هم ۶ ساعت کار می‌کنند:

$$A \times 2 + (A + B) \times 6 = w \quad ; \quad A = \frac{w}{10}, \quad B = \frac{w}{t}$$

$$\frac{w}{10} \times 2 + \left(\frac{w}{10} + \frac{w}{t}\right) \times 6 = w \Rightarrow \frac{2}{10} + \frac{6}{10} + \frac{6}{t} = 1 \Rightarrow \frac{6}{t} = 1 - \frac{8}{10} \Rightarrow t = 30$$

پس A در هر ساعت  $\frac{1}{10}$  کار را انجام می‌دهد، ولی B در هر ساعت  $\frac{1}{30}$  کار را می‌تواند انجام دهد. پس سرعت A، ۳ برابر B است.

۲۶- گزینه «۴» نسبت آلومینیوم به آهن در آلیاژ موجود ۳ به ۵ است، بنابراین داریم:

$$\begin{cases} \text{درصد آلومینیوم} = \frac{۳}{۸} \times ۱۰۰\% = ۳۷/۵\% \\ \text{کل} = \frac{۳}{۸} \times ۱۰۰ = ۳۷/۵ \\ \text{درصد آهن} = \frac{۵}{۸} \times ۱۰۰\% = ۶۲/۵\% \\ \text{کل} = \frac{۵}{۸} \times ۱۰۰ = ۶۲/۵ \end{cases}$$

از طرفی عنوان شده که درصد آلومینیوم ۱۰٪ کمتر از استاندارد است، یعنی در آلیاژ استاندارد باید درصد آلومینیوم ۴۷/۵٪ باشد. به روایتی اگر قرار باشد در آلیاژ استاندارد ۴۷/۵٪ آن آلومینیوم باشد، باید آهن ۵۲/۵٪ از آن را تشکیل دهد. پس وزن آلومینیوم به آهن در آلیاژ استاندارد ۴۷/۵ به ۵۲/۵ خواهد بود، پس جواب  $\frac{۴۷/۵}{۵۲/۵} = \frac{۹۵}{۱۰۵} = \frac{۱۹}{۲۱}$  خواهد بود که اگر صورت و مخرج را به ۲/۵ ساده کنیم، جواب  $\frac{۱۹}{۲۱}$  می‌شود و لذا جواب گزینه (۴) خواهد بود.

۲۷- گزینه «۳» تعداد مقسوم‌علیه‌های عدد مربع کامل فرد است. تعداد کلاه‌ها عددی است که می‌توان در هفت حالت مختلف آن رادسته‌بندی کرد به طوری که کلاه اضافه نیاید. پس می‌توان فهمید که تعداد کلاه‌ها ۷ مقسوم‌علیه دارد. پس عددی مربع کامل است. از بین اعداد مربع کامل، ۶۴ دارای ۷ مقسوم‌علیه است:  $\{۱, ۲, ۴, ۸, ۱۶, ۳۲, ۶۴\}$  اگر یک کلاه فروخته شود، ۶۳ کلاه باقی می‌ماند. به تعداد مقسوم‌علیه‌های ۶۳، می‌توان ۶۳ کلاه را دسته‌بندی کرد به طوری که هیچ کلاهی اضافه نیاید.  $\{۱, ۳, ۷, ۹, ۲۱, ۶۳\}$  تعداد مقسوم‌علیه‌های ۶۳ پس در ۶ حالت مختلف می‌توان ۶۳ کلاه را دسته‌بندی کرد.

۲۸- گزینه «۴» اگر  $n$  عدد صحیح متوالی داشته باشیم که کوچکترین آن  $a$  باشد، می‌توانیم تصاعد حسابی با قدرنسبت ۱ را در نظر بگیریم:

$$a, a+1, \dots, a+(n-1)d$$

$$S_n = \frac{n}{2}(2a + (n-1)d) \xrightarrow{d=1, S_n=42} \frac{n}{2}(2a + (n-1)) = 42 \Rightarrow 2an + n(n-1) = 84$$

اکنون باید عددی به  $n$  اختصاص دهیم که در رابطه‌ی فوق به یک  $a$  منطقی منجر شود.

$$n=7 \Rightarrow 2a \times 7 + 7 \times (7-1) = 84 \Rightarrow a=3$$

ب

$$a=3 = \text{کوچکترین عدد}$$

$$9 = a + (n-1) \times d = \text{بزرگترین عدد}$$

$$9 - 3 = 6$$

هر دو ستون با هم برابر هستند. ولی کار به این جا ختم نمی‌شود. می‌توانیم حالت مقابل را نیز در نظر بگیریم:  $n=4 \Rightarrow 2a \times 4 + 4 \times 3 = 84 \Rightarrow a=9$

ب

$$a=9 = \text{کوچکترین عدد}$$

$$12 = \text{بزرگترین عدد}$$

$$12 - 9 = 3$$

الف

$$6 = \frac{42}{7} = \text{میانگین اعداد}$$

الف

$$10/5 = \frac{42}{4} = \text{میانگین اعداد}$$

در این حالت ستون «الف» بزرگتر است. پس جواب گزینه (۴) خواهد بود.

برای هر گروه  $A$  تا  $F$  تعدادی سؤال از خانم و آقا پرسیده شده است. تعداد پاسخ‌های غلط هر گروه نیز در ستون سوم قرار دارد. تعداد پاسخ درست خانم‌ها نیز در ستون سمت چپ است، پس می‌توانیم تعداد پاسخ‌های درست هر گروه که توسط آقایان داده شده است را نیز محاسبه کنیم.

در مورد گروه  $C$  کلی سؤالات ۳۰ می‌باشد که ۱۴ تای آن غلط است، پس ۱۶ سؤال درست جواب داده شده است. پاسخ صحیح مردها در گروه  $C$  برابر با ۶ است. از طرفی ۴۰٪ از پاسخ‌های صحیح مربوط به  $C$  است، پس:

$$\frac{۴۰}{۱۰۰} \times \text{کل پاسخ‌های صحیح} = ۱۶ \Rightarrow \text{کل پاسخ‌های صحیح} = \frac{۱۶ \times ۱۰۰}{۴۰} = ۴۰$$

$$\text{پاسخ صحیح } A = \frac{۳۷/۵}{۱۰۰} \times ۴۰ = ۱۵$$

پس کل پاسخ‌های غلط و درست گروه  $A$  باید ۲۴ باشد، لذا تعداد سؤالاتی که از آقایان گروه  $A$  پرسیده شده برابر است با ۲۰.

$$\text{پاسخ صحیح } B = \frac{۵}{۱۰۰} \times ۴۰ = ۲$$

در گروه  $B$  دو پاسخ درست داده شده است. پس مردها در گروه  $B$  به هیچ سؤالی درست جواب نداده‌اند، از آنجا که کل سؤالات گروه  $B$ ، ۸ می‌باشد پس

$$\text{پاسخ صحیح } D = \frac{۵}{۱۰۰} \times ۴۰ = ۲$$

پاسخ غلط گروه  $B$  برابر ۶ است.



کل سؤالات D، ۵ تست. چون در گروه D دو پاسخ درست داده شده، پس سه سؤال، غلط جواب داده شده است.

در مورد گروه E داریم:  $\frac{5}{100} \times 40 = 2$  پاسخ صحیح E

با توجه به جدول گروه E دو پاسخ درست و دو پاسخ غلط دارد. پس تعداد سؤالات خانمها در گروه E برابر ۱۳ است.

در گروه F داریم:  $\frac{7}{5} \times 40 = 3$  پاسخ صحیح F

با توجه به جدول، پس مردها در گروه F پاسخ غلط جواب نداده‌اند. چون شش سؤال درست و سه سؤال غلط جواب داده شده است، پس کل سؤالات F برابر ۹ است. پس تعداد سؤالات خانمها ۵ عدد است.

نهایتاً جدول به صورت زیر کامل می‌شود (البته ستون سمت چپ را تحت عنوان تعداد پاسخهای صحیح مردها اضافه کرده‌ایم!)

	تعداد سؤالات آقایان	تعداد سؤالات خانمها	تعداد پاسخ غلط	تعداد پاسخ صحیح خانمها	تعداد پاسخ صحیح مردها
A	۲۰	۴	۹	۱۵	
B	۲	۶	۶	۲	۰
C	۱۷	۱۳	۱۴	۱۰	۶
D	۳	۲	۳	۰	۲
E	۱	۳	۲	۲	
F	۴	۵	۶	۳	۰

۲۹- گزینه «۱» در گروه D از مردها ۳ سؤال پرسیده شده که دو سؤال را درست جواب داده‌اند. در گروه F نیز ۴ سؤال از آقایان پرسیده شده که ۰ سؤال درست جواب داده‌اند، پس:

$1 =$  تعداد پاسخ غلط مردهای D

$4 =$  تعداد پاسخ غلط مردهای F  $\Rightarrow$  مطلوب  $= \frac{4+1}{14}$

$14 =$  کل سؤالات D, F  $= 3+2+4+5=14$   $= \frac{5}{14} = 35/7\%$

$80 =$  کل سؤالات

۳۰- گزینه «۳» کل سؤالات مطرح شده برابر مجموع اعداد ستونهای اول و دوم می‌باشد:

گروه	تعداد سؤالات خانمها	تعداد پاسخ درست خانمها	پاسخ غلط خانمها	پاسخ درست آقایان
A	۴	۳	۱	۱۲
B	۶	۲	۴	۰
C	۱۳	۱۰	۳	۶
D	۲	۰	۲	۲
E	۳	۱	۲	۱
F	۵	۳	۲	۰

پس آقایان در مجموع به ۲۱ سؤال پاسخ درست داده‌اند.





## سوالات آزمون گروه علوم انسانی - دکتری ۹۷

### بخش اول: درک مطلب

■ **راهنمایی:** در این بخش، دو متن به طور مجزا آمده است. هریک از متن‌ها را به دقت بخوانید و پاسخ سؤال‌هایی را که در زیر آن آمده است، با توجه به آنچه می‌توان از متن استنتاج یا استنباط کرد، پیدا کنید و در پاسخنامه علامت بزنید.

#### متن (۱)

نگاهی به سیر شکل‌گیری عوامل مزیت‌ساز جوامع در یکصدسال گذشته نشان می‌دهد که تا سال ۱۹۰۰ میلادی، نیروی کار ارزان مزیت اصلی اقتصادی بوده است. پس از آن، با ظهور و کاربرد گسترده ماشین‌آلات در صنعت، از ارزش نیروی کار ساده کاسته شد و نیاز به مواد اولیه افزایش یافت و به مزیت عمده اقتصادی بدل شد. بعد از آن با رشد و توسعه شبکه حمل‌ونقل و قابلیت جابه‌جایی مواد موردنیاز صنعت، از اهمیت مواد اولیه کاسته شد و عامل سرمایه اهمیت بیشتری پیدا کرد. برخلاف دو عامل جمعیت و منابع اولیه، سرمایه اقتدار خود را تا حدود سال‌های ۱۹۸۵ حفظ کرد تا اینکه به علت انباشت سرمایه و کاهش نرخ، به صورت عامل مزیت‌ساز درآمد. مفهوم مزیت نسبی که در تئوری اقتصادی قرون گذشته مطرح بود، کمرنگ شد و مفهوم مزیت رقابتی که اغلب برخاسته از عوامل انسانی بود، جایگزین آن گردید و فناوری به صنایع کمک می‌کرد که رقبا نسبت به یکدیگر، مزیت رقابتی بیشتری داشته باشند.

در عصر جدید، شاهد تغییرات قابل توجهی در موقعیت اقتصادی کشورها هستیم. دلیل عمده این وضعیت، تغییرات سریع فناوری‌های نوین است که وضعیت اقتصاد سنتی را عوض کرده‌اند. [۱] دولت‌ها و سازمان‌های پیشرو، در این زمینه، نقش اساسی ایفا می‌کنند و عامل مهمی در شکل‌دهی اقتصاد دانش‌بنیان هستند. [۲] دولت‌ها مسئول افزایش کیفیت زندگی افراد جامعه از طرق مختلف، از جمله افزایش ثروت آنها از طریق رشد اقتصادی، ارتقای ظرفیت‌های فناوری و تولید، مشارکت بازر و دولت، توسعه سرمایه‌های انسانی و افزایش دائمی سطح مهارت‌ها، استفاده از شبکه‌های اطلاعاتی، دانایی، تولید و تجارت بین‌المللی و از همه مهم‌تر، ایفای نقش دولت، نه به‌عنوان بازیگر اصلی، بلکه به‌عنوان پیونددهنده بخش‌های خصوصی داخلی و خارجی و تنظیم‌کننده روابط آنان و تلاش در ارتقای رقابت‌پذیری ملی با نگاه به بازارهای جهانی در نظر گرفته شده است.

براساس ماده یک قانون حمایت از شرکت‌های دانش‌بنیان، «شرکت‌ها و مؤسسات دانش‌بنیان، شرکت یا مؤسسه خصوصی یا تعاونی است که به‌منظور هم‌افزایی علم و ثروت، توسعه اقتصاد دانش‌محور، تحقق اهداف علمی و اقتصادی (شامل گسترش و کاربرد اختراع و نوآوری) و تجاری‌سازی نتایج تحقیق و توسعه (شامل طراحی و تولید کالا و خدمات) در حوزه فناوری‌های برتر و با ارزش افزوده فراوان، به‌ویژه در تولید نرم‌افزارهای مربوط تشکیل می‌شود». [۳]

تجاری‌سازی اصطلاحی است که تعاریف مختلفی از آن ارائه شده است. برخی آن را صرفاً استانداردسازی عملیات تولید برای ارائه و انتقال دانش فنی به سایرین دانسته‌اند. برخی تجاری‌سازی را انتقال دانش و فناوری از یک فرد یا گروه به فرد یا گروه دیگری به‌منظور به‌کارگیری آن در فرایند تولید محصول و یا یک روش انجام کار تعریف کرده‌اند. در ساده‌ترین تعریف، تجاری‌سازی به انتقال فناوری، بسیار نزدیک است، به‌عبارت دیگر فرایند تجاری‌سازی همان فرایند انتقال دانش و فناوری از مراکز تحقیقاتی به صنایع موجود یا کسب‌وکارهای جدید است. [۴]

کج ۱- از متن چنین برمی‌آید که مفهوم مزیت اقتصادی، .....

(۱) زمانی نزد اقتصاددانان اهمیت ویژه یافت که ماشین جایگزین نیروی کار انسانی شد.

(۲) پیش از آغاز قرن بیستم میلادی، بیشتر بر مبنای مؤلفه‌ای مربوط به نیروی کار تعریف می‌شد.

(۳) در یکصد سال گذشته، تحت تأثیر جریان سرمایه و نیروی کار بارها بازتعریف شده است.

(۴) از سال ۱۹۸۵ به بعد، کارکرد سنتی خود را از دست داد و مفاهیم مزیت نسبی و مزیت رقابتی، جایگزین آن شدند.

کله ۲- نقش دولت‌ها و سازمان‌های پیشرو، در کدام زمینه، در متن مورد بحث قرار گرفته است؟

- ۱) برقراری توازن بین مفاهیم مزیت نسبی و مزیت رقابتی
- ۲) کیفیت بسته‌های حمایتی آنها از شرکت‌های دانش‌بنیان
- ۳) مدیریت صحیح تغییر و تحولات اقتصادی
- ۴) مبارزه با اقتصاد سنتی در مقیاس خرد و کلان

کله ۳- کدام مورد، رابطه بین پاراگراف‌های سوم و چهارم متن را به خوبی توصیف می‌کند؟

- ۱) پاراگراف سوم، اهداف پدیده‌ای خاص را برمی‌شمرد و پاراگراف چهارم، یکی از راه‌های دستیابی به آن اهداف را معرفی می‌کند.
- ۲) پاراگراف سوم، تعریفی را مطرح می‌کند و پاراگراف چهارم، درباره یکی از اجزای آن، بیشتر توضیح می‌دهد.
- ۳) پاراگراف سوم، تعریفی از واحدهای دانش‌بنیان ارائه می‌دهد و پاراگراف چهارم، دلایلی ارائه می‌دهد مبنی بر مرتبط بودن این تعریف با مفهومی خاص.
- ۴) پاراگراف سوم، موضوع تشکیل مؤسسات دانش‌بنیان را از منظر حقوقی مورد بررسی قرار می‌دهد و پاراگراف چهارم، آن را از دیدگاه تجاری بررسی می‌کند.

کله ۴- جمله زیر، در کدام یک از بخش‌های متن که با شماره‌های [۱]، [۲]، [۳] و [۴] مشخص شده‌اند، قرار می‌گیرد؟

«در این دوره، اقتصادهایی که بتوانند با علم و دانش، فضای خلاقانه و نوآورانه را در جامعه خود گسترش دهند، توفیق بیشتری خواهند داشت.»

[۴] ۱

[۲] ۳

[۳] ۲

[۴] ۱

### متن (۲)

فوکو در آخرین اثر دیرینه‌شناسانه خود، یعنی «دیرینه‌شناسی دانش» که در واقع، مهم‌ترین اثر این دوره اوست و نوعی نظم و نسق بخشیدن به مطالعات روش‌شناسانه‌اش است، توصیفی کامل از دیرینه‌شناسی به‌مثابه روش تاریخی ارائه می‌دهد. فوکو در این اثر از واژه‌ها و اصطلاحات تازه‌ای سود جست است و مفاهیمی سخت و پیچیده دارد و برخلاف کتاب‌های پیشین او، به هیچ روی، از مصادیق و روایات تاریخی برای روشن ساختن مفاهیم بهره نگرفته است. کتاب «دیرینه‌شناسی دانش» با اقبالی نظیر کتاب «نظم اشیا» روبه‌رو نشد، اما موجب شد استادان سنتی دانشگاه‌های فرانسه با اندیشه‌های فوکو، جدی برخورد کنند.

کتاب «دیرینه‌شناسی دانش» با مقدمه‌ای آغاز می‌شود که هدف آن تعیین جایگاه تاریخی روش دیرینه‌شناسی در حوزه‌های علوم رسمی است. فوکو در مقدمه این کتاب، در ابتدا می‌پذیرد که از جهات متعددی، نظیر مسائلی که مطرح می‌کند، ابزارهایی که استفاده می‌کند، مفاهیمی که از درون آن سر برمی‌آورد و نتایجی که کسب می‌کند، کلاً با آنچه تحلیل ساختاری نامیده می‌شود، بیگانه نیست. اما می‌گوید هدف من انتقال روش تحلیل ساختاری به حوزه تاریخ و به‌طور اختصاصی تاریخ دانش نیست. این کتاب با مقایسه دو روش کاملاً متفاوت در نگاشتن تاریخ تفکر آغاز می‌شود. روش اول، در تحلیل‌هایی تجسم می‌یابد که حاکمیت سوژه و شمایل دوقلوی انسان‌شناسی و اومانیزم را حفظ می‌کند، بدین ترتیب، تاریخ تفکر به سان استمرار پیوسته و بی‌گسستی تصور می‌شود که محصول آگاهی انسانی خودمختار است. روش دیگری که فوکو هم طرفدار آن است، سوژه خودمختار را از مرکز صحنه خارج می‌کند و بر تحلیل قواعد شکل‌گیری تأکید می‌کند، قواعدی که به‌واسطه آن‌ها، گروهی از گزاره‌ها در حکم علم، نظریه، یا یک متن، وحدت می‌یابند. تاریخ تفکر به اتکای این نوع تحلیل، در زیر لوای پیوستگی‌ها و استمرارهایی که متکی به فرض سوژه خودمختار هستند، پرده از روی گسستگی‌ها، جابه‌جایی‌ها و دگرگونی‌ها برمی‌دارد.

در واقع، در این کتاب، روشی خاص در تاریخ عرضه شده است که در مقابل روش تاریخی سنتی قرار می‌گیرد. فوکو در این کتاب می‌کوشد نظیر لوی اشتراوس در مردم‌شناسی یا لاکان در روان‌شناسی، روشی تاریخی عرضه کند که در آن، انسان نقش کلیدی در تحلیل ندارد. دیرینه‌شناسی دانش متنی است که در پی تقریر توصیف‌هایی درباره حوزه یا حیطه فراموش شده‌ای است که روابط میان گزاره‌هاست. اولین پرسش فوکو درباره این حیطه، به معیارهای وحدت هر گروه از گزاره‌ها مربوط می‌شود که به نظر وی، ممکن است این وحدت به سبب این موارد باشد: ارجاع به موضوع مشترک تحلیل، وجود شیوه‌های ارجاع معینی یا شیوه بیان، به‌کار بستن نظام مفاهیم ثابت و منسجم، همسانی و پایداری مضمون نظری. فوکو پس از ترسیم خطوط کلی و روشی برای تعیین وجود یا نبود وحدت در گروهی از گزاره‌ها، به پرسش دوم می‌رسد که با توضیح و روشن ساختن مفاهیم و روابط کلیدی، خصوصاً مسائل مربوط به تعریف گزاره و روابط بین گزاره، گفتمان و مفهوم کردارهای گفتمانی سروکار دارد.

۵- متن به کدام مورد، در ارتباط با کتاب «دیرینه‌شناسی دانش» فوکو پرداخته است؟

- (۱) ویژگی‌های محتوایی منحصربه‌فرد آن  
(۲) تفکیک ساختاری و محتوایی فصول آن  
(۳) رویکرد تجربی آن به موضوع دیرینه‌شناسی  
(۴) برتری‌ها و کاستی‌های آن، در مقایسه با آثار دیگر فوکو

۶- براساس متن، کدام مورد در خصوص کتاب «دیرینه‌شناسی دانش» فوکو، صحیح است؟

- (I) به تحریر درآوردن تاریخ تفکر براساس سبکی خاص را نفی می‌کند.  
(II) از تلفیق دیرینه‌شناسی و تحلیل ساختاری در آن، خبری نیست.  
(III) از شواهد و مستندات تاریخی، جهت پاره‌ای مفهوم‌سازی‌ها استفاده می‌کند.  
(۱) I و III  
(۲) I و II  
(۳) فقط II  
(۴) فقط I

۷- از متن می‌توان نتیجه گرفت در روش تاریخی که فوکو در کتاب «دیرینه‌شناسی دانش» ارائه می‌دهد، .....

- (۱) واکنشی مستقیم به کاستی‌های تاریخ‌نگاری سنتی است.  
(۲) گزاره‌ها در ارتباط با هم قابل تعریف و دارای کارکرد هستند.  
(۳) تأثیر حوزه‌های دیگر علوم، کاملاً ملموس است.  
(۴) بر محوریت عامل غیرانسانی در تحلیل، تأکید می‌شود.

۸- در کدام جمله از متن، نویسنده آنچه را که قبلاً در متن آمده، روشن‌تر بیان کرده و به نوعی از آن، نتیجه‌گیری می‌کند؟

- (۱) جمله آخر پاراگراف دوم (تاریخ تفکر به اتکای ... جابه‌جایی‌ها و دگرگونی‌ها برمی‌دارد).  
(۲) جمله دوم پاراگراف سوم (فوکو در این کتاب ... نقش کلیدی در تحلیل ندارد).  
(۳) جمله سوم پاراگراف سوم (دیرینه‌شناسی دانش ... میان گزاره‌هاست).  
(۴) جمله پنجم پاراگراف دوم (روش اول ... انسانی خودمختار است).

### بخش دوم: استدلال منطقی

■ **راهنمایی:** برای پاسخگویی به سؤال‌های این بخش، لازم است موقعیتی را که در هر سؤال مطرح شده، مورد تجزیه و تحلیل قرار دهید و سپس گزینه‌ای را که فکر می‌کنید پاسخ مناسب‌تری برای آن سؤال است، انتخاب کنید. هر سؤال را با دقت بخوانید و با توجه به واقعیت‌های مطرح شده در هر سؤال و نتایجی که بیان شده و بیان نشده ولی قابل استنتاج است، پاسخی را که صحیح‌تر به نظر می‌رسد، انتخاب و در پاسخنامه علامت بزنید.

۹- براساس نتایج یک پژوهش که به‌تازگی انجام شده است، کودکانی که مهارت خواندن ضعیفی دارند، می‌توانند با مصرف روزانه مکمل‌های اسیدهای چرب امگا-۳ که در غذاهای دریایی و برخی جلبک‌ها یافت می‌شود، مهارت خواندن خود را تقویت کنند. دانشمندان دانشگاه آکسفورد، در این پژوهش، به ۲۶۲ کودک ۷ تا ۹ ساله به مدت ۱۶ هفته، روزی ۶۰۰ میلی‌گرم قرص اسید چرب امگا-۳ دادند. دانشمندان متوجه شدند کودکانی که مهارت خواندن آنها از حد عادی پایین‌تر بود، سه هفته پس از مصرف مکمل امگا-۳، مهارت خواندنشان نسبت به کودکانی که دارونما مصرف می‌کردند، تقویت شد. کدام مورد، در صورتی که صحیح فرض شود، به بهترین وجه، یافته حاصل از مطالعه فوق را تضعیف می‌کند؟

- (۱) بسیاری از معلمان بر این باورند که دارودرمانی نمی‌تواند ضعف مهارت خواندن را در دانش‌آموزان بهبود بخشد و آنچه این کودکان لازم دارند، آموزش بیشتر و بیشتر در این زمینه است.  
(۲) والدین کودکانی که در گروه دریافت‌کنندگان امگا-۳ قرار داشتند، برای دنبال کردن روند پیشرفت کودکانشان، روزانه با آنها متن‌خوانی می‌کردند.  
(۳) کودکانی که قرص امگا-۳ دریافت می‌کردند، از دلیل اینکه چرا باید آن قرص را روزانه مصرف می‌کردند، آگاه نبودند.  
(۴) تعداد کودکانی که افت تحصیلی آنها به‌خاطر ضعف در مهارت خواندن است، بیش از حد تصور ما است.

۱۰- دانشمندان به‌تازگی دریافته‌اند قدرت یادگیری مغز انسان، با بالا رفتن سن از بین نمی‌رود و بزرگسالان نیز می‌توانند موضوعات ناشناخته و جدید را بیاموزند؛ تنها کافی است راه درستی برای آن انتخاب کنند. بسیاری از افراد در جامعه وجود دارند که در سنین بالا، تصمیم به ادامه تحصیل در رشته‌ای جدید می‌گیرند یا تلاش می‌کنند زبانی جدید بیاموزند، در حالی که از دید جامعه، سن آنها برای یادگیری مهارت‌های جدید، بیش از اندازه بالاست. همین دیدگاه رایج، باعث می‌شود افراد مسن نسبت به قدرت یادگیری مغز و جذب اطلاعات توسط حافظه‌شان، تردید داشته باشند. اما اکنون دانشمندان دریافته‌اند که این نگرانی‌ها بی‌بوده است. کارشناسان روان‌شناسی شناختی و پژوهشگران حوزه آموزش، امروزه همگی معتقدند مغز انسان ظرفیت و انعطاف‌پذیری خود را تا پایان عمر حفظ می‌کند.

کدام مورد، در صورتی که صحیح فرض شود، می‌تواند به تقویت استدلال فوق کمک کند؟

- (۱) ابراز اطمینان دانشمندان درباره مسائل علمی مختلف، همیشه با درصدی از خطا که خود نیز می‌پذیرند، همراه است.  
(۲) اگر کسی حتی در سنین جوانی، به قدرت حافظه خود شک کند، به‌رغم جوانی، نمی‌تواند دقیقاً هر آنچه می‌خواهد را تمام و کمال فرا بگیرد.  
(۳) ظرفیت یادگیری انسان، عاملی است که تابع متغیرهای گوناگون می‌باشد که سن و تیپ شخصیتی، دو نمونه مهم از آن متغیرها هستند.  
(۴) افرادی که در سنین بالا تصمیم به ادامه تحصیل می‌گیرند یا سعی می‌کنند مهارت جدیدی را فرا بگیرند، در نیل به هدف خود موفق می‌شوند.

**کله ۱۱-** مکرراً با دانش‌آموزان کمال‌گرا برخورد داشته‌ام. آنها معمولاً کمال‌گرایی خود را به این صورت نشان می‌دهند: اعتمادبه‌نفس پایین در پاسخ دادن به سؤالات دارند. به‌جز زمانی که مطمئن هستند کارها را صددرصد درست انجام می‌دهند، تمایلی به شروع تکالیف ندارند. معمولاً در شروع کارها مردد هستند. اکثر اوقات احساس خشنودی از نتایج زحمات خود ندارند. حتی هنگامی که دیگران کاملاً راضی هستند. وقتی اشتباه می‌کنند و نمره پایین می‌گیرند یا کسی نمره بهتری از ایشان می‌گیرد، شدیداً ناراحت می‌شوند. به‌علت دقت زیاد و نگرانی شدید از اشتباه کردن بسیار کند هستند. دائماً دوباره کاری می‌کنند تا خیال‌شان راحت شود که به بهترین روش جلو می‌روند. زودتر از دیگران (حتی زودتر از دانش‌آموزان ضعیف‌تر از خود) دچار خستگی تحصیلی می‌شوند. افت اعتمادبه‌نفس، هدر رفتن زمان شخص، افت تحصیلی، افزایش احتمال ایجاد اضطراب و افسردگی، کاهش انعطاف‌پذیری و از دست دادن موقعیت‌های مناسب در زندگی، از جمله عوارض کمال‌گرایی است.

کدام مورد، در صورتی که صحیح فرض شود، با توصیف متن از یک کمال‌گرا، بیشتر مطابقت دارد؟

۱) به‌دلیل تشویش و نگرانی حاصل از روحیه رقابتی خود، تمایلی به همکاری و کار گروهی، حتی وقتی می‌داند نتیجه بهتری به بار می‌آورد، از خود نشان نمی‌دهد.

۲) هر کاری را که به او محول می‌شود، قبول می‌کند ولی وقت کافی برای انجام آن نیافته و لذا اعتمادبه‌نفس خود را از دست می‌دهد.

۳) به‌دلیل نگرانی ذاتی، هیچ‌گاه حتی وقتی از دیگران کاری را بهتر انجام می‌دهد، احساس رضایت نمی‌کند.

۴) موقعیت مناسبی برای پیشرفت را به‌دلیل ترس از آن که نتواند در آن موفق باشد، کنار می‌زند.

**کله ۱۲-** خانم «الف»، کارشناس هنری و مدرس دانشگاه، درباره تجربیات شخصی‌اش از تخریب مؤلفه‌های شهری می‌گوید: «تجربه‌ای که شخصاً با آن درگیر شدم، مربوط به مؤلفه‌های شهری بوده که نوروز ۹۶ در سطح شهر نصب شد. دو تا از آثار، با کیسه‌های دوخته شده ساخته شده بود که در دور ستون‌های اتوبان و خیابان شهری پیچیده و عروسک بزرگی را می‌ساختند. یک عروسک چهارده متری و چهار عروسک چهار متری .... کار در مناطق پرتردد و شلوغ شهر نصب می‌شد. با اینکه این حجم باید برای کودکان جذاب می‌بود، ولی آنها با تعجب نگاه می‌کردند، دور عروسک‌ها می‌چرخیدند و عکسی به یادگار می‌گرفتند، اما این افراد بزرگ‌تر بودند که از سر کنجکاوی یا شوخی، به کیسه‌ها ضربه زده .....».

کدام مورد، به منطقی‌ترین وجه، جای خالی در متن فوق را کامل می‌کند؟

۱) و تعجبشان را نشان می‌دادند

۲) تا مصنوعی بودنشان را به کودکان نشان دهند

۳) و یا سعی در کندنشان می‌کردند

۴) تا ارزش واقعی آنها را عیار بزنند

**کله ۱۳-** با تمرکز بر تأثیر چگونگی تغییرات شغل بر سلامت انسان، جامعه‌شناسان ۱۱۱۶ بزرگسال بریتانیایی را در سال‌های ۲۰۰۹ و ۲۰۱۰ که بیکار بودند، مورد مطالعه قرار دادند و متوجه شدند کسانی که به‌دنبال یافتن شغل مناسب تری بودند، پس از به‌دست آوردن شغل موردنظرشان، سلامت روانی خود را توانستند بهبود ببخشند، ولی کسانی که مشاغل پرتنش، کم‌درآمد و یا نامناسبی به‌دست آورده بودند، نشان دادند که در سلامت روانی‌شان بهبودی حاصل نشده بود. در واقع، شاخص‌های فیزیکی استرس شدید در چنین افرادی، بدتر از کسانی بود که بیکار باقی‌مانده بودند.

کدام مورد، با اطلاعات مندرج در متن، بیشترین همخوانی را دارد؟

۱) هر کاری بهتر از بیکاری نیست.

۲) جوجه را آخر پاییز می‌شمارند.

۳) عقل سالم در بدن سالم است.

۴) کار را باید به کاردان سپرد.

**کله ۱۴-** یکی از ویژگی‌های سیستم آموزشی در کشور «الف» که برای من جالب است، این است که برعکس سیستم آموزشی کشور «ب» که اساسش از همان کلاس اول دبستان، مقایسه و فرق گذاشتن بین شاگردان کلاس است، در اینجا به‌هیچ عنوان نمی‌شود در گفتار و رفتار معلم و استاد، نشانه‌ای از مقایسه، از هر نوعی، بین شاگردانش پیدا کرد. وقت آن است که ما نیز به معلمین خود آموزش دهیم که دست از مقایسه کردن در کلاس بردارند.

درستی نتیجه‌گیری متن فوق، بر کدام فرض زیر، استوار است؟

۱) آموزش ضمن خدمت می‌تواند به ارتقای رابطه معلم و شاگرد، کمک زیادی کند.

۲) اگر مقایسه خوب بود، این کار در سیستم آموزشی کشور «الف» رایج بود.

۳) هر یک از رفتارهای ما، ریشه‌های اجتماعی دارد که به آن رفتارها مفهوم می‌بخشند.

۴) در جوامعی که از نظر فرهنگی پیشرفته هستند، بنا بر همکاری است و نه رقابت.

**کله ۱۵-** بسیاری از پژوهش‌های انجام شده، منجر به برون‌دادهایی می‌شوند که مستقیم یا غیرمستقیم، نه تنها به نیازهای کشور پاسخ نمی‌دهند، بلکه حتی در راستای پرسش‌های آن پژوهش نیستند. شاخص‌های استاندارد ارزشیابی یک اثر پژوهشی، معمولاً عبارتند از: کیفیت نگارش، موضوع (بداعت، جذابیت، کاربرد) قابلیت نمایه شدن، ارجاعات و تأثیر بر سایر پژوهش‌ها (با مفهومی فراتر از ضریب تأثیر). همانگونه که مشخص است، تمامی شاخص‌های ذکر شده، به سنجش اثر، فارغ از هدف و مأموریت پژوهش می‌پردازند.

کدام مورد را می‌توان به‌درستی، از متن فوق استنباط کرد؟

۱) شاخص‌های استاندارد ارزشیابی، از کشوری به کشور دیگر متفاوت هستند.

۲) در ارزیابی پژوهش‌های داخلی، نباید تنها به شاخص‌های استاندارد توجه کرد.

۳) برخی پژوهش‌ها با اینکه شاخص‌های استاندارد را رعایت نمی‌کنند، از پژوهش‌های مشابه که این شاخص‌ها را رعایت کرده‌اند، برتر هستند.

۴) بدون تعریفی مشخص از هدف پژوهش، نمی‌توان کاری پژوهشی ارائه داد که بتواند شاخص‌های استاندارد را درست رعایت کند.

## بخش سوم: سؤالات تحلیلی

■ راهنمایی: در این بخش، توانایی تحلیلی شما مورد سنجش قرار می‌گیرد. سؤال‌ها را به دقت بخوانید و پاسخ صحیح را در پاسخنامه علامت بزنید.  
راهنمایی: با توجه به اطلاعات زیر، به سؤال‌های ۱۶ تا ۱۹ پاسخ دهید.

بین چهار خواهر و برادر به اسامی احسان، بهروز، سارا و دریا یک بازی به صورت زیر انجام شده است. هر کدام از آنها روی برگه‌ای، نام دو نفر از سه نفر دیگر (دو نام متفاوت) را نوشته است و برگه خود را تحویل داده است. نهایتاً با شمارش کل اسامی نوشته شده روی برگه‌ها، کسی که نامش کمتر نوشته شده بود، برنده بازی شد. از اسامی نوشته شده روی برگه‌ها، اطلاعات زیر، در دست است:

- سارا یا نام دریا را نوشته است یا اگر نوشته، نام احسان را هم نوشته است.
- اگر کسی نام بهروز را در برگه خود نوشته باشد، بهروز نیز نام آن فرد را در برگه خود نوشته است و برعکس، هر کس که بهروز نام او را در برگه خود نوشته است، او نیز نام بهروز را در برگه خود نوشته است.
- فقط بر روی دو برگه از چهار برگه، اسامی کاملاً مشابهی نوشته شده است.

کله ۱۶- اگر نام دریا روی هیچ برگه‌ای نوشته نشده باشد، کدام افراد، نام احسان را روی برگه خود نوشته‌اند؟

- (۱) فقط سارا و دریا (۲) فقط بهروز و سارا (۳) فقط دریا و بهروز (۴) همه افراد به جز خود احسان

کله ۱۷- اگر احسان برنده بازی شده باشد، کدام مورد در خصوص سارا، صحیح است؟

- (۱) او نام دریا را روی برگه خود نوشته است. (۲) سه نفر، نام او را روی برگه‌های خود نوشته‌اند.  
(۳) فقط احسان نام او را روی برگه خود نوشته است. (۴) نام وی به همراه نام احسان، روی یک برگه نوشته شده است.

کله ۱۸- اگر دریا، نام‌های برادرهایش را روی برگه خود نوشته باشد، هر دو نام نوشته شده روی برگه‌های چند نفر از سه نفر دیگر، به طور قطع مشخص می‌شود؟

- (۱) صفر (۲) ۱ (۳) ۲ (۴) ۳

کله ۱۹- اگر نام دریا روی ۳ برگه نوشته شده باشد، کدام مورد زیر، لزوماً صحیح است؟

- (۱) سارا برنده بازی شده است. (۲) احسان برنده بازی شده است.  
(۳) نام احسان روی سه برگه نوشته شده است. (۴) نام سارا فقط روی یک برگه نوشته شده است.

راهنمایی: با توجه به اطلاعات زیر، به سؤال‌های ۲۰ تا ۲۳ پاسخ دهید.

سه نفر به اسامی X، Y و Z که هر کدام دارای یک فرزند شاغل هستند، در حال گفت‌وگو با یکدیگرند. هر کدام از آنها، از هر یک از دو نفر دیگر، یک سؤال در خصوص سن یا جنسیت یا شغل فرزندش می‌پرسد. جمعاً ۶ سؤال پرسیده می‌شود و پاسخ‌ها با صدای بلند، طوری که همه بشنوند، داده می‌شود. هر فرد، هم دو سؤال مختلف می‌پرسد و هم به دو سؤال مختلف پاسخ می‌دهد. اطلاعات زیر، موجود است:

- یکی از پاسخ‌هایی که به سؤال Y داده می‌شود، این است: «او معلم است».
- پس از پایان سؤالات، X متوجه می‌شود که Z پسر دارد که ۱۰ سال از دختر خود او، کوچک‌تر است.
- پس از پایان سؤالات، همه می‌دانند که فرزند یکی از این سه نفر، یک مهندس ۳۰ ساله است.

کله ۲۰- اگر دو سؤالی که X می‌پرسد، در خصوص شغل و جنسیت باشد، سؤالی که Z از Y می‌پرسد، در خصوص کدام مورد بوده است؟

- (۱) جنس (۲) شغل (۳) سن (۴) نمی‌توان تعیین کرد.

کله ۲۱- اگر سؤال‌های X و Z از یکدیگر، مشابه باشند، کدام یک از موارد زیر، به طور قطع، مشخص می‌شود؟

- (I) سؤالی که X از Y می‌پرسد. (II) سؤالی که Z از Y می‌پرسد. (III) سؤالی که Y از X می‌پرسد.  
(۱) فقط II (۲) فقط III (۳) II و III (۴) I، II و III

کله ۲۲- اگر پاسخ Z به X این باشد که: «او ۳۵ ساله است»، کدام مورد زیر، نمی‌تواند از مشخصات یکی از فرزندان باشد؟

- (۱) یک دختر مهندس (۲) یک پسر خلبان (۳) معلم ۴۵ ساله (۴) پسر ۴۵ ساله

کله ۲۳- اگر پاسخی که X به Z می‌دهد، دقیقاً همان پاسخی باشد که X از Y می‌شنود، پاسخ Z به سؤال Y، چه بوده است؟

- (۱) او ۲۰ ساله است. (۲) او یک پسر است. (۳) او یک مهندس است. (۴) او ۳۰ ساله است.



### بخش چهارم: حل مسئله

■ **راهنمایی:** این بخش از آزمون استعداد، از انواع مختلف سؤال‌های کمی، شامل مقایسه‌های کمی، استعداد عددی و ریاضیاتی، حل مسئله و... تشکیل شده است. توجه داشته باشید به خاطر متفاوت بودن نوع سؤال‌های این بخش از آزمون، هر سؤال را براساس دستورالعمل ویژه‌ای که در ابتدای هر دسته سؤال آمده است، پاسخ دهید.

■ **راهنمایی:** هرکدام از سؤال‌های ۲۴ تا ۲۷ را به دقت بخوانید و جواب هر سؤال را در پاسخنامه علامت بزنید.

۲۴- در شکل زیر، بین اعداد ارتباط خاصی برقرار است. به جای علامت سؤال، کدام عدد باید قرار بگیرد؟

۱۹	۰	۳	۶
۲	۲۲	۵	?
۳	۴	۲۹	۸
۵	۴	۶	۳۶

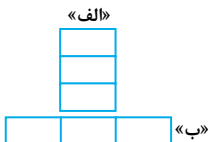
(۱) ۲

(۲) ۶

(۳) ۷

(۴) ۱۰

۲۵- سه کاشی مستطیلی کاملاً مشابه و یکسان در اختیار داریم. به دو صورت زیر، آنها را کنار هم می‌چینیم. در حالت «الف»، مستطیلی با نسبت طول به عرض ۱۸ به ۷ حاصل می‌شود. در حالت «ب»، نسبت طول به عرض مستطیل ساخته‌شده، کدام است؟



(۱) ۷ به ۲

(۲) ۷ به ۵

(۳) ۸ به ۳

(۴) ۸ به ۵

۲۶- معلمی از دانش‌آموز خود می‌خواهد که عددی یک رقمی (۱ تا ۹) را در ذهن خود در نظر بگیرد. معلم از وی می‌خواهد در مرحله اول، آن عدد را دو برابر کند و در مرحله دوم، عدد جدید را به علاوه یک کند. در ادامه، در مرحله بعد از آن، عدد جدید را دو برابر کند و در مرحله بعد، به علاوه یک کند و دانش‌آموز باید این روال را تکرار کند. دانش‌آموز چند عدد متفاوت را می‌تواند طوری انتخاب کند که در مسیر محاسبات، به عدد ۱۹۰ برخورد نماید؟

(۴) صفر

(۳) ۱

(۲) ۲

(۱) ۳

۲۷- هما چند مرتبه در آزمون زبان شرکت کرده است. نمره وی در هر آزمون، از دو برابر نمره آزمون قبلی‌اش، ۲ نمره کمتر است. اگر وی سه بار آزمون داده باشد و در آزمون دوم، نمره‌اش ۶۰ درصد افزایش پیدا کرده باشد، در آزمون سوم نسبت به آزمون دوم، نمره‌اش چند درصد افزایش یافته است؟

(۴) ۷۵

(۳) ۶۶

(۲) ۶۰

(۱) ۵۷

■ **راهنمایی:** سؤال ۲۸، شامل دو مقدار یا کمیت است، یکی در ستون «الف» و دیگری در ستون «ب». مقادیر دو ستون را با یکدیگر مقایسه کنید و با توجه به دستورالعمل، پاسخ صحیح را به شرح زیر تعیین کنید:

- اگر مقدار ستون «الف» بزرگ‌تر است، در پاسخنامه گزینه ۱ را علامت بزنید.
- اگر مقدار ستون «ب» بزرگ‌تر است، در پاسخنامه گزینه ۲ را علامت بزنید.
- اگر مقادیر دو ستون «الف» و «ب» با هم برابر هستند، در پاسخنامه گزینه ۳ را علامت بزنید.
- اگر براساس اطلاعات داده شده در سؤال، نتوان رابطه‌ای را بین مقادیر دو ستون «الف» و «ب» تعیین نمود، در پاسخنامه گزینه ۴ را علامت بزنید.

۲۸- وزن A، ۸۰ درصد وزن B و وزن B، ۸۰ درصد وزن C است.

ب

الف

میانگین وزن

میانگین وزن سنگین‌ترین فرد و

هر سه فرد

سبک‌ترین فرد

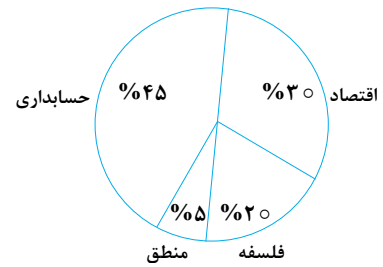
**راهنمایی:** با توجه به اطلاعات، نمودار و جدول زیر، به سؤال‌های ۲۹ و ۳۰ پاسخ دهید.

یک ناشر، تعدادی کتاب در ۴ حوزه اقتصاد، فلسفه، منطق و حسابداری را به کتابخانه دو دانشگاه A و B هدیه می‌دهد. مجموع تعداد کتاب‌های اهدایی توسط این ناشر به هر دو دانشگاه، برابر است. نمودار سمت راست، درصد تعداد کتاب‌های اهدایی در هر حوزه به کل کتاب‌های اهدایی را نشان می‌دهد و جدول ناقص سمت چپ، نسبت کتاب‌های اهدایی به دانشگاه B در هر حوزه به کل کتاب‌های اهدایی توسط این ناشر در همان حوزه را نشان می‌دهد.

«نسبت کتاب‌های اهدایی به دانشگاه B در هر حوزه، به کل کتاب‌های اهدایی در همان حوزه»

«درصد تعداد کتاب‌های اهدایی در هر حوزه به کل کتاب‌های اهدایی در همان حوزه به دو دانشگاه»

حوزه	اقتصاد	فلسفه	منطق	حسابداری
نسبت	$\frac{5}{12}$	$\frac{3}{4}$	$\frac{1}{2}$	



۲۹. اگر دانشگاه A، ۱۴ کتاب در حوزه اقتصاد از ناشر هدیه گرفته باشد، دانشگاه B، مجموعاً چند کتاب از این ناشر هدیه گرفته است؟

۵۶ (۴)

۴۰ (۳)

۲۴ (۲)

۱۰ (۱)

۳۰. کتاب‌های اهدایی در حوزه فلسفه به دانشگاه A، تقریباً چند درصد از مجموع کتاب‌های اهدایی به دانشگاه A در حوزه‌های فلسفه و حسابداری است؟

۱۷ (۴)

۲۵ (۳)

۳۳ (۲)

۴۳ (۱)

## پاسخنامه آزمون گروه علوم انسانی - دکتری ۹۷

### بخش اول: درک مطلب

#### پاسخ سؤالات متن (۱)

**۱- گزینه «۲»** در متن بیان شده است که «نگاهی به سیر شکل‌گیری عوامل مزیت‌ساز جوامع در یک‌صدسال گذشته نشان می‌دهد که تا سال ۱۹۰۰ میلادی، نیروی کار ارزان مزیت اصلی اقتصادی بوده است». می‌توان از این جمله برداشت کرد که پس از آغاز قرن بیستم میلادی، مفهوم مزیت اقتصادی بیشتر بر مبنای مؤلفه‌ی هزینه نیروی کار (در واقع ارزان بودن نیروی کار) تعریف می‌شد.

**بررسی گزینه (۱):** در مورد اینکه چه زمانی مفهوم مزیت اقتصادی اهمیت «ویژه‌ای» یافت در متن بحث نشده است. با توجه به ابتدای پاراگراف اول، اینطور برمی‌آید که از ابتدا این مفهوم اهمیت داشته است.

**بررسی گزینه (۳):** در یک‌صدسال گذشته مفهوم مزیت اقتصادی، تحت تأثیر ظهور و کاربرد گسترده ماشین‌آلات، رشد و توسعه شبکه حمل و نقل باز تعریف شده است. توجه کنید که موضوع کاهش ارزش نیروی کار و اهمیت یافتن عامل سرمایه به‌دنبال موارد ذکر شده آمده‌اند و ریشه باز تعریف این مفهوم نمی‌باشند.

**بررسی گزینه (۴):** با توجه به متن، از سال ۱۹۸۵ به بعد، مفاهیم مزیت نسبی و مزیت رقابتی جایگزین کارکرد سنتی و مزیت اقتصادی نشد، بلکه مزیت رقابتی جایگزین مزیت نسبی شد.

**۲- گزینه «۳»** پاراگراف سوم متن، «در عصر جدید شاهد تغییرات قابل توجهی در موقعیت اقتصادی کشورها هستیم. دلیل عمده این وضعیت، تغییرات سریع فناوری‌های نوین است که وضعیت اقتصاد سنتی را عوض کرده‌اند. دولت‌ها و سازمان‌های پیشرو، در این زمینه، نقش اساسی ایفا می‌کنند. ایفای نقش دولت، نه به‌عنوان بازیگر اصلی، بلکه به‌عنوان پیونددهنده بخش‌های خصوصی داخل و خارج و تنظیم‌کننده روابط آن‌ها و تلاش در ارتقاء رقابت‌پذیری ملی با نگاه به بازارهای جهانی در نظر گرفته شده است.» می‌توانیم دریابیم که نقش دولت و سازمان‌های پیشرو مدیریت صحیح تغییر و تحولات اقتصادی برای ماندن در فضای رقابتی کشورها است. بنابراین دولت و سازمان‌های پیشرو تلاش می‌کنند تا از طریق بهبود شرایط زندگی افراد جامعه و بهبود شرایط اقتصادی با این تغییرات حرکت کرده و رقابت‌پذیری خود را ارتقاء دهد.

**دلایل رد سایر گزینه‌ها:** در متن در مورد سایر گزینه‌های مطرح شده، بحث نشده است و این موارد نقش اصلی دولت و سازمان‌های پیشرو نمی‌باشند.

**۳- گزینه «۲»** پاراگراف سوم شرکت‌های دانش‌بنیان را به‌طور کامل تعریف می‌کند و دلایل شکل‌گیری این شرکت‌ها را بیان می‌کند که شامل موارد زیر است: هم‌افزایی علم و ثروت، توسعه اقتصاد دانش‌محور، تحقق اهداف علمی و اقتصادی و تجاری‌سازی نتایج تحقیق و توسعه. در پاراگراف چهارم، تجاری‌سازی به‌طور کامل از دیدگاه‌های مختلف تعریف شده است. بنابراین پاراگراف چهارم در مورد یکی از اجزای شرکت‌های دانش‌بنیان توضیح بیشتری ارائه می‌کند.

**بررسی گزینه (۱):** می‌توان بیان کرد که پاراگراف سوم اهداف شرکت‌های دانش‌بنیان را برمی‌شمارد؛ اما نمی‌توان گفت که در پاراگراف بعدی راه‌های دستیابی به آن اهداف معرفی شده است، چراکه صرفاً تجاری‌سازی تعریف شده است.

**بررسی گزینه (۳):** پاراگراف چهارم دلیلی ارائه نمی‌کند تا موضوع خاصی را اثبات کند؛ این پاراگراف یک موضوع را صرفاً تعریف می‌کند و در مورد آن توضیح می‌دهد.

**بررسی گزینه (۴):** پاراگراف سوم تشکیل مؤسسات دانش‌بنیان را به هیچ وجه از منظر حقوقی بررسی نکرده است.

**۴- گزینه «۴»** با توجه به متن، مشخص است که این جمله یا در محل (۱) قرار می‌گیرد، یا در محل (۲). با توجه به اینکه در ابتدای پاراگراف دوم در مورد عصر جدید که تغییرات قابل توجهی در موقعیت اقتصادی رخ داده است، صحبت می‌کند؛ در ادامه بیان می‌کند که «دولت‌ها و سازمان‌های پیشرو، در این زمینه، نقش اساسی ایفا می‌کنند و عامل مهمی در شکل‌دهی اقتصاد دانش‌بنیان هستند». با توجه به دو واژه «این زمینه» و «دانش‌بنیان» می‌توانیم نتیجه بگیریم که این جمله پس از جمله مورد نظر آمده است: «در این دوره، اقتصادهایی که بتوانند با علم و دانش، فضای خلاقانه و نوآورانه را در جامعه خود گسترش دهند (که منظور از آن اقتصاد دانش‌بنیان است)، توفیق بیشتری خواهند داشت. منظور از این زمینه در واقع همان شکل‌دهی اقتصاد دانش‌بنیان است.



## پاسخ سؤالات متن (۲)

**۵- گزینه ۱:** در متن بیان شده است که: «فوکو در این اثر از واژه‌ها و اصطلاحات تازه‌ای سود جست است و مفاهیمی سخت و پیچیده دارد و برخلاف کتاب‌های پیشین او به هیچ روی، از مصادیق و روایات تاریخی برای روشن ساختن مفاهیم بهره نگرفته است». همچنین در پاراگراف دوم در مورد ابزارهایی که استفاده کرده است صحبت می‌کند و بیان می‌کند که از چه روش‌هایی در نگاشتن تاریخ تفکر در مقدمه کتاب استفاده کرده است و چگونه می‌خواهد این مفهوم را توضیح دهد (مفهوم دیرینه‌شناسی دانش و تاریخ تفکر). بنابراین، متن به ویژگی‌های محتوایی منحصر به فرد این کتاب پرداخته است.

**بررسی گزینه ۲:** در متن بیان شده است که فوکو تمایل ندارد که "تحلیل ساختاری" را به حوزه تاریخ و دانش تاریخ انتقال دهد. در مورد «تفکیک ساختاری» در متن صحبت نشده است. به علاوه، متن در مورد ویژگی‌های کلی کتاب صحبت کرده است، در مورد فصول کتاب به صورت مجزا، بحثی نکرده است.

**بررسی گزینه ۳:** این گزینه کاملاً بی‌ربط با متن است.

**بررسی گزینه ۴:** در قسمتی از پاراگراف اول، بیان شده است که «دیرینه‌شناسی دانش» با اقبالی نظیر کتاب، نظم اشیاء روبه‌رو نشد. سایر جملات متن در مورد مقایسه آثار فوکو به هیچ وجه بحث نمی‌کند. در واقع موضوع اصلی متن مقایسه آثار فوکو نیست.

**۶- گزینه ۳:** در متن بیان شده است که «فوکو در مقدمه این کتاب می‌پذیرد که از جهات متعددی، نظیر مسائل که مطرح می‌کند، ابزارهایی که استفاده می‌کند، مفاهیمی که از درون آن سر بر می‌آورد و نتایجی که کسب می‌کند، در کل با آنچه تحلیل ساختاری نامیده می‌شود، بیگانه نیست، اما می‌گوید هدف من انتقال روش تحلیل ساختاری به حوزه تاریخ و به‌طور اختصاصی تاریخ دانش نیست». بنابراین می‌توانیم نتیجه بگیریم که فوکو قصد ندارد دیرینه‌شناسی و تحلیل ساختاری را با یکدیگر تلفیق کند؛ اگر چه ممکن است اثری از تحلیل ساختاری در کتاب پیدا شود.

**رد گزاره (I):** با توجه به متن تنها سبکی که احتمال نفی کردن آن توسط فوکو می‌توانست وجود داشته باشد، تحلیل ساختاری بود؛ که نویسنده بیان کرده است که کتاب او از جهات متعددی بیگانه با تحلیل ساختاری نیست. بنابراین، این سبک را در اثر خود نفی نکرده است.

**رد گزاره (II):** در متن بیان شده است که «فوکو برخلاف کتاب‌های پیشین خود، به هیچ روی، از مصادیق و روایات تاریخی برای روشن ساختن مفاهیم بهره نگرفته است». بنابراین، این گزاره صحیح نیست.

**۷- گزینه ۴:** با توجه به پاراگراف آخر، «در واقع؛ در این کتاب، روشی خاص در تاریخ عرضه شده است که در مقابل روش تاریخی سنتی قرار می‌گیرد. فوکو در این کتاب می‌کوشد نظیر لوی اشتراوس در مردم‌شناسی یا لاکان در روان‌شناسی، روش تاریخی عرضه کند که در آن، انسان نقش کلیدی در تحلیل ندارد» و بیان می‌کند که «دیرینه‌شناسی دانش فنی است که در پی تقریر توصیف‌هایی درباره حوزه یا حیطه فراموش شده‌ای است که روابط میان گزاره‌ها است». می‌توان نتیجه گرفت که در کتاب فوکو، بر محوریت عامل غیرانسانی در تحلیل تأکید می‌شود.

**بررسی گزینه ۱:** در متن بیان شده است که «در واقع، در این کتاب، روشی خاص در تاریخ عرضه شده است که در مقابل روش تاریخی سنتی قرار می‌گیرد». با توجه به سایر جملات پاراگراف سوم می‌توان گفت که هدف فوکو لزوماً واکنش مستقیم به کاستی‌های تاریخ‌نگاری سنتی نیست.

**بررسی گزینه ۲:** در متن بیان می‌شود که فوکو به دنبال یافتن این است که آیا گزاره‌ها در کنار یکدیگر قابل تعریف و کارکرد هستند یا نه. او هنوز به این سؤال پاسخ نداده است.

**بررسی گزینه ۳:** در متن، در مورد تأثیر سایر علوم بر روش دیرینه‌شناسی تاریخ توسط فوکو بحث نشده است. صرفاً شباهت روش فوکو و لوی اشتراوس و لاکان در این نوع تحلیل بیان شده است. در واقع به خود تحلیل پرداخته نشده است.

**۸- گزینه ۱:** در پاراگراف دوم بیان شده است که «دو روش کاملاً متفاوت در نگاشتن تاریخ تفکر آغاز می‌شود. روش اول، در تحلیل‌هایی تجسم می‌یابد که حاکمیت سوژه و شمایل دو قلوی انسان‌شناسی و اومانیزم را حفظ می‌کند. بدین ترتیب، تاریخ تفکر به‌سان استمرار پیوسته و بی‌گسستی تصور می‌شود که محصول آگاهی انسانی خودمختار است. روش دیگری که فوکو هم طرفدار آن است، سوژه خودمختار را از مرکز صحنه خارج می‌کند و بر تحلیل قواعد شکل‌گیری تأکید می‌کند، قواعدی که به واسطه آن‌ها گروهی از گزاره‌ها در حکم علم، نظریه، با یک متن، وحدت می‌یابند» سپس در جمله آخر این پاراگراف بیان می‌شود که به اتکای این نوع تحلیل، پرده از گسستگی‌ها، جابه‌جایی‌ها و دگرگونی‌ها برمی‌دارد.

این جمله از متن در واقع توضیح بیشتری در مورد تحلیل به شیوه روش دوم در مقدمه کتاب، ارائه می‌کند. با توجه به اینکه این تحلیل از گسستگی‌ها، جابه‌جایی‌ها و دگرگونی‌ها پرده برمی‌دارد، می‌توان نتیجه گرفت که نویسنده به این روش تمایل بیشتری داشته و احتمالاً در کتاب خود از آن بهره جست است.

## بخش دوم: استدلال منطقی

۹- گزینه «۲» در سؤال مصرف روزانه مکمل‌های امگا ۳، دلیل پیشرفت در مهارت خواندن کودکان عنوان شده است. برای تضعیف این استدلال باید دنبال این باشیم که این دلیل را تضعیف کرده و یا بگوییم دلیل دیگری هم وجود داشته است. گزینه (۲) به خوبی این کار را کرده است و «هم‌خوانی روزانه والدین کودکان» را به‌عنوان یک دلیل ذکر کرده است و اساساً با این حساب معلوم نیست که واقعاً مکمل‌های امگا ۳ تأثیرگذاری زیادی داشته‌اند یا تقریباً تأثیر نداشته‌اند! گزینه‌های دیگر کاملاً نامربوط به خواسته‌ی سؤال هستند.

۱۰- گزینه «۴» در سؤال سعی شده ثابت شود که قدرت یادگیری مغز انسان با بالا رفتن سن از بین نمی‌رود و بزرگسالان می‌توانند موضوعات جدید را یاد بگیرند (دقیقاً سطرهای ابتدایی متن را ملاحظه کنید). در پایان متن هم دوباره نتیجه‌گیری کرده و اشاره دارد که امروزه همگی معتقدند که مغز انسان ظرفیت و انعطاف‌پذیری خود را تا پایان عمر حفظ می‌کنند. ما دنبال گزینه‌ای هستیم که این استدلال را تقویت و تأیید کند. گزینه (۴) به خوبی این کار را کرده است. گزینه (۱) تا حدودی در راستای تضعیف است. گزینه (۲) هم متن را تقویت نمی‌کند و گزینه (۳) هم کاملاً بی‌ربط با خواسته سؤال است.

۱۱- گزینه «۴» در متن اشاره شده که این افراد به علت دقت زیاد و نگرانی شدید از اشتباه کردن بسیار کند هستند، دائماً دوباره کاری می‌کنند تا خیالشان راحت شود و دچار خستگی و افت اعتمادبه‌نفس هستند و به همه این دلایل در پایان نتیجه‌گیری شده که از دست دادن موقعیت‌های مناسب در زندگی از جمله عوارض کمال‌گرایی است. با این توصیف از متن، بهترین گزینه، گزینه (۴) است. گزینه‌های (۱) و (۲) را نمی‌توان از متن استنباط نمود. آنچه در گزینه (۳) آمده به‌صورت جزئی در متن به‌عنوان نشانه‌های کمال‌گرایی آمده است (هر چند صریح هم اشاره نشده است)، اما در سؤالاتی که طراح در صورت سؤال دنبال گزینه بهتر است باید حواستان جمع باشد. گزینه (۴) با توجه به متن، توصیف کامل تر و منطقی‌تری از یک کمال‌گراست.

۱۲- گزینه «۳» این نوع سؤالات که بعضاً ممکن است سلیقه‌ای هم باشد، باید با احتیاط بیشتری پاسخ داده شوند. از لحاظ منطقی گزینه (۳) نسبت به سایر گزینه‌ها معقول‌تر به نظر می‌رسد. کلید سازمان سنجش هم همین گزینه بوده است. شوخی کردن و کنجکاوی می‌تواند گزینه (۳) را نسبت به سایر گزینه‌ها جدی‌تر کند. در واقع باید دو کلمه‌ی شوخی کردن و کنجکاوی کردن را در پایان متن جدی بگیریم تا بتوانیم بهترین گزینه را انتخاب کنیم. مثلاً از روی کنجکاوی و یا شوخی، تعجب کردن بی‌معنی است!! با وجود این، نظرم این است سؤال خوبی برای طرح در آزمون دکتری نیست!

۱۳- گزینه «۱» از جمله سؤالات آسان و البته بی‌کیفیت. واضح است بهترین گزینه از بین گزینه‌های داده شده گزینه شماره (۱) است. گزینه (۲) و (۴) که بسیار بی‌ربط هستند و گزینه (۳) هم یک گزاره همیشه درست در فرهنگ عامیانه ما است؛ ولی اساساً همخوانی چندانی با متن و نتیجه آن ندارد!

۱۴- گزینه «۲» نویسنده متن سیستم آموزشی کشور «الف» را که مقایسه بین شاگردان انجام نمی‌شود را مثبت ارزیابی کرده است و پیشنهاد می‌دهد که ما هم به معلمان خود آموزش دهیم که دست از مقایسه کردن در کلاس بردارند. واضح است فرض پنهان نویسنده متن این است که مقایسه کار خوبی نیست و اساساً چون یکی از ویژگی‌های جالب سیستم آموزشی کشور «الف» مقایسه نکردن است، لذا می‌توان گفت گزینه (۲) فرض پنهان نویسنده بوده است.

۱۵- گزینه «۲» خلاصه متن این است که در بسیاری از پژوهش‌های داخلی با اینکه شاخص‌های استاندارد هم لحاظ می‌شود، ولی اساساً به نیازهای کشور در این پژوهش‌ها پاسخ داده نمی‌شود و در پایان هم ذکر شده تمامی شاخص‌های استاندارد به سنجش اثر، فارغ از هدف و مأموریت می‌پردازند. بنابراین عبارت داده شده در گزینه (۲) بهترین استنباط از متن است. گزینه‌های دیگر آن قدر بد طرح شده‌اند که حتی نیاز به بررسی هم ندارند!!

## بخش سوم: سؤالات تحلیلی

هر شخصی روی برگه نام دو نفر دیگر را می‌نویسد. یعنی ۴ برگه که روی هر کدام دو اسم نوشته می‌شود. محدودیت‌ها به صورت زیر تعریف شده‌اند:

(۱) سارا یا «دریا» نمی‌نویسد یا «دریا و احسان» را با هم می‌نویسد.  
 (۲) بهروز و هر کس دیگری که اسم بهروز را بنویسد دوطرفه است.  
 (۳) دقیقاً دو برگه کاملاً مشابه است.  
 می‌توانیم الگوی کلی زیر را برای پاسخ به سؤالات در نظر بگیریم.

دریا	سارا	بهروز	احسان
?	?	?	?
?	?	?	?

۱۶- گزینه «۴» اگر هیچ‌کس دریا ننوشته باشد پس احسان باید (بهروز و سارا) بنویسد. بهروز باید (سارا و احسان) بنویسد. سارا نیز (بهروز و احسان) می‌نویسد. با توجه به محدودیت (۳) دریا نیز فقط می‌تواند (سارا و احسان) بنویسد.

دریا	سارا	بهروز	احسان
سارا	بهروز	سارا	سارا
احسان	احسان	احسان	بهروز

پس همه به جز خود احسان نام (احسان) را نوشته‌اند.

۱۷- گزینه «۲» برای اینکه احسان کمترین تعداد باشد باید بهروز نام (سارا و دریا) را بنویسد (طبق محدودیت ۲). طبق محدودیت (۳) نیز احسان باید (سارا و دریا) بنویسد. از آنجا که بهروز (سارا و دریا) را نوشته‌اند، پس طبق محدودیت (۲) (سارا و دریا) نیز نام بهروز را نوشته‌اند.

دریا	سارا	بهروز	احسان
بهروز	بهروز	سارا	سارا
سارا	احسان	دریا	دریا

با توجه به گزینه‌ها، گزینه (۲) صحیح است.

۱۸- گزینه «۳» اگر دریا نام (بهروز و احسان) را بنویسد، با توجه به محدودیت (۲) بهروز نیز نام دریا را می‌نویسد. اگر سارا بنویسد (بهروز و احسان) آنگاه برای احسان چاره‌ای جز (سارا و دریا) نیست که محدودیت (۳) نقض می‌شود. پس سارا الزاماً باید (دریا و احسان) بنویسد. با توجه به محدودیت (۳) و (۲) بهروز نیز باید (دریا و احسان) بنویسد. اکنون احسان می‌تواند (بهروز و سارا) یا (بهروز و دریا) بنویسد. پس نام‌های نوشته شده توسط احسان قطعی نیست.

دریا	سارا	بهروز	احسان
بهروز	دریا	دریا	بهروز
احسان	احسان	احسان	سارا/ دریا

۱۹- گزینه «۱» هر سه نفر به جز دریا باید نام دریا را بنویسند. طبق محدودیت (۱) سارا باید (دریا و احسان) بنویسد. طبق محدودیت (۲) دریا باید نام بهروز را بنویسد.

طبق محدودیت (۳) بهروز باید (دریا و احسان) را بنویسد تا مشابه نام‌های نوشته شده توسط سارا باشد. به این ترتیب احسان نیز باید (دریا و بهروز) بنویسد. اما دریا می‌تواند در کنار نام (بهروز) نام (احسان) یا (سارا) را بنویسد. در هر صورت چون نام (سارا) فقط توسط دریا می‌تواند نوشته شود (یا حتی نوشته نشود!) پس سارا قطعاً برنده می‌شود.

دریا	سارا	بهروز	احسان
بهروز	دریا	دریا	دریا
احسان	احسان	احسان	بهروز

} یا سارا

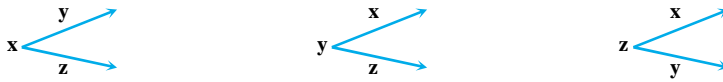
این تحلیلی نسبت به تحلیلی قبلی از پیچیدگی بیشتری برخوردار است. به منظور درک بهتر موضوع و اینکه دقیقاً دنبال چه موردی هستیم، ابتدا به زبان ساده بررسی کنیم که داستان از چه قرار است؟!

سه نفر به اسمی  $X$  و  $Y$  و  $Z$  هر کدام یک فرزند دارند. هر فرزند جنسیت، شغل و سن مشخصی دارد. هر شخص از دو نفر دیگر سؤال می‌پرسد. یعنی در مجموع ۶ سؤال پرسیده می‌شود! پس هر فرزند فقط دو مورد از سه مورد (جنسیت، سن و شغل) با صدای بلند گفته می‌شود. مثلاً  $X$  از  $Z$  سؤال می‌کند.  $Y$  نیز از  $Z$  سؤال می‌کند ولی  $Z$  که از خودش سؤال نمی‌کند! پس دو مورد از هر فرزند مشخص می‌شود. برای ما الان فقط این مهم است که از هر شخص در چه موردی سؤال پرسیده شده، یعنی  $X$  که قرار است از  $Z$  و  $Y$  سؤال بپرسد از هر کدام چه سؤالی پرسیده است؟ محدودیت‌ها را به صورت زیر بیان کنیم:

(۱)  $Y$  حتماً سؤالی در مورد شغل می‌پرسد. (اینکه در پاسخ به این سؤال گفته شده «او معلم است» به کار نمی‌آید. چون خوشبختانه در مورد اینکه هر نفر دقیقاً به چه شغلی مشغول است مورد نظر طراح نبوده!)

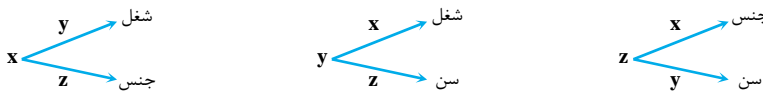
(۲)  $X$  متوجه می‌شود که  $Z$  یک پسر دارد که از دختر  $X$ ، ۱۰ سال کوچک‌تر است، یعنی از  $Z$  در مورد سن و جنسیت سؤال پرسیده شده است.

(۳) یک نفر مهندس ۳۰ ساله دارد! یعنی از یک نفر شغل و سن پرسیده شده است. با توجه به محدودیت (۲) این شخص قطعاً فرزند  $Z$  نیست. یعنی مهندس ۳۰ ساله یا فرزند  $X$  یا  $Y$  فرم کلی پاسخ را به صورت زیر در نظر می‌گیریم و منظور از  $X$  از  $Y$  و  $Z$  سؤال می‌پرسد. نوع سؤال پرسیده شده را جلوی فلش می‌نویسیم.



اکنون می‌توانیم به سؤالات پاسخ دهیم.

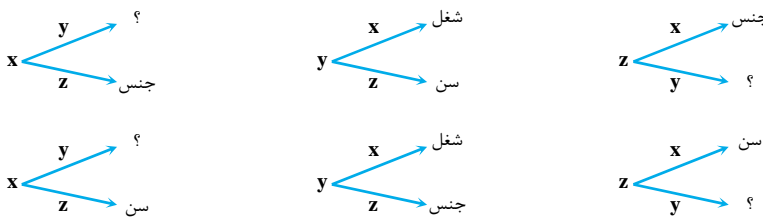
**۲۰- گزینه «۳»** اگر  $X$  در مورد شغل و جنس بپرسد، با توجه به محدودیت (۲) از  $Z$  باید در مورد جنسیت پرسیده باشد (چون از  $Z$  فقط در مورد سن و جنسیت پرسیده شده است). همچنین با توجه به محدودیت (۲)،  $Y$  باید از  $Z$  در مورد سن بپرسد. از طرفی با لحاظ کردن محدودیت (۱)،  $Y$  باید از  $X$  در مورد شغل بپرسد. با توجه به محدودیت (۳) باید از  $Y$  توسط  $Z$  در مورد سن پرسیده شود.



دقت کنیم که فقط و فقط دو مورد شغل پرسیده شده و یکبار  $Y$  پرسیده که جواب «او معلم است» شنیده و یکبار دیگر شخصی پرسیده که در جواب مشخص شده شغل فرزند طرف مقابل مهندس است. پس  $Z$  از  $X$  نیز در مورد جنس پرسیده است.

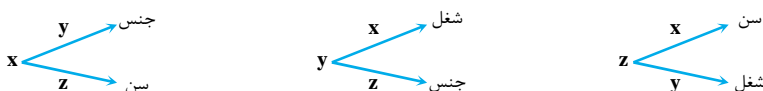
**۲۱- گزینه «۲»** با توجه به محدودیت (۲) از  $Z$  باید در مورد سن و جنس پرسیده شود. پس مشخص است که دو حالت داریم.

با توجه به (۲) سؤال  $Y$  از  $Z$  نیز مشخص می‌شود.



با توجه به محدودیت (۲)،  $Y$  باید در مورد شغل پرسیده باشد، پس  $Y$  از  $X$  در مورد شغل می‌پرسد. بر این اساس پرسشی که  $Y$  از  $X$  می‌پرسد قطعی است. موارد I و III قطعی نیستند.

**۲۲- گزینه «۴»**  $X$  از  $Z$  در مورد سن پرسیده. با توجه به محدودیت (۲)، باید  $Y$  از  $Z$  در مورد جنس بپرسد. همچنین با توجه به محدودیت (۱)،  $Y$  از  $X$  در مورد شغل می‌پرسد. با توجه به محدودیت (۳) باید از شخصی در مورد شغل و سن پرسیده شود.

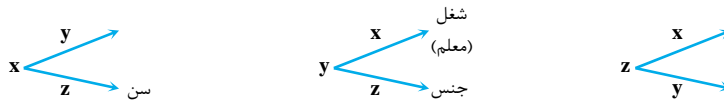


با توجه به گزینه‌ها فرزند  $Y$  می‌تواند دختر و مهندس باشد (گزینه ۱). همچنین فرزند  $Y$  می‌تواند پسر و خلبان باشد. با توجه به محدودیت (۱)، فرزند  $X$  می‌تواند معلم ۴۵ ساله باشد (گزینه ۳). ولی برای پسر ۴۵ ساله باید از شخصی در مورد جنسیت و سن پرسیده شود.

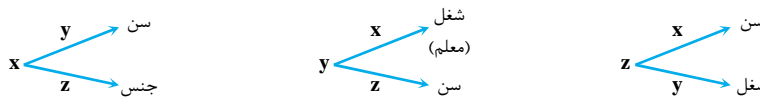
جنسیت و سن فقط از  $Z$  پرسیده شده که او هم در جواب گفته ۳۵ ساله!

پس گزینه (۴) ممکن نیست.

۲۳- گزینه «۱» منظور سؤال این است که همان سؤالی که Z از X می‌پرسد، X از Y می‌پرسد. با توجه به محدودیت (۲) X باید از Z یا در مورد سن بپرسد یا در مورد جنسیت، ضمناً با توجه به محدودیت (۱) باید Y از X در مورد شغل بپرسد. حالت زیر را فرض کنیم:



X باید از Y یا در مورد شغل بپرسد یا جنسیت. اگر در مورد شغل بپرسد، Z نیز از X در مورد شغل می‌پرسد. در این صورت چون Y نیز از X در مورد شغل پرسیده، غلط است. با استدلال مشابه X از Y در مورد جنسیت نیز نمی‌تواند بپرسد. پس حالت زیر را خواهیم داشت:



دقت کنیم که X نمی‌تواند از Y در مورد شغل بپرسد. چون آن وقت Z هم از X در مورد شغل می‌پرسد، در نتیجه هم Y هم از X در مورد شغل پرسیده‌اند که خلاف فرض اولیه است. پس حتماً X از Y در مورد سن پرسیده است. فرزند Y باید مهندس ۳۰ ساله باشد. چون فرزند X که معلم است و تنها کسی که از او در مورد شغل و سن سؤال شده Y است. فرزند X نیز یک معلم است با سن معلوم (که در جواب به Z معلوم می‌شود) پس فرزند Z باید جنسیتش معلوم باشد و سن او نیز معلوم باشد. چون مهندس ۳۰ ساله فرزند Y بوده پس گزینه (۴) نمی‌تواند صحیح باشد و گزینه (۱) صحیح است.

**بخش چهارم: حل مسئله**

۲۴- گزینه «۳» هر مربعی که پر رنگ شده حاصل جمع اعداد سطر و ستون متقاطع با آن مربع است.

$$19 = (0 + 3 + 6) + (2 + 3 + 5)$$

$$29 = (3 + 4 + 8) + (3 + 5 + 6)$$

$$\Rightarrow 22 = (2 + 5 + ?) + (0 + 4 + 4) \Rightarrow ? = 7$$

۲۵- گزینه «۱» فرض کنیم عرض و طول هر مستطیل به ترتیب X و Y باشد.

$$\begin{matrix} & Y \\ X & \boxed{\phantom{00}} \\ X & \boxed{\phantom{00}} \\ X & \boxed{\phantom{00}} \end{matrix} \Rightarrow \frac{3X}{Y} = \frac{18}{7} \Rightarrow \frac{X}{Y} = \frac{6}{7} \Rightarrow \frac{6}{X} = \frac{7}{6}$$

$$, \quad X \begin{matrix} \boxed{\phantom{00}} & \boxed{\phantom{00}} & \boxed{\phantom{00}} \\ Y & Y & Y \end{matrix} \Rightarrow \frac{3Y}{X} = 3 \times \frac{Y}{X} = 3 \times \frac{7}{6} = \frac{21}{6} = \frac{7}{2}$$

پس گزینه (۱) صحیح است.

۲۶- گزینه «۲» عددی مانند X را در نظر بگیریم. متوالیاً یکبار «۲×» می‌شود یکبار «+۱».

$$X \xrightarrow{\times 2} 2X \xrightarrow{+1} 2X + 1 \xrightarrow{\times 2} 4X + 2 \xrightarrow{+1} 4X + 3 \xrightarrow{\times 2} 8X + 6 \xrightarrow{+1} 8X + 7 \xrightarrow{\times 2} 16X + 14$$

$$\xrightarrow{+1} 16X + 15 \xrightarrow{\times 2} 32X + 30 \xrightarrow{+1} 32X + 31 \xrightarrow{\times 2} 64X + 62 \xrightarrow{+1} 64X + 63$$

در حالت به فرم  $(\alpha X + \beta)$  با مساوی قرار دادن عبارت با عدد ۱۹۰، اگر X عددی بین ۱ تا ۹ به دست آید قبول است. این اتفاق فقط در ۲ مورد می‌افتد:

$$32X + 30 = 190 \Rightarrow X = 5$$

$$64X + 62 = 190 \Rightarrow X = 2$$

۲۷- گزینه «۴» یک سؤال بسیار ساده از بحث درصد داریم! اگر نمره آزمون اول هما X باشد و نمره آزمون دوم  $2X - 2$  و نمره آزمون سوم  $4X - 6$  می‌باشد. ضمناً نمره آزمون دوم  $1/6$  برابر نمره آزمون اول است.

$$\begin{matrix} \text{آزمون سوم} & \text{آزمون دوم} & \text{آزمون اول} \\ 4X - 6 & 2X - 2 & X \end{matrix}$$

$$2X - 2 = 1/6 \times X \Rightarrow X = 5 \Rightarrow \begin{cases} \text{نمره آزمون اول} = 5 \\ \text{نمره آزمون دوم} = 8 \\ \text{نمره آزمون سوم} = 14 \end{cases}$$

$$\text{درصد افزایش سوم نسبت به دوم} = \frac{14 - 8}{8} = \frac{6}{8} = \frac{3}{4} = 75\%$$



۲۸- گزینه «۱» وزن A،  $\frac{1}{8}$  وزن B و  $\frac{1}{8}$  وزن C است. ابتدا سعی می‌کنیم وزن هر سه نفر را برحسب وزن یکی از آنها منظم کنیم:

$$A = \frac{1}{8}B \Rightarrow \begin{cases} A = \frac{1}{8} \times \frac{1}{8}C = \frac{1}{64}C \\ B = \frac{1}{8}C \\ C = C \end{cases}$$

پس سنگین‌ترین فرد C و سبک‌ترین فرد A می‌باشد.

$$\frac{\text{ب}}{C + \frac{1}{8}C + \frac{1}{64}C} = \frac{1}{13}C \quad \frac{\text{الف}}{\frac{1}{64}C + C} = \frac{1}{8}C$$

مقدار ستون الف از مقدار ستون ب بزرگ‌تر است. پس گزینه «۱» صحیح است.

نمودار سمت راست درصد کتاب‌های هر حوزه به کل کتاب‌ها را نشان می‌دهد. یعنی به‌عنوان مثال ۳۰٪ از کل کتاب‌های اهدایی، در حوزه اقتصادی بوده است. جدول سمت چپ را می‌توانیم به این صورت کامل کنیم که مثلاً اگر  $\frac{5}{12}$  کل کتاب‌های اقتصاد به دانشکده B رفته باشد، پس  $\frac{7}{12}$  آن به دانشکده A رفته است. به همین ترتیب داریم:

حوزه	اقتصاد	فلسفه	منطق	حسابداری
دانشکده B $\Leftarrow$	نسبت $\frac{5}{12}$	$\frac{3}{4}$	$\frac{1}{2}$	?
دانشکده A $\Leftarrow$	نسبت $\frac{7}{12}$	$\frac{1}{4}$	$\frac{1}{2}$	?

$$\frac{7}{12} \times \text{اقتصاد} = 14 \Rightarrow \text{اقتصاد} = 24$$

۲۹- گزینه «۳» اگر دانشکده A، ۱۴ کتاب اقتصاد هدیه بگیرد، آنگاه:

$$\frac{30}{100} \times \text{کل} = 24 \Rightarrow \text{کل} = 80$$

با توجه به نمودار سمت راست که ۳۰٪ کل کتاب‌ها اقتصاد است، داریم:

چون به هر دو دانشگاه تعداد مساوی کتاب اهدا شده است، پس سهم دانشگاه B باید ۴۰ کتاب باشد.

۳۰- گزینه «۴» فرض کنیم در کل ۱۰۰ عدد کتاب به دانشکده‌ها اهدا شده باشد. آنگاه تعداد کتاب در حوزه‌های اقتصاد، فلسفه، منطق و حسابداری به ترتیب ۳۰، ۲۰، ۵ و ۴۵ می‌باشد (با توجه به نمودار سمت راست). اکنون با کمک جدول می‌توانیم تعداد کتاب‌های هر حوزه را در هر دانشگاه مشخص کنیم:

حسابداری	منطق	فلسفه	اقتصاد
دانشکده B $\Leftarrow$	$\frac{1}{2} \times 5 = 2/5$	$\frac{3}{4} \times 20 = 15$	$\frac{5}{12} \times 30 = 12/5$
دانشکده A $\Leftarrow$	۲/۵	۵	۱۷/۵

$$\text{سهم دانشکده B} = 12/5 + 15 + 2/5 = 30$$

$$\text{سهم دانشکده A} = 17/5 + 5 + 2/5 = 25$$

اکنون ۴۵ کتاب حسابداری باید طوری بین A و B تقسیم شود که تعداد کتاب‌های هر کدام باهم برابر باشد. با توجه به اینکه A و B به ترتیب ۲۵ و ۳۰ کتاب در هر سه حوزه (به‌جز حسابداری) دریافت کرده‌اند، پس باید به دانشکده B، ۲۰ عدد کتاب حسابداری برسد و به دانشکده A نیز ۲۵ عدد.

$$\begin{cases} \text{فلسفه دانشگاه A} = \frac{1}{4} \times 20 = 5 \\ \text{حسابداری دانشگاه A} = 25 \end{cases} \Rightarrow \text{مطلوب سؤال} = \frac{\text{فلسفه A}}{\text{فلسفه و حسابداری A}} = \frac{5}{30} = 16/66 \approx 17\%$$

## سؤالات آزمون گروه علوم انسانی دکتری ۹۸

### بخش اول: درک مطلب

■ راهنمایی: در این بخش، دو متن به طور مجزا آمده است. هریک از متن‌ها را به دقت بخوانید و پاسخ سؤال‌هایی را که در زیر آن آمده است، با توجه به آنچه می‌توان از متن استنتاج یا استنباط کرد، پیدا کنید و در پاسخنامه علامت بزنید.

#### متن (۱)

بیردزلی، از اولین و سرسخت‌ترین مدافعان ضدقصدگرایی، موضوع تفسیر را متن اثر ادبی می‌دانست و متن را به‌عنوان امری مستقل، از قصد مؤلف آن جدا می‌دانست. متن برای تعیین معنا، نیازی به قصد مؤلف ندارد و کنش متقابل میان کلمات و فرامتن است که معنا را متعین می‌سازد. او می‌پذیرفت که معنای موردنظر مؤلف و معنای متن می‌توانند در بسیاری از موارد یکی باشند؛ اما برخلاف قصدگرایان، استدلال می‌کرد که معنا همیشه توسط متن متعین می‌شود، نه قصد مؤلف.

بیردزلی تحت‌تأثیر «نظریه کنش بیانی» قرار داشت که در میانه قرن بیستم محبوبیت زیادی به‌دست آورده بود. نظریه‌پردازان علاقه‌مند به این نظریه، ازجمله آستین، به این موضوع توجه کردند که بسیاری از کنش‌ها یا فعل‌ها با گفتن یا نوشتن انجام می‌شود. به‌طور مثال، کشیشی که در مراسم عروسی خطاب به یک زن و مرد می‌گوید: «من شما را زن و شوهر اعلام می‌کنم»، در حال انجام یک کنش است که از لحاظ قانونی و عرفی پیامدها و اثراتی دارد. تقاضا کردن، معذرت‌خواهی، قول دادن، تهدید کردن و بسیاری از اعمالی را که در زبان روزمره با گفتار انجام می‌شوند، می‌توان کنش بیانی نامید. البته الزام نیست که این کنش‌ها حتماً با گفتار انجام شوند. به‌طور مثال، شخصی می‌تواند با گذاشتن کف دو دست به یکدیگر عذرخواهی کند، و مخاطبش از حرکات او به قصد و منظورش پی ببرد.

نظریه کنش بیانی تحت‌تأثیر «جنبش زبان روزمره» در زبان‌شناسی و فلسفه شکل گرفت که انگاره اصلی آن، تحت‌تأثیر ویتگنشتاین، مساوی دانستن معنا و کاربرد اظهارات زبانی بود. طبق این نظر، برای فهمیدن معنای یک اظهار زبانی، باید به کاربرد آن در زبان توجه کنیم. به‌عبارت‌دیگر، معنای اظهارها را نمی‌توان تنها با مراجعه به لغت‌نامه‌ها و دستور زبان فهمید. توجه به مقاصد «گوینده» یا «اظهارکننده» در نظریه کنش بیانی اهمیت زیادی دارد و این موضوع، با تأکید بیردزلی بر قراردادهای زبانی و بیرونی دانستن مقاصد مؤلف، در تضاد است.

راه‌حل بیردزلی در مقابل این تضاد، این بود که آثار «تخیلی» را «بازنمایی»های کنش‌های بیانی بنامد و حوزه ادبیات را از زبان روزمره جدا سازد. به‌این ترتیب، نویسنده آثار خیالی درحال انجام کنش‌های بیانی نیست، بلکه درحال بازنمایی کنش‌های بیانی شخصیت‌های داستانی است. بنابراین، تفسیر ادبی صرفاً به قراردادهای ادبی مربوط است، نه به امور واقع. به‌این ترتیب، برای فهم اثر ادبی (خیالی)، نیازی به مقاصد مؤلف آن نداریم. بیردزلی از اصطلاح «کنش مضمون در بیان» استفاده می‌کند.

کله ۱- مقصود اصلی متن، کدام است؟

- (۱) کندوکاو یک تضاد  
(۲) توصیف یک رویکرد  
(۳) ایجاد تغییر در یک روش تحلیل  
(۴) ارائه فرضیه‌ای در یک حوزه مطالعاتی

کله ۲- کدام مورد را می‌توان درباره نظر قصدگرایی، از متن استنباط کرد؟

- (۱) معنای متن، تجلی معنای موردنظر مؤلف است.  
(۲) کلماتی که مؤلف به‌کار می‌برد، کنشی بیانی هستند.  
(۳) هدف اصلی خواننده یا منتقد، باید درک قصد نویسنده از تألیف باشد.  
(۴) سبک نگارش یک مؤلف، متغیری وابسته به قصد او از نگارش است.

کله ۳- طبق متن، کدام مورد درخصوص نظریه «کنش بیانی»، صحیح است؟

- (۱) دارای نوعی تضاد درونی است که در نظریه بیردزلی، انعکاس یافته است.  
(۲) نظریه اصلی تأثیرگذار بر مدافعان ضدقصدگرایی است.  
(۳) نقش زبان‌شناسی و فلسفه در نقد ادبی را برجسته می‌کند.  
(۴) بیشتر تأییدکننده نظریه مدافعان قصدگرایی است.

#### کله ۴- کدام مورد، با نظر بیردزلی هماهنگ نیست؟

- ۱) تفسیر ادبی، براساس قراردادهای زبانی و بیرونی دانستن مقاصد مؤلف امکان‌پذیر است.
- ۲) نویسنده اثر «تخیلی»، بسان آینه‌ای، کنش‌های بیانی شخصیت‌های داستانی را منعکس می‌سازد.
- ۳) تفاوتی اساسی میان کنش بیانی در حوزه زبان ادبی و زبان روزمره وجود ندارد.
- ۴) مفهوم «کنش مضمون در بیان»، تعارضی با نحوه تفسیر برخی متون خاص ندارد.

#### متن (۲)

باور هر فرد به اینکه او اخلاقی‌تر از دیگران است، هم شامل این می‌شود که او بیشتر از دیگران احتمال دارد که کارهای خوب انجام دهد و هم شامل اینکه او کمتر از دیگران احتمال دارد که کارهای بد انجام دهد. اما یافته‌ها نشان می‌دهند که خودبتریبینی اخلاقی در حوزه انجام ندادن رفتارهای غیراخلاقی، شدیدتر از حوزه انجام دادن رفتارهای اخلاقی است. برای مثال، در تحقیقی از آزمودنی‌ها خواستند که رفتارهای منصفانه و نامنصفانه‌ای را که خود انجام داده‌اند و در دیگران مشاهده کرده‌اند، بنویسند و مشاهده شد که رفتارهای منصفانه آزمودنی‌ها با رفتارهای منصفانه دیگران تفاوتی نداشت، اما رفتارهای نامنصفانه آزمودنی‌ها، «خفیف‌تر» از رفتارهای نامنصفانه دیگران بود. یک پژوهش دیگر نشان داده است که انگیزه مردم از انجام کارهای اخلاقی، بیشتر از آنکه میل به بااخلاق بودن باشد، فرار از بی‌اخلاق بودن است.

[۱] به‌واقع، یافته‌ها حاکی از آن است که خودبتریبینی اخلاقی در حوزه انجام ندادن رفتارهای غیراخلاقی، شدیدتر از حوزه انجام دادن رفتارهای اخلاقی است. نخستین دلیل آن است که مردم هنگام ارزیابی دیگران در مقایسه با زمانی که خود را ارزیابی می‌کنند، کمتر تحت تأثیر احساسات قرار می‌گیرند. اطلاعاتی که خودپنداره مثبت فرد را تهدید می‌کنند، مکانیزم‌های دفاعی را به راه می‌اندازند. فرد ممکن است به خود بقبولاند که اطلاعات تهدیدکننده معتبر نیستند، به دنبال شواهدی برای تأیید خودپنداره مثبت خود بگردد، یا حتی شواهد را بازتعریف کند تا به نتیجه دلخواه برسد. [۲] محرک‌های منفی بیشتر از محرک‌های مثبت، توجه را به خود جلب می‌کنند و شناخت را هدایت می‌کنند. تصور کمک نکردن به خیریه، خودپنداره اخلاقی فرد را تهدید نمی‌کند، ولی تصور دزدی از خیریه تهدید می‌کند. وقتی خودپنداره اخلاقی تهدید شد، استدلال انگیزه‌دار به راه می‌افتد، استدلالی که هدفش رسیدن به حقیقت نیست، بلکه هدفش فقط حفظ خودبتریبینی اخلاقی است. دومین دلیل آن است که چشم‌انداز روان‌شناختی مردم هنگامی که رفتار خودشان را ارزیابی می‌کنند، متفاوت با زمانی است که رفتار دیگران را ارزیابی می‌کنند. [۳] مردم هنگام ارزیابی رفتار دیگران، از دانشی که درباره جامعه دارند نیز استفاده می‌کنند: «هدف آن فرد دزدی بوده است، زیرا این روزها دزدی زیاد شده است.» این چشم‌انداز متفاوت، وقتی رفتار دیگران با قصد آنها همخوان نیست، باعث تفاوت در ارزیابی خود و دیگران می‌شود. چون بیشتر مردم تصور مثبتی از خود دارند، معمولاً رفتار خود را دارای قصد و نیت مثبت می‌دانند. مدیری که بخشی از کارکنان خود را اخراج می‌کند، باور دارد که این کار را با نیت اخلاقی پرداخت دستمزد بهتر به کارکنان باقیمانده انجام داده است، اما همین رفتار از دیدگاه کارکنان اخراج‌شده، بی‌تفاوتی و بی‌رحمی تعبیر می‌شود. نتیجه آن می‌شود که ما رفتارهای غیراخلاقی را معمولاً در دیگران می‌بینیم نه در خود. [۴] اما این امر، درباره رفتارهای اخلاقی وجود ندارد. یک رفتار اخلاقی، هم از چشم‌انداز درونی و هم از چشم‌انداز بیرونی، دارای نیت اخلاقی دیده می‌شود، اما یک رفتار غیراخلاقی، فقط از چشم‌انداز بیرونی، دارای نیت غیراخلاقی دیده می‌شود.

#### کله ۵- کدام مورد، به بهترین وجه، رابطه پاراگراف دوم متن را با پاراگراف اول، توصیف می‌کند؟

- ۱) با ذکر نمونه‌هایی از زندگی عادی مردم، نحوه ارزیابی مردم از رفتارهای منصفانه و غیرمنصفانه که در پاراگراف اول به آنها اشاره شده است را روشن می‌کند.
- ۲) با ذکر دلایلی خاص، جنبه‌ای از ادعای مطروحه در پاراگراف اول را به چالش می‌کشد.
- ۳) با ذکر یافته‌های جدید، لزوم ایجاد تغییر در نگرشی که طبق پاراگراف اول، مردم از خود دارند را خاطر نشان می‌سازد.
- ۴) با بیان ادله‌ای خاص، موضع‌گیری اصلی پاراگراف اول را تأیید می‌کند.

#### کله ۶- عملکرد عبارت «هدف آن فرد دزدی بوده است، زیرا این روزها دزدی زیاد شده است.» که در پاراگراف دوم آمده است، کدام است؟

- ۱) ادعای مندرج در جمله ماقبلش را تأیید می‌کند.
- ۲) توصیفی از توجیهی است که مردم برای اعمال خلاف خود و دیگران به کار می‌برند.
- ۳) تضادی معنایی از اخلاق که در ذهن مردم وجود دارد را نمایان می‌سازد.
- ۴) ذکر نمونه‌ای از جمله‌ای کلیشه‌ای است که مردم عموماً به هنگام ابراز خودبتریبینی اخلاقی به کار می‌برند.



۷- کدام مورد درخصوص مثال «تصور کمک نکردن به خیریه» که در پاراگراف دوم آمده است، صادق است؟

- ۱) تأییدی بر خودپنداره مثبت در افراد نیست و لذا، استدلال انگیزه‌دار در آنها را به‌کار می‌اندازد.
- ۲) برداشت افراد از اخلاق براساس رفتار دیگران تأکید می‌ورزد.
- ۳) تهدیدی برای خودپنداره اخلاقی افراد محسوب نمی‌شود.
- ۴) بر ماهیت اجتماعی تفسیرهای اخلاقی صحنه می‌گذارد.

۸- کدام قسمت در متن که با شماره‌های [۱]، [۲]، [۳] و [۴] مشخص شده‌اند، بهترین قسمت برای قرار گرفتن جمله زیر است؟

«مردم هنگام ارزیابی رفتار خود از آنچه که درباره قصدها، انگیزه‌ها و میل‌های خود می‌دانند، استفاده می‌کنند، اما هنگام ارزیابی رفتار دیگران، به اینها دسترسی مستقیم ندارند و به ناچار، آنها را از روی رفتار دیگران استنباط می‌کنند.»

[۴] ۱)

[۳] ۲)

[۲] ۳)

[۱] ۴)

### بخش دوم: استدلال منطقی

■ **راهنمایی:** برای پاسخگویی به سؤال‌های این بخش، لازم است فقط موقعیتی را که در هر سؤال مطرح شده، مورد تجزیه و تحلیل قرار دهید و سپس گزینه‌ای را که فکر می‌کنید پاسخ مناسب‌تری برای آن سؤال است، انتخاب کنید. هر سؤال را با دقت بخوانید و با توجه به مطالب مطرح شده در هر سؤال و نتایجی که بیان شده و بیان نشده ولی قابل استنتاج است، پاسخی را که صحیح‌تر به نظر می‌رسد، انتخاب و در پاسخنامه علامت بزنید.

۹- این سؤال که «آیا در ممالک دیگر، کتاب‌های ما را می‌خوانند؟» را با چند نفری در میان گذاشته‌ام، کسانی که یا در غرب زندگی کرده‌اند یا می‌کنند، از منتقد ادبی تا آدم‌هایی عادی که صرفاً کتاب می‌خوانند. آقای «الف» که مدرک دکترایش را از دانشگاه کوئینزلند استرالیا گرفته و طبعاً به دلیل تحصیلاتش چند سالی را در آن کشور گذرانده، می‌گوید: «در کتاب‌فروشی‌های استرالیا و مشخصاً سیدنی، اثری از کتاب‌های ایرانی نمی‌بینید؛ حتی مثلاً کاری از مهم‌ترین آثار ادب فارسی دیده نمی‌شود». این منتقد ادبی، علت این مسئله را تیراژ پایین رمان‌های فارسی در ترجمه می‌داند.

کدام مورد، در صورتی که صحیح فرض شود، به بهترین وجه، ادعای آقای «الف» را تضعیف می‌کند؟

- ۱) برخی منتقدین ادبی بر این باورند که در عصر حاضر، مشغله زیاد مردم، اقبال آنها به آثار ادبی، به‌ویژه داستان و رمان را تحت‌تأثیر قرار داده است.
- ۲) در برخی کشورهای خارجی، به‌ویژه در کشورهای شرقی، فرهنگ مردم به فرهنگ بومی ما نزدیک‌تر است.
- ۳) سطح سواد ادبی مردم در کشور استرالیا در مقایسه با مردم ممالک غربی، به نسبت پایین‌تر است.
- ۴) تیراژ پایین کتاب‌های ادب فارسی در استرالیا، به خاطر فروش کم آنها است.

۱۰- این راست است که ترقی بشر در جهان اخلاق، به پای ترقی او در جهان صنعت نمی‌رسد، اما خطاست اگر پیشرفت تمدن و اخلاق را دارای تناسب معکوس بدانیم و معتقد شویم که ترقی اولی، موجب تنزل دومی بوده است. حقیقت این است که این هر دو در تکامل بوده و هست اما بر اثر عواملی که اینجا جای بحث نیست، در دو سه قرن اخیر، ترقی صنعت و دانش، بسیار سریع‌تر از اخلاق بوده است. کدام مورد، فرض مستتر در استدلال نویسنده متن است؟

- ۱) به‌واقع، امکان ارزیابی و سنجش پیشرفت اخلاقی وجود دارد.
- ۲) اخلاق مردم در سه دهه پیش، پایین‌تر از سطح اخلاقی مردم در حال حاضر بوده است.
- ۳) اگر به خاطر رشد اخلاقی انسان در طول تاریخ نبود، امروز شاهد چنین پیشرفت عظیمی در تمدن بشری نبودیم.
- ۴) افرادی که به پیشرفت اخلاقی بشر اعتقاد ندارند، راه را برای سوءاستفاده از دستاوردهای صنعتی فراهم می‌آورند.

۱۱- در آثاری که برای کودکان نوشته‌ام، با توجه به دنیای فانتزی و تخیلی، پرش‌های بلندی را تجربه کرده‌ام و از مخاطبم هم خواستم با من بپردا با بال خیال، پرواز کردم و با عبور از روزمرگی، امکان وقوع اتفاق‌های خارق‌العاده‌ای را ایجاد کردم. داستان تأثیرگذاری در نوجوانی خواندم. «گومزگ» شهری بود که شخصیت داستان آرزو داشت هرچه زودتر آن جا برود. درسش تمام شد نتوانست برود. بعد رفت سر کار نتوانست برود. ازدواج کرد و گرفتار شد. تا اینکه یک روز نتوانست همسرش را راضی کند با هم به گومزگ بروند. بلیط خریدند و سوار قطار شدند. قطار در ایستگاهی توقف کرد. همسرش از سرسبزی و رود خروشان و آسمان آبی و ... آنجا خوشش آمد و اصرار کرد همان جا بمانند. مرد هرچه تلاش کرد نتوانست او را متقاعد کند باید بروند. چون نتوانست از همسرش دل بکند، پذیرفت و ماندند. آنها ماندند و قطار رفت. همیشه با عبور هر قطار، داغ دل مرد تازه می‌شد و یاد گومزگ می‌افتاد. من نخواستم از رفتن به گومزگ خودم، محروم باشم.

هدف اصلی نویسنده، کدام است؟

- ۱) توضیح درباره تم اصلی آثارش برای کودکان
- ۲) هشدار به خواننده، در مقابل اثر نامطلوب حوادث روزمره زندگی بر عاقبت انسان
- ۳) توصیف اثر داستان‌های فانتزی و تخیلی بر روند شکل‌گیری شخصیت کودکان و نوجوانان
- ۴) تأکید بر لزوم ایجاد حسّ خیال‌پردازی در کودکان، به‌عنوان لازمه‌ای برای خودشکوفایی آنها در بزرگسالی

**کله ۱۲-** آیا می‌دانید در یک نظرسنجی در سال ۱۹۸۷، شخصیت کارتونی میکی‌موس، خلق شده توسط شرکت دیزنی، با کسب ۳۷ درصد کل آرا، با فاصله‌ای زیاد نسبت به رقبای خود، بیشترین محبوبیت را در میان تمام شخصیت‌های سینمای رئال و انیمیشن تاریخ سینما به خود اختصاص داد. جالب‌تر این است که در این نظرسنجی، تام و جری، پلنگ صورتی و سیندرلا.....

کدام مورد، به منطقی‌ترین وجه، جای خالی در متن را کامل می‌کند؟

- ۱) رتبه‌ای فوق‌العاده نزدیک به میکی‌موس به دست آوردند
- ۲) به ترتیب در رده‌های ششم، نهم و سیزدهم قرار دارند
- ۳) مورد استقبال چشمگیری قرار گرفتند
- ۴) حضوری نه چندان پررنگ داشتند

**کله ۱۳-** مردان و زنان، یک دنیای واحد را از زاویه دید متفاوتی نگاه می‌کنند و این به خاطر این است که زنان ادراک جزئی‌نگر دارند و مردان ادراک کلی‌نگر. خانم‌ها تمام جزئیات را می‌بینند و آقایان فقط کلیات را می‌بینند. از این لحاظ، سرعت ادراک در زن‌ها بیشتر است. یعنی فرد با سرعت و دقت، متوجه جزئیات امری شود و سپس توجه خویش را معطوف به مرحله دیگری از درک کند. به همین لحاظ می‌توان گفت زن‌ها در تشخیص رنگ‌ها و ادراک اندازه‌ها، برتری قابل‌ملاحظه‌ای نسبت به مردها دارند. برای مثال، زن‌ها بین رنگ صورتی تا بنفش، طیف گسترده‌ای از رنگ‌ها از قبیل صورتی، سرخابی، یاسی، بادمجانی، پوست پیازی و نهایتاً بنفش را شناسایی می‌کنند و اختلاف بسیار ظریف رنگ‌ها را بهتر درک می‌کنند.

کدام مورد، به بهترین شکل، رابطه بین دو بخش از متن را که زیر آن‌ها خط کشیده شده است، نشان می‌دهد؟

- ۱) اولی، تفاوتی کلی بین ادراک زن و مرد را بیان می‌دارد و دومی، با ذکر نقاط اشتراک میان دو جنسیت، اغراق برخی در تأکید بر تفاوت میان مرد و زن را روا نمی‌داند.
- ۲) اولی، یک استنتاج کلی در باب تمایزات ادراک مردانه و زنانه است و دومی، ذکر مثالی عینی است که درستی آن را به چالش می‌کشد.
- ۳) اولی، ادعایی کلی دال بر اختلاف ادراک در دو جنسیت است و دومی، وجود اختلاف را قبول می‌کند، ولی آن را مشروط می‌سازد.
- ۴) اولی، ادعایی کلی در باب اختلافی جنسیتی است و دومی، مصداقی در درستی آن ادعا می‌باشد.

**کله ۱۴-** «یوهان گوتفرید هردر» بر این باور نیست که ابعاد ثابت ماهیت انسان، باعث به‌وجود آمدن حالت‌های معین مراحل رشد جامعه مدنی، قانون، تجارت و حکومت در تاریخ می‌شوند و به‌واقع، نظر کاملاً متفاوتی در مورد ماهیت و موضوعات و انگیزه‌های انسانی دارد. او در کتاب خود با نام «ایده‌هایی برای فلسفه تاریخ انسانیت»، از یک بافت تاریخی برای طبیعت انسان سخن می‌گوید. او نگاهی تاریخی در مورد ماهیت انسان مطرح می‌کند؛ نگاهی که طبق آن، ماهیت انسان، خود محصولی تاریخی است. به نظر او، انسان‌ها در دوره‌های مختلف رشد تاریخی، رفتار متفاوتی از خود نشان می‌دهند. این نظریه راه را برای فلسفه‌های تاریخ‌گرا درباره ماهیت انسان نزد فیلسوفان قرن نوزدهم، مانند هگل و نیچه باز کرد. همچنین مقدمه‌ای برای جریان مهم معطوف به جهان اجتماعی در قرن بیستم، یعنی ایده «ساختار اجتماعی» ماهیت انسانی و هویت اجتماعی گردید.

کدام مورد را می‌توان به‌درستی، از متن فوق استنباط کرد؟

- ۱) نگاه تاریخی به ماهیت انسان، منجر به سلب مسئولیت فردی از انسان و ایجاد نوعی جبر و مسئولیت اجتماعی اسمی در قرن بیستم گردید.
- ۲) «ساختار اجتماعی» ماهیت انسانی، نگرشی نه چندان مهم در قرن حاضر، در باب فلسفه تاریخ است.
- ۳) آثار «یوهان گوتفرید هردر»، بی‌قربان با ایده «ساختار اجتماعی» نیست.
- ۴) از نظر «یوهان گوتفرید هردر»، ابعاد ثابتی در ماهیت انسان وجود ندارد.

**کله ۱۵-** در زمینه ارتباط مستقیم میان وضعیت خوابیدن افراد و روحيات و حالات درونی آنها، روان‌شناسی به نام دانکل، کتابی نوشته است به نام «موقعیت‌های خواب: زبان شبانه بدن». بنا بر نظر وی، موقعیتی که در شب به بدنمان هنگام خواب می‌دهیم، بازتابی از کارها و چالش‌های روزانه‌مان است. بر طبق نظر این روان‌شناس، افرادی که به پشت می‌خوابند و اصطلاحاً وضعیت سرباز به خود می‌گیرند و هشت درصد افراد دوست دارند در این وضعیت به خواب بروند، افرادی غالباً آرام و خوددار هستند و از هیاهو پرهیز می‌کنند. این افراد، غالباً روشنفکر و درعین حال بدگمان و مشکوک، اما ثابت‌قدم هستند. البته اگر از پزشکان دیگر، مثلاً از یک جراح مغز و اعصاب در مورد موقعیت خواب بپرسید، به احتمال زیاد، چیزی که به شما خواهد گفت این است: «بهترین موقعیت خواب، خوابیدن به پشت است». در این وضعیت، بیشترین مقدار خون به مغزتان می‌رسد و تنفس بهتری خواهید داشت. آنها خوابیدن بر روی شکم را توصیه نمی‌کنند، زیرا در این حالت، به اعضای داخلی فشار وارد می‌شود و فرد به مرور دچار گردن‌درد و سردرد هم می‌شود.

کدام مورد، در صورتی که صحیح فرض شود، نظر دانکل درباره ارتباط میان وضعیت خوابیدن افراد و روحيات آنها را به بهترین وجه تقویت می‌کند؟

- ۱) علی‌رغم آنکه پزشکان به آنانی که شکمی می‌خوابند، درباره معایب این طرز خواب آگاهی و هشدار دادند، این افراد با وجود این آگاهی و خواست شخصی، نتوانستند تغییری در وضعیت خواب خود ایجاد کنند.
- ۲) هستند برخی پزشکان در تخصص‌های غیرروان‌شناسی که این رشته را «شبه‌علمی» می‌نامند، ولی برخی دیگر، برای موفقیت بیشتر در کار خود، از اصول روان‌شناسی کمک زیادی می‌گیرند.
- ۳) وضعیت خواب پزشکان، فارغ از تخصصشان، متفاوت از الگوهای معمول است و آنها معمولاً در بهترین وضعیت ممکن می‌خوابند.
- ۴) در برخی مواردی که پزشکان مغز و اعصاب از درمان مریض‌های خود ناامید می‌شوند، آنان را به روان‌شناس معرفی می‌کنند.

بخش سوم: سؤالات تحلیلی

■ راهنمایی: در این بخش، توانایی تحلیلی شما مورد سنجش قرار می‌گیرد. سؤال‌ها را به دقت بخوانید و پاسخ صحیح را در پاسخنامه علامت بزنید.  
راهنمایی: با توجه به اطلاعات زیر، به سؤال‌های ۱۶ تا ۱۹ پاسخ دهید.

کودکی پنج قوطی خالی هم‌اندازه نوشابه مشکی، نوشابه زرد، لیموناد، ماء‌الشعیر و دوغ در اختیار دارد. او سه تا از قوطی‌ها را روی یکدیگر و دو قوطی دیگر را روی هم می‌چیند و دو ستون از قوطی‌ها درست می‌کند. اطلاعات زیر موجود است:

- قوطی نوشابه زرد، نه دقیقاً روی قوطی دوغ قرار دارد و نه دقیقاً زیر قوطی لیموناد.
- هر کدام از قوطی‌های نوشابه زرد و مشکی، در ستون‌های مختلفی قرار دارند.
- اگر جای دو قوطی که در رأس ستون‌ها (بالاترین قوطی) قرار دارند را با یکدیگر عوض کنیم، محدودیت‌های قبل نقض نمی‌شوند.

کج ۱۶- اگر قوطی پایینی ستونی که دو قوطی دارد، لیموناد باشد، کدام قوطی دقیقاً زیر قوطی ماء‌الشعیر است؟

- (۱) زیر قوطی ماء‌الشعیر، قوطی وجود ندارد. (۲) نوشابه مشکی  
(۳) نوشابه زرد (۴) دوغ

کج ۱۷- اگر قوطی نوشابه زرد، بین دو قوطی دیگر قرار گرفته باشد، جای چند قوطی دیگر، به‌طور قطع مشخص می‌شود؟

- (۱) ۴ (۲) ۲ (۳) ۱ (۴) صفر

کج ۱۸- اگر قوطی‌های نوشابه مشکی و دوغ در یک ارتفاع قرار گرفته باشند، کدام مورد در خصوص قوطی ماء‌الشعیر، صحیح است؟

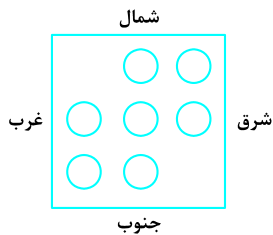
- (۱) با قوطی لیموناد، در یک ارتفاع قرار دارد. (۲) بالاترین قوطی ستون خود نیست.  
(۳) دقیقاً روی نوشابه مشکی است. (۴) دقیقاً زیر قوطی لیموناد است.

کج ۱۹- اگر در یکی از ستون‌ها، قوطی لیموناد بالاتر از قوطی نوشابه زرد قرار گرفته باشد، جای قرار گرفتن کدام قوطی‌ها، به‌طور قطع مشخص می‌شود؟

- (۱) لیموناد و نوشابه‌های زرد و مشکی (۲) نوشابه‌های زرد و مشکی و دوغ  
(۳) لیموناد، دوغ و نوشابه مشکی (۴) ماء‌الشعیر، دوغ و لیموناد

راهنمایی: با توجه به اطلاعات زیر، به سؤال‌های ۲۰ تا ۲۳ پاسخ دهید.

هفت دانش‌آموز به اسامی A، B، C، D، E، F و G، هر کدام در یکی از دایره‌های شکل زیر ایستاده‌اند. اطلاعات زیر در خصوص محل ایستادن آنها موجود است:



- وقتی همگی رو به شرق می‌ایستند، G دقیقاً پشت سر B و کنار D قرار می‌گیرد.
- وقتی همگی رو به جنوب می‌ایستند، C دقیقاً کنار A و در سمت راست وی قرار می‌گیرد.
- وقتی همگی رو به غرب می‌ایستند، E نفر اول یا نفر دوم صف خود قرار می‌گیرد.

کج ۲۰- اگر زمانی که دانش‌آموزان رو به شمال می‌ایستند، E و F دو نفر آخر صف خود باشند، نفر اول صف وسط، کدام دانش‌آموز است؟

- (۱) A (۲) C (۳) D (۴) G

کج ۲۱- اگر زمانی که دانش‌آموزان رو به شرق می‌ایستند، B و E کنار هم و در جلوی صف خود باشند، جای ایستادن چند دانش‌آموز از هفت دانش‌آموز، به‌طور قطع مشخص می‌شود؟

- (۱) سه (۲) چهار (۳) پنج (۴) هر هفت نفر

کج ۲۲- اگر در هر جهتی که دانش‌آموزان بایستند، E نفر اول صف خود نشود، کدام مورد در خصوص وضعیتی که دانش‌آموزان در جهت جنوب ایستاده‌اند، صحیح است؟

- (۱) C دقیقاً پشت سر E ایستاده است. (۲) F دقیقاً سمت راست E ایستاده است.  
(۳) B دقیقاً جلوی C ایستاده است. (۴) E بین A و B ایستاده است.

کج ۲۳- همه دانش‌آموزان در کدام جهت بایستند تا B، D و E، نفرهای دوم صف خود شوند؟

- (۱) غرب (۲) شرق (۳) جنوب (۴) شمال

بخش چهارم: حل مسئله

■ **راهنمایی:** این بخش از آزمون استعداد، از انواع مختلف سؤال‌های کمی، شامل مقایسه‌های کمی، استعداد عددی و ریاضیاتی، حل مسئله و... تشکیل شده است.  
 • توجه داشته باشید به خاطر متفاوت بودن نوع سؤال‌های این بخش از آزمون، هر سؤال را براساس دستورالعمل ویژه‌ای که در ابتدای هر دسته سؤال آمده است، پاسخ دهید.

**راهنمایی:** هر کدام از سؤال‌های ۲۴ تا ۲۷ را به دقت بخوانید و جواب هر سؤال را در پاسخنامه علامت بزنید.

👉 **۲۴-** بین اعداد هر کدام از شکل‌های زیر، ارتباط خاص و یکسانی برقرار است. به جای علامت سؤال، کدام عدد باید قرار بگیرد؟

۳	۵	۲	۶
۲۹		۲۴	
۷	۲	۳	۴
۵	۴	?	۹
۶۸		۵۴	
۸	۶	۹	۵

۴ (۱)

۳ (۲)

۲ (۳)

۱ (۴)

👉 **۲۵-** شکل زیر، دو مستطیل یکسان و یک مثلث را نشان می‌دهد. اگر مساحت مثلث ۲۵ درصد مساحت کل شکل باشد، نسبت عرض به طول

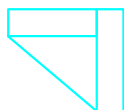
مستطیل کدام است؟

۷ به ۴ (۱)

۷ به ۳ (۲)

۳ به ۲ (۳)

۳ به ۱ (۴)



👉 **۲۶-** سه نفر به اسامی A، B و C، به اتفاق کاری را شروع و به انجام رسانده‌اند. نسبت مجموع فعالیت A و B به فعالیت C، برابر ۵ به ۱ و نسبت مجموع فعالیت A و C به فعالیت B، برابر ۳ به ۱ است. تقریباً چند درصد از کل کار را A انجام داده است؟

۴۲ (۴)

۴۶ (۳)

۵۵ (۲)

۵۸ (۱)

👉 **۲۷-** پس از پنج سال، تعداد مردان و زنان یک روستا، به ترتیب، ۷۵ و ۲۵ درصد افزایش می‌یابد. اگر در این مدت، تعداد اهالی این روستا ۵۷ درصد افزایش پیدا کرده باشد، نسبت تعداد زنان به مردان در این روستا، قبل از افزایش جمعیت، کدام بوده است؟

۱۶ به ۹ (۴)

۱۵ به ۸ (۳)

۱۶ به ۷ (۲)

۱۵ به ۶ (۱)

■ **راهنمایی:** سؤال ۲۸، شامل دو مقدار یا کمیت است، یکی در ستون «الف» و دیگری در ستون «ب». مقادیر دو ستون را با یکدیگر مقایسه کنید و با توجه به دستورالعمل، پاسخ صحیح را به شرح زیر تعیین کنید:

- اگر مقدار ستون «الف» بزرگ‌تر است، در پاسخنامه گزینه ۱ را علامت بزنید.
- اگر مقدار ستون «ب» بزرگ‌تر است، در پاسخنامه گزینه ۲ را علامت بزنید.
- اگر مقادیر دو ستون «الف» و «ب» با هم برابر هستند، در پاسخنامه گزینه ۳ را علامت بزنید.
- اگر براساس اطلاعات داده‌شده در سؤال، نتوان رابطه‌ای را بین مقادیر دو ستون «الف» و «ب» تعیین نمود، در پاسخنامه گزینه ۴ را علامت بزنید.

👉 **۲۸-** در یک دستگاه خودپرداز بانک، فقط اسکناس‌های ۲، ۵ و ۱۰ هزار تومانی موجود است.

ب

الف

حداکثر تعداد اسکناس‌هایی که دستگاه برای

حداقل تعداد اسکناس‌هایی که دستگاه برای

پرداخت ۳۳ هزار تومان می‌دهد.

پرداخت ۱۱۳ هزار تومان می‌دهد.

**راهنمایی:** با توجه به اطلاعات، نمودار و جدول زیر، به سؤال‌های ۲۹ و ۳۰ پاسخ دهید.

اطلاعات مربوط به تعداد دانشجویان سه رشته «A»، «B» و «C» در دانشگاه‌های «الف»، «ب» و «ج» جمع‌آوری شده است. مجموع تعداد دانشجویان این سه رشته در دانشگاه «الف»،  $\frac{1}{5}$  برابر مجموع تعداد دانشجویان همین رشته‌ها در دانشگاه «ب» است. نمودار سمت راست، درصد تعداد دانشجویان هر رشته را از مجموع دانشجویان این سه رشته در هر دانشگاه نشان می‌دهد و جدول سمت چپ، نسبت تعداد دانشجویان دانشگاه «ب»

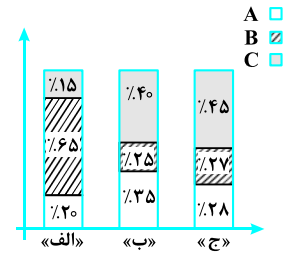
نمودار «درصد تعداد دانشجویان هر رشته، از مجموع

جدول «نسبت تعداد دانشجویان دانشگاه «ب»

دانشجویان این سه رشته در هر دانشگاه»

به دانشگاه «ج» به تفکیک هر رشته»

رشته	A	B	C
نسبت	$\frac{1}{2}$	$\frac{10}{27}$	$\frac{16}{45}$



۲۹- چند درصد از مجموع دانشجویان رشته «A» در دانشگاه‌های «الف» و «ج»، در دانشگاه «الف» مشغول به تحصیل هستند؟

۵۹ (۴)

۳۰ (۳)

۲۷ (۲)

۲۲ (۱)

۳۰- اگر دانشگاه «الف»، ۴۵ دانشجو در رشته «C» داشته باشد، در دانشگاه «ج»، چند دانشجو در رشته «B» مشغول به تحصیل هستند؟

۱۹ (۴)

۴۲ (۳)

۱۳۵ (۲)

۱۹۵ (۱)

## باسخنامه آزمون گروه علوم انسانی دکتری ۹۸

### بخش اول: درک مطلب

#### پاسخ سؤالات متن (۱)

۱- گزینه «۲» متن به طور کلی در مورد رویکرد بیردزلی که یکی از مدافعان ضد قصدگرایی بود صحبت می‌کند.

نادرستی سایر گزینه‌ها:

بررسی گزینه (۱): اگر چه در پاراگراف سوم در مورد یک تضاد صحبت شده است، اما این موضوع به هیچ وجه موضوع کلی متن نبوده است.

بررسی گزینه (۳): متن در مورد ایجاد تغییر در یک روش تحلیل صحبت نمی‌کند؛ موضوع اصلی مورد بحث رویکرد بیردزلی در مورد تفسیر متن است.

بررسی گزینه (۴): توجه کنید که متن تلاش نمی‌کند فرضیه‌ای را در مورد تفسیر متن بیان کند، بلکه تلاش می‌کند تا رویکرد بیردزلی را توصیف کند.

۲- گزینه «۱» با توجه به جمله آخر پاراگراف اول «بیردزلی برخلاف قصدگرایان، استدلال می‌کرد که معنا همیشه توسط متن تعیین می‌شود، نه قصد مؤلف» می‌توان نتیجه گرفت که قصدگرایان بر این باور هستند که معنا توسط قصد مؤلف تعیین می‌شود؛ یا به عبارتی دیگر معنای متن، تجلی معنای مورد نظر مؤلف است.

نادرستی سایر گزینه‌ها:

بررسی گزینه (۲): پاراگراف دوم به طور کامل در رابطه با کنش بیانی صحبت می‌کند و در مورد اینکه کلماتی که مؤلف به کار می‌برد کنشی بیانی است صحبتی نکرده است.

بررسی گزینه (۳): در متن بیان می‌شود که قصدگرایان بر این باور هستند که معنا توسط قصد مؤلف تعیین می‌شود؛ متن به هیچ عنوان در مورد اینکه «هدف خواننده» باید از خواندن متن چه باشد صحبتی نکرده است.

بررسی گزینه (۴): این گزینه نیز رد می‌شود؛ چرا که متن در مورد «سبک نگارش نویسنده» صحبتی نکرده است.

۳- گزینه «۴» در پاراگراف دوم بیان می‌شود که بسیاری از کنش‌ها توسط گفتن یا نوشتن انجام می‌شود... البته الزام نیست که این کنش‌ها حتماً با گفتار انجام شوند. به طور مثال، شخصی می‌تواند با گذاشتن دو کف دست بر روی یکدیگر عذرخواهی کند و مخاطبش از حرکات او به قصد و منظورش پی ببرد. مدافعان قصدگرایی بیان می‌کنند که معنا توسط قصد مؤلف تعیین می‌شود. بنابراین می‌توان گفت که نظریه مدافعان قصدگرایی را تا حد مطلوبی تأیید می‌کند.

نادرستی سایر گزینه‌ها:

بررسی گزینه (۱): نظریه کنش بیانی دارای تضاد درونی نیست! نظریه کنش بیانی تحت تأثیر جنبش زبان روزمره که بیان می‌کند باید به کاربرد معنا در زبان توجه داشت، با رویکرد بیردزلی در تضاد است.

بررسی گزینه (۲): در ابتدای پاراگراف دوم بیان می‌شود که بیردزلی تحت تأثیر نظریه کنش بیانی بود و به هیچ وجه این جمله کلی را بیان نمی‌کند که این نظریه بر مدافعان ضد قصدگرایی تأثیرگذار است.

بررسی گزینه (۳): این گزینه کاملاً بی‌ربط است، چرا که در مورد آن بحث نشده است.

۴- گزینه «۳» البته که میان کنش زبانی در حوزه زبان ادبی و زبان روزمره تفاوت وجود دارد! در پاراگراف دوم بیان می‌شود که بسیاری از کنش‌ها توسط گفتن یا نوشتن انجام می‌شود... البته الزام نیست که این کنش‌ها حتماً با گفتار انجام شوند. به طور مثال، شخصی می‌تواند با گذاشتن دو کف دست بر روی یکدیگر عذرخواهی کند و مخاطبش از حرکات او به قصد و منظورش پی ببرد. بیردزلی این موضوع را حمایت می‌کند، چرا که او مدافع ضد قصدگرایی است و بیان می‌کند که معنا همیشه توسط متن تعیین می‌شود، نه قصد مؤلف. در حالی که در پاراگراف سوم بیان می‌شود که کنش زبانی تحت تأثیر جنبش زبان روزمره، به کاربرد اظهارها در زبان توجه می‌کند که با تأکیدهای بیردزلی بر قراردادهای زبانی و بیرونی دانستن مقاصد مؤلف، در تضاد است.

پاسخ سؤالات متن (۲)

۵- گزینه «۴» نویسنده در پاراگراف اول بیان می‌کند که براساس تحقیقات انجام‌شده انسان‌های دارای خودبتریبینی اخلاقی بیش از آن که کار اخلاقی و نامصفانه انجام دهند، از کارهای غیراخلاقی و نامصفانه اجتناب می‌کنند و در پاراگراف دوم به بررسی دلایل این امر می‌پردازد. پس گزینه (۴) صحیح است.  
**نادرستی سایر گزینه‌ها:**

**بررسی گزینه (۱):** در پاراگراف دوم نمونه‌های متعددی آورده نشده و بیشتر به ذکر دلایل بسنده کرده است.

**بررسی گزینه (۲):** پاراگراف دوم در جهت موافقت با ادعای پاراگراف اول است نه مخالفت.

**بررسی گزینه (۳):** صحبتی از تغییر نگرش و لزوم آن مطرح نشده است.

۶- گزینه «۱» عبارت موجود در سؤال در واقع ذکر نمونه‌ای در جهت تأیید جمله‌ی ماقبلش است. «مردم هنگام ارزیابی دیگران از دانشی که درباره‌ی جامعه دارند استفاده می‌کنند.» پس گزینه (۱) صحیح است.

**نادرستی سایر گزینه‌ها:**

**بررسی گزینه (۲):** این جمله نقش توجیهی ندارد بلکه به دنبال نیت‌خوانی است؛ همچنین در رابطه با دیگران است نه خود.

**بررسی گزینه (۳):** از این جمله تضادی استنباط نمی‌شود.

۷- گزینه «۳» نویسنده در پاراگراف دوم به صراحت نوشته است که «تصور کمک نکردن به خیریه، خودپنداره‌ی اخلاقی فرد را تهدید نمی‌کند.» پس گزینه (۳) صحیح است.

۸- گزینه «۲» جمله‌ی مطرح‌شده در سؤال درباره‌ی مقایسه‌ی ارزیابی ما از رفتار خود و دیگران است که بهترین قسمت برای آن [۳] می‌باشد. همچنین در جمله‌ی بعدی در آن موقعیت کلمه‌ی «نیز» وجود دارد که نشان می‌دهد باید عامل دیگری ذکر شده باشد که همان جمله‌ی موجود در سؤال است.

**بررسی گزینه (۱):** به این دلیل نادرست است که در موقعیت [۴] بحث درباره‌ی علت تفاوت ارزیابی ما از رفتار خود و دیگران، تمام شده است.

**بخش دوم: استدلال منطقی**

۹- گزینه «۴» گزینه (۴) تضعیف‌کننده‌ی ادعای آقای (الف) است. چون منظور آقای (الف) به نوعی این است که چون رمان‌های فارسی تیراژ پایین دارند، پس در استرالیا کمیاب هستند و مردم نمی‌توانند آن‌ها را پیدا کنند و بخوانند. حال این که؛ خطای او در این است که چون کسی این کتاب‌ها را نمی‌خواند و فروش کم است، تیراژ پایین است، یعنی حالت عکس مطلب گفته‌شده‌ی آقای (الف). گزینه‌های دیگر بی‌ربط هستند.

۱۰- گزینه «۱» از روش معکوس‌سازی گزینه‌ها استفاده می‌کنیم. به معکوس گزینه (۱) توجه کنید:

**معکوس گزینه (۱):** به واقع، امکان ارزیابی و سنجش پیشرفت اخلاقی وجود ندارد.

خُب، اگر جمله‌ی بالا برقرار باشد، آیا دیگر استدلال متن اعتبار دارد؟ معلوم است که جواب خیر است! در واقع دیگر چگونه مقایسه‌ی پیشرفت اخلاقی و صنعتی می‌توانست توسط نویسنده صورت بگیرد!

گزینه (۲) فرض پنهان نیست و می‌تواند نتیجه‌گیری از متن باشد. گزینه (۳) هم بیشتر حالت استنباط از متن دارد، هرچند نمی‌توان از متن چنین نتیجه‌ای گرفت! گزینه (۴) هم بی‌ربط به خواسته‌ی سؤال است.

۱۱- گزینه «۱» هدف اصلی نویسنده بیشتر توضیح درباره شالوده و سبک آثارش برای کودکان است. گزینه‌های دیگر نمی‌توانند جواب باشند. گزینه (۲) غلط است؛ چون نویسنده به هیچ‌وجه به خواننده هشدار نداده است. گزینه (۳) هم غلط است؛ چون اثر داستان بر شکل‌گیری شخصیت کودکان و نوجوانان به هیچ‌وجه هدف اصلی نویسنده نیست و گزینه (۴) هم همانند آنچه در گزینه (۳) بیان کردیم، غلط است؛ چون نویسنده به هیچ‌عنوان حس خیال‌پردازی را لازمه‌ی خودشکوفایی در بزرگسالی عنوان نکرده است.

۱۲- گزینه «۲» به وضوح با توجه به این که در پایان متن نام سه کارتون آمده و در ابتدای متن هم بحث رتبه‌بندی کارتون‌ها مطرح شده است، گزینه (۲) بهترین و منطقی‌ترین عبارت جهت پُر کردن جای خالی است.

۱۳- گزینه «۴» به وضوح قسمت اول، ادعایی کلی در مود اختلاف جنسیتی مرد و زن و قسمت دوم مثال و مصداقی در تأیید این ادعا است.

۱۴- گزینه «۳» با توجه به این که در آخر متن عنوان شده است، نظریه دکتر «یوهان گوتفرید هردر» راه را برای فلسفه‌های تاریخ‌گرا مانند هگل و نیچه باز کرد و همچنین مقدمه‌ای برای جریان مهم معطوف به جهان اجتماعی در قرن بیستم یعنی ایده ساختار اجتماعی گردید، گزینه (۳) صحیح است.

۱۵- گزینه «۱» در واقع گزینه (۱) به طور ملموسی تأییدکننده‌ی نظر دکتر دانکل است. چون به هر حال، افراد حتی با توصیه پزشکان نیز حالت مخصوص به خود را در خواب دارند و این یعنی ارتباط مستقیم بین وضعیت خوابیدن و روحیات افراد وجود دارد.

### بخش سوم: سؤالات تحلیلی

قرار است با ۵ قوطی، یک ستون سه‌تایی و یک ستون دوتایی تشکیل دهیم. هر قوطی مربوط به نوشابه زرد، مشکی، لیموناد، دوغ و ماءالشعیر است. محدودیت‌ها به صورت زیر است:

(۱) نوشابه زرد نه دقیقاً روی دوغ قرار دارد، نه دقیقاً زیر لیموناد.

(۲) نوشابه زرد و مشکی با هم در یک ستون نیستند.

(۳) اگر جای دو قوطی بالایی را با هم عوض کنیم محدودیت‌های قبلی نقض نمی‌شود.

شکل کلی که برای پاسخ به این تحلیلی در نظر می‌گیریم به صورت زیر است:



اکنون با رعایت محدودیت‌ها به سؤالات پاسخ می‌دهیم:

۱۶- گزینه «۴» ۴ قوطی پایینی ستون دوتایی لیموناد است. روی آن می‌تواند نوشابه زرد یا مشکی باشد (محدودیت ۲). پس دو حالت زیر را در نظر می‌گیریم:



با توجه به محدودیت (۳) قوطی بالایی در ستون سمت راست باید زرد یا مشکی باشد. چون در غیر این صورت زرد و مشکی ممکن است در یک ستون قرار گیرند که محدودیت (۳) نقض می‌شود. با رعایت محدودیت (۱) قوطی زیرین سمت راست باید دوغ باشد.

۱۷- گزینه «۲» اگر نوشابه زرد بین دو قوطی باشد یعنی در ستون سمت راست و وسط باشد، با توجه به محدودیت (۲) و (۳) نوشابه مشکی باید سمت چپ و قوطی زیر باشد. چون اگر قوطی بالایی باشد با جابه‌جایی آن محدودیت (۳) نقض می‌شود. با رعایت محدودیت (۱) و (۳) به وضعیت نهایی زیر می‌رسیم:



که البته ماءالشعیر و دوغ می‌توانند با هم جابه‌جا شوند. پس فقط نوشابه مشکی و لیموناد وضعیت ثابتی دارند.

۱۸- گزینه «۳» نوشابه مشکی و دوغ اگر در یک ارتفاع باشند باید قطعاً در ردیف وسط قرار بگیرند. با توجه به محدودیت (۲) نوشابه زرد در ستون چپ و زیر قرار می‌گیرد. با رعایت محدودیت (۳) قطعاً ماءالشعیر بالایی‌ترین قوطی سمت راست خواهد بود. چون اگر لیموناد قوطی بالایی سمت راست باشد در صورت جابه‌جایی با دوغ، محدودیت (۱) نقض می‌شود. با این حساب گزینه (۳) صحیح است.





۱۹- گزینه «۱» لیموناد باید بالاتر از زرد باشد. فرض کنیم به صورت زیر باشد:



محدودیت (۱) نقض می‌شود!

پس قطعاً باید در ستون راست قرار گیرند.

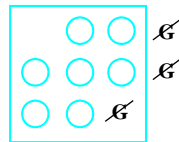
با رعایت محدودیت (۱) قطعاً قوطی بالایی لیموناد و قوطی زیرین نوشابه زرد است. برای این که محدودیت (۳) برقرار باشد، نوشابه مشکی باید سمت چپ و زیر باشد (چون اگر قوطی بالایی مشکی باشد در صورت جابه‌جایی با لیموناد محدودیت (۳) نقض می‌شود).



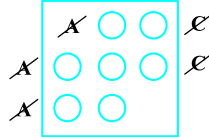
پس فقط جای دوغ و ماء‌الشعیر می‌تواند با هم عوض شود و جای سه مورد دیگر قطعی است و گزینه (۱) صحیح است.

هفت دانش‌آموز A، B، C، D، E، F و G در جایگاه‌های شکل زیر قرار می‌گیرند. محدودیت‌ها به صورت زیر است:

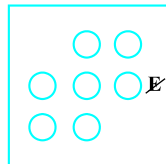
محدودیت (۱): وقتی همگی رو به شرق هستند، G دقیقاً پشت سر B و کنار D است (یعنی G دایر سمت راست و دایره وسط و زیرین نمی‌تواند باشد).



محدودیت (۲): وقتی همگی رو به جنوب هستند، C دقیقاً کنار A و سمت راست A است (یعنی A و C در جایگاه‌های زیر نمی‌توانند باشند):

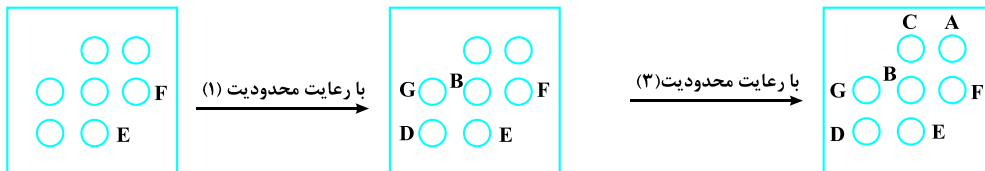


محدودیت (۳): وقتی همگی رو به غرب هستند، E نفر اول یا دوم صف خود است (یعنی E نمی‌تواند در جایگاه زیر باشد):



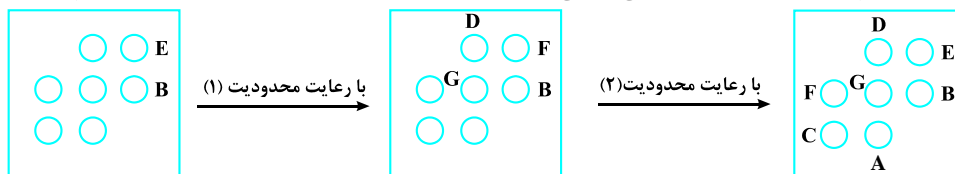
اکنون با رعایت محدودیت‌ها به سؤالات پاسخ می‌دهیم:

۲۰- گزینه «۲» اگر E و F دو نفر آخر صف خود باشند، وقتی همگی رو به شمال هستند، با رعایت محدودیت (۳) می‌توانیم حالت زیر را در نظر بگیریم.



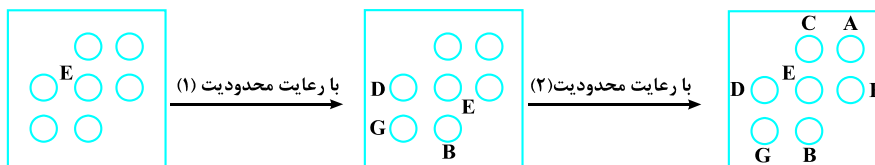
پس C نفر اول ستون وسط می‌باشد.

۲۱- گزینه «۴» اگر B و E کنار هم باشند و جلوی صف (وقتی همگی به سمت شرق هستند، با توجه به محدودیت (۳) داریم):



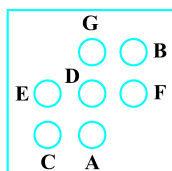
پس جایگاه همگی قطعی می‌باشد.

۲۲- گزینه «۱» E در صورتی نفر اول نمی تواند باشد که دقیقاً در مرکز شکل قرار گیرد. وقتی همگی رو به جنوب هستند داریم:



با توجه به شکل نهایی فقط گزینه (۱) صحیح است.

۲۳- گزینه «۳» با توجه به محدودیت‌ها، B و D و E می‌توانند مطابق شکل زیر نفر دوم صف باشند، به شرطی که جهت قرار گرفتن آن‌ها رو به جنوب باشد. در بقیه حالت‌ها حداقل یک محدودیت نقض می‌شود.

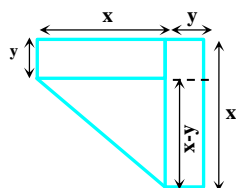


### بخش چهارم: حل مسئله

۲۴- گزینه «۴» سؤال راحتی است! اعداد بالا در هم و اعداد پایین هم در یکدیگر ضرب می‌شوند و مجموع این دو عدد بالا و پایین در کادر وسط نوشته می‌شود. برای مثال داریم:

$$(3 \times 5) + (7 \times 2) = 15 + 14 = 29$$

بنابراین به جای علامت سؤال باید عددی قرار دهیم که وقتی در ۹ ضرب می‌شود و با عدد ۴۵ جمع می‌شود، حاصل عدد ۵۴ شود. یعنی باید عدد ۱ را قرار دهیم.



۲۵- گزینه «۲» صحبت از نسبت عرض به طول مستطیل است (که البته هر دو مستطیل

یکسان هستند). طول مستطیل را  $x$  و عرض مستطیل را  $y$  می‌نامیم. بنابراین یک ضلع مثلث  $x$  و ضلع دیگر مثلث  $x - y$  می‌شود.

در صورت سؤال تنها یک داده دیگر داریم و آن نسبت مساحت مثلث به مساحت کل شکل است:

$$\frac{\text{مساحت مثلث}}{\text{مساحت کل شکل}} = \frac{25}{100} = \frac{1}{4}$$

مثلث که قائم‌الزاویه است، پس مساحت آن  $\frac{1}{2}x(x-y)$  است، مساحت کل شکل هم مساحت مثلث، بعلاوه‌ی مساحت دو مستطیل یکسان است.

$$\frac{\text{مساحت مثلث}}{\text{مساحت کل شکل}} = \frac{\frac{1}{2}x(x-y)}{\frac{1}{2}x(x-y) + 2 \times xy} = \frac{\frac{1}{2}(x-y)}{\frac{1}{2}(x-y) + 2y} = \frac{1}{4}$$

پس داریم:

$$4 \times \frac{1}{2}(x-y) = \frac{1}{2}(x-y) + 2y$$

$$2x - 2y = \frac{1}{2}x - \frac{1}{2}y + 2y \Rightarrow \frac{3}{2}x = \frac{5}{2}y \Rightarrow \frac{y}{x} = \frac{3}{5}$$

۲۶- گزینه «۱» قبل از حل این سؤال یک مطلب را یادآوری می‌کنیم. اگر مثلاً سه نفر یک کار را تمام کنند، به فرض اینکه شخص A،  $\frac{1}{4}$  کار،

شخص B،  $\frac{1}{3}$  کار و شخص C،  $\frac{2}{3}$  کار را انجام دهد و کل کار را اگر ۱ در نظر بگیریم که توسط این سه شخص با نسبت‌های فوق انجام شده است، داریم:

$$\frac{1}{A} + \frac{1}{B} + \frac{1}{C} = 1$$

با این توضیحات به سراغ حل مسئله می‌رویم و سعی می‌کنیم صورت سؤال را جمله به جمله به زبان ریاضی ترجمه می‌کنیم. سه نفر A، B و C مجموعاً

$$\frac{1}{A} + \frac{1}{B} + \frac{1}{C} = 1 \quad (1)$$

یک کار را شروع و تمام کرده‌اند، پس داریم:

نسبت مجموع فعالیت A و B به فعالیت C برابر ۵ به ۱ است. فعالیت A همان  $\frac{1}{A}$ ، فعالیت B همان  $\frac{1}{B}$  و فعالیت C همان  $\frac{1}{C}$  است، پس داریم:

$$\frac{\frac{1}{A} + \frac{1}{B}}{\frac{1}{C}} = 5 \Rightarrow \frac{1}{A} + \frac{1}{B} = 5\left(\frac{1}{C}\right) \quad (2)$$

و در جمله‌ی سوم گفته شده نسبت مجموع فعالیت A و C به فعالیت B برابر ۳ به ۱ است، پس داریم:

$$\frac{\frac{1}{A} + \frac{1}{C}}{\frac{1}{B}} = 3 \Rightarrow \frac{1}{A} + \frac{1}{C} = 3\left(\frac{1}{B}\right) \quad (3)$$

دو معادله (۲) و (۳) را در یک دستگاه حل می‌کنیم:

$$\begin{cases} \frac{1}{A} + \frac{1}{B} = 5\left(\frac{1}{C}\right) \\ \frac{1}{A} + \frac{1}{C} = 3\left(\frac{1}{B}\right) \end{cases} \Rightarrow \frac{1}{B} - \frac{1}{C} = 5\left(\frac{1}{C}\right) - \frac{3}{B} \Rightarrow \frac{4}{B} = 6\left(\frac{1}{C}\right) \Rightarrow \frac{1}{C} = \frac{2}{3}\left(\frac{1}{B}\right) = \frac{2}{3}\left(\frac{1}{B}\right)$$

این مقدار را در معادله‌ی اول دستگاه قرار می‌دهیم:

$$\frac{1}{A} + \frac{1}{B} = 5\left(\frac{2}{3}\right)\left(\frac{1}{B}\right) \Rightarrow \frac{1}{A} + \frac{1}{B} = \frac{10}{3}\left(\frac{1}{B}\right) \Rightarrow \frac{1}{A} = \frac{7}{3}\left(\frac{1}{B}\right) \Rightarrow \frac{1}{B} = \frac{3}{7}\left(\frac{1}{A}\right)$$

$$\frac{1}{C} = \frac{2}{3}\left(\frac{1}{B}\right) = \frac{2}{3}\left(\frac{3}{7}\right)\left(\frac{1}{A}\right) = \frac{2}{7}\left(\frac{1}{A}\right) \Rightarrow \frac{1}{A} = \frac{7}{2}\left(\frac{1}{C}\right)$$

چون  $\frac{1}{B} = \frac{3}{7}\left(\frac{1}{A}\right)$ ، لذا  $\frac{3}{7}\left(\frac{1}{A}\right) = \frac{3}{7}\left(\frac{1}{A}\right) = \frac{3}{7}\left(\frac{1}{A}\right)$ . بنابراین داریم:

حالا مقادیر  $\frac{1}{B}$  و  $\frac{1}{C}$  را در معادله (۱) قرار می‌دهیم:

$$\frac{1}{A} + \frac{3}{7}\left(\frac{1}{A}\right) + \frac{2}{7}\left(\frac{1}{A}\right) = 1 \Rightarrow \left(1 + \frac{3}{7} + \frac{2}{7}\right)\left(\frac{1}{A}\right) = 1 \Rightarrow \frac{12}{7}\left(\frac{1}{A}\right) = 1 \Rightarrow \frac{1}{A} = \frac{7}{12} = 58\%$$

**۲۷- گزینه «۴»** تعداد مردان و زنان قبل از افزایش جمعیت را به ترتیب x و y می‌نامیم، لذا خواسته‌ی سؤال  $\frac{y}{x}$  است. با توجه به جمله‌ی اول و دوم سؤال داریم:

$$x + \frac{75}{100}x + y + \frac{25}{100}y = x + y + \frac{57}{100}(x + y) \xrightarrow{\text{طرفین ضرب در } 100} 100x + 75x + 100y + 25y = 100x + 100y + 57x + 57y$$

$$\Rightarrow 75x + 25y = 57x + 57y \Rightarrow 18x = 32y \Rightarrow \frac{y}{x} = \frac{18}{32} = \frac{9}{16}$$

**۲۸- گزینه «۳»** تعدادی اسکناس ۲، ۵ و ۱۰ هزار تومانی داریم. از صورت سؤال چیزی نداریم، پس بهتر است مقادیر ستون‌های (الف) و (ب) را تعیین کنیم.

**مقادیر ستون (الف):** وقتی تعداد حداقل‌های اسکناس را می‌خواهیم باید از اسکناس‌های بزرگ استفاده کنیم.

پس از ۱۰ عدد اسکناس ۱۰ هزار تومانی، ۱ عدد اسکناس ۵ هزار تومانی و ۴ عدد اسکناس ۲ هزار تومانی استفاده می‌کنیم. دقت کنید نمی‌توان مثلاً ۱۱ اسکناس ۱۰ هزار تومانی استفاده کرد، چون آن‌وقت برای اسکناس ۳ هزار تومانی به مشکل برمی‌خوریم، پس مقدار ستون (الف)، برابر با عدد ۱۵ است. چون  $(10 + 1 + 4 = 15)$ .

**مقادیر ستون (ب):** در این حالت باید تا جای ممکن از اسکناس‌های کوچک استفاده کنیم. ۱۴ اسکناس ۲ هزار تومانی و یک اسکناس ۵ هزار تومانی برابر با ۳۳ هزار تومان می‌شود، پس مقدار ستون (ب) برابر است با:  $14 + 1 = 15$ .

چون مقادیر دو ستون برابر است، بنابراین گزینه (۳) جواب سؤال است.

صحبت از دانشجویان سه رشته A، B و C و سه دانشگاه (الف)، (ب) و (ج) است. تعداد همه‌ی دانشجویان دانشگاه (الف)، (ب) و (ج) را به ترتیب x، y و z نفر فرض می‌کنیم. اکنون می‌توانیم جدول سمت راست را به صورت زیر بازنویسی کنیم:

رشته C	$\circ / 15x$	$\circ / 40y$	$\circ / 45z$
رشته B	$\circ / 65x$	$\circ / 25y$	$\circ / 27z$
رشته A	$\circ / 2x$	$\circ / 35y$	$\circ / 28z$
	دانشگاه الف (x نفر)	دانشگاه ب (y نفر)	دانشگاه ج (z نفر)

در صورت سؤال ذکر شده که تعداد دانشجویان دانشگاه (الف)  $1/5$  برابر تعداد دانشجویان دانشگاه (ب) است. پس داریم:  $x = 1/5y$   
 در جدول سمت چپ، تعداد دانشجویان هر رشته دانشگاه (ب) به تعداد دانشجویان همان رشته در دانشگاه (ج) مطرح شده است. به عنوان مثال، در مورد رشته A داریم:

$$\frac{\text{دانشجویان رشته A دانشگاه (ب)}}{\text{دانشجویان رشته A دانشگاه (ج)}} = \frac{0/35y}{0/28z} = \frac{1}{2} \Rightarrow \frac{y}{z} = \frac{2}{5}$$

بقیه ستون‌ها هم به همین نتیجه ختم می‌شود!  
 پس کلاً به دو رابطه رسیدیم:

$$\begin{cases} x = 1/5y \\ \frac{y}{z} = \frac{2}{5} \end{cases}$$

با کمک این روابط و جدول به سؤالات پاسخ می‌دهیم:

۲۹- گزینه «۳» مطلوب سؤال حاصل کسر زیر است:

$$\frac{\text{دانشجویان رشته A دانشگاه (الف)}}{\text{دانشجویان رشته A دانشگاه (الف و ج)}} = \frac{0/2x}{0/2x + 0/28z} = \frac{0/2x}{0/2x + 0/28 \times 2/5y} = \frac{0/2x}{0/2x + 0/28 \times 2/5 \times \frac{2}{3}x} = \frac{0/2}{0/2 + 0/46} = \frac{0/2}{0/66} = 30\%$$

۳۰- گزینه «۲» دانشجویان C دانشگاه (الف) برابر با  $0/15x$  است.

با کمک روابط اثبات شده قبلی داریم:

$$\text{دانشجویان رشته B دانشگاه (ج)} = 0/27z = 0/27 \times 2/5y = 0/27 \times 2/5 \times \frac{2}{3}x = 0/27 \times 2/5 \times \frac{2}{3} \times 300 = 135$$

سوالات آزمون گروه علوم انسانی دکتری ۱۳۹۹

استعداد تحصیلی

بخش اول: درک مطلب

■ راهنمایی: در این بخش، دو متن به طور مجزا آمده است. هریک از متن‌ها را به دقت بخوانید و پاسخ سؤال‌هایی را که در زیر آن آمده است، با توجه به آنچه می‌توان از متن استنتاج یا استنباط کرد، پیدا کنید و در پاسخنامه علامت بزنید.

متن (۱)

با تمام مزایایی که کار گروهی دارد، نباید ناگفته بماند که استفاده از کار ترجمه گروهی، محدودیت‌هایی نیز دارد و قابل استفاده بی‌قید و شرط برای همه انواع متون نمی‌باشد. همکاری گروهی تنها در صورتی می‌تواند موفق باشد که امکان کار به صورت فرافردی بر روی موضوع فعالیت (که در اینجا، متن است)، برای تمامی اعضا فراهم باشد. یعنی باید تمام اعضا بتوانند به دیدگاه، برداشت و درک غیرفردی و مشترک نسبت به موضوع فعالیت دست یابند، تا انجام آن فعالیت به صورت گروهی ممکن باشد. در رابطه با ترجمه، این بدان معنی است که تنها متن‌هایی قابل ترجمه گروهی هستند که امکان برداشت فرافردی را برای تمام خوانندگان فراهم کنند. همان‌طور که می‌دانیم، متون، ابعاد و ویژگی‌های متفاوت دارند که موضوع مبحث طبقه‌بندی متن در گستره زبان‌شناسی متن است. تمام متن‌ها جنبه‌های محتوایی دارند که همراه با طبقه‌بندی متن با ویژگی‌های دیگر متن، کاربرد متن را مشخص می‌کنند. جنبه محتوایی متن با توجه به کاربرد متن، دارای درجه‌های متفاوتی از اهمیت در مقایسه با سایر ویژگی‌های متن است. برای مثال، در یک کاتالوگ فنی، بُعد محتوایی متن و بیان دقیق و واضح محتوا، بالاترین اولویت را دارد، در حالی که اولویت پیام و محتوای متن، گاهی اوقات در یک متن ادبی یا شعر، اغلب در مراتب پایین‌تری از ابعاد و ویژگی‌های زیبایی متن قرار می‌گیرد. فرض بر این است، تا هنگامی که محتوای یک متن، دارای بالاترین اولویت در متن بوده و تحت تأثیر سایر ویژگی‌های ادبی و زیبایی‌شناختی، دچار تغییر یا تخفیف نشده باشد و به‌طور آشکار و فرافردی، قابل شناسایی دقیق باشد و در ترجمه، مستلزم تحقق و رعایت سبک فردی خاصی در ترجمه نباشد، می‌توان آن متن را برای ترجمه گروهی مناسب دانست. با این تعریف، تمام متون محتوا محور، مانند متون علمی و فنی، متون حقوقی، متون اقتصادی و موارد بسیار دیگر، برای ترجمه گروهی مناسب بوده و کار ترجمه گروهی، در متونی با ویژگی‌های انفرادی و زیبایی‌شناختی و ادبی، بسیار سخت و حتی غیرممکن خواهد بود.

۱- بر طبق متن، کدام مورد زیر، صحیح است؟

- ۱) اولویت پیام در متونی با ویژگی‌های انفرادی و زیبایی‌شناختی و ادبی، یکسان است.
- ۲) بهترین راهبرد برای درک ابعاد و ویژگی‌های متفاوت متون، بررسی گستره زبان‌شناسی آن متون است.
- ۳) وقتی متنی مناسب ترجمه گروهی باشد، تمامی افراد گروه توانسته‌اند به دیدگاه و برداشتی غیرفردی و مشترک نسبت به موضوع فعالیت دست یابند.
- ۴) ممکن است متنی، امکان برداشت فرافردی برای مترجم داشته باشد، ولی پس از ترجمه، این ویژگی را برای خواننده فراهم نیاورد.

۲- کدام مورد زیر، به تعریف نویسنده متن از مفهوم «فرافردی»، نزدیک‌تر است؟

- ۱) غیرشخصی
- ۲) روان‌شناختی
- ۳) جنبه محتوایی
- ۴) زیبایی‌شناختی

۳- مقصود اصلی متن حاضر، کدام است؟

- ۱) بررسی بایدها و نبایدها در به‌کارگیری روشی معمول، ولی مهجور
- ۲) استدلال در جهت فراهم ساختن بهره‌بری از یک رویکرد
- ۳) ایجاد تغییر در سوءگیری یک تکنیک علمی
- ۴) تبیین رهیافتی جدید برای حرفه‌ای جالفتاده

۴- هدف نویسنده متن از اشاره به «کاتالوگ فنی»، کدام مورد است؟

- ۱) ارائه نمونه‌ای از طبقه‌بندی متن
- ۲) روشن کردن مفهوم جمله قبلی در متن
- ۳) مثالی بازمتنی با پتانسیل برداشت فرافردی
- ۴) تبیین گستره زبان‌شناختی متون مناسب برای ترجمه

## متن (۲)

پیش از آنکه هنرمندان را نابغه بدانیم، آنها را صنعتگر (آرتیزان) می‌دانستیم. این دو واژه، نه برحسب تصادف، که در حقیقت یکی هستند. «آرت» از مصدری به معنای «به هم بستن» یا «با هم جور کردن» مشتق شده است - یعنی «درست کردن» یا «ماهرانه ساختن» - معنایی که همچنان در عبارتهایی نظیر «هنر آشپزی» و کلماتی نظیر «آرت فول»، در معنای «حیله‌گر»، حفظ شده است. ممکن است باخ را یک نابغه بدانیم، ولی او خود را یک صنعتگر می‌دانست، یک سازنده. تمام مجموعه ایده‌ها و اعمال، با چنین برداشتی همراه بودند. [۱] هنرمندان برای فراگیری روش‌های مرسوم درست، مانند صنعتگران، کارآموزی و شاگردی می‌کردند. خلاقیت ارزشمند شمرده می‌شد، با این وجود، اعتبار و ارزش، بیش از هر چیز دیگر، ناشی از سنت بود. در جهانی که همچنان تحت سلطه ساختار اجتماعی کاملاً سخت و غیرمنطقی بود، هنرمندان با سایر صنعتگران گرد هم آمدند و طبقه‌ای میانی یا میانی رو به پایین، درست زیر طبقه تجار، در اجتماع تشکیل دادند؛ به طور خلاصه، می‌توان گفت که تفاوت میان هنر و صنعت، در بهترین حالت، بسیار ناچیز بود. [۲] در حقیقت، مفهوم بنیادی هنر، چنانچه بعدها از هنر دریافت شد، در آن هنگام وجود نداشت.

[۳] بعدها هنر به اوج قدر و منزلت روحانی خود دست یافت و هنرمندان نیز در پی آن. هنرمندان شدند انسان‌های نابغه: منزوی و گوشه‌گیر، درست مانند یک مرد مقدس؛ منبع الهام. [۴] هنر مبدل به مفهومی واحد شد، دربرگیرنده موسیقی، تئاتر و ادبیات به علاوه هنرهای بصری، اما همچنین به تعبیری، خود را از یکایک آنها جدا ساخت. «هنر برای هنر»، شعاری است زیبایی‌شناسانه که به اوایل قرن نوزدهم میلادی بازمی‌گردد. اصطلاح «Gesamtkunstwerk»، آرزو یا آرمان «کار هنری کامل»، که بنا بر گفته موسیقی‌دان معروف، واگنر، بسیار ارزشمند بود، نیز متعلق به همین دوران است. یک قرن بعد، با آمدن هنگامه مدرنیسم، دوران پیکاسو، جویس و استراوینسکی، هنرمندان در بالاترین جایگاه اجتماعی ایستادند. اشراف‌زادگان فرهنگی که اشراف‌زادگان قدیمی یا بالامقام‌ترین آنها در هر طبقه‌ای، خواستار چیزی بیش از همنشینی با آنها نبودند.

به طور اخص، پس از جنگ جهانی دوم، هنر، همانند تمامی ایدئولوژی‌هایی که پا به سن می‌گذارند، نهادینه شد. شوراهای هنری، گروه‌های سرمایه‌گذار، برنامه‌های آموزشی، اقامت‌های تحصیلی، مجلات و جایزه‌ها به وجود آمدند - یک نظام دیوان‌سالاری تمام‌عیار. با نهادینه شدن هنر، هنرمند نیز به ناچار راه مشابهی را طی کرد. هنرمند نابغه مبدل شد به هنرمند حرفه‌ای. هنرمند مثل یک دکتر یا وکیل، به مدارس عالی می‌رفت - دوره‌های ارشد هنرهای زیبا نیز در آن زمان، به سرعت در حال گسترش بودند - و پس از آن در پی به دست آوردن جایگاهی بود. آموزش، حرفه‌ای بود و به تبع آن، آثاری که تولید می‌شدند نیز حرفه‌ای بودند. مهارت - یا آن گونه که در برنامه‌های مدارس عالی به طور مکرر بدان اشاره می‌شد، «تکنیک» - و نه الهام‌بخشی یا سنت، مبدل به اصل مورد پذیرش در میان اساتید زیبایی‌شناسی شد. هنرمندان در مقام نوابغ، ممکن بود گاهی تظاهر به آن کنند که اثرشان را در حالتی از شوریدگی روحانی سرهم‌بندی کرده‌اند، اما هیچ هنرمند باعزت‌نفسی، در مقام یک استاد، هرگز نمی‌توانست چنین مدعایی داشته باشد.

کدام مورد زیر، ادامه منطقی متن حاضر است؟

- ۱) بازگشت دوباره هنرمند به عنوان نابغه منزوی  
 ۲) تأثیر نوع تصور جامعه از هنرمند بر نحوه آموزش هنری  
 ۳) بررسی رابطه شوریدگی هنری با عزت‌نفس هنرمند  
 ۴) تحولات بعدی در نوع نگرش به هنر و هنرمند

اطلاعات کافی برای پاسخ به کدام سؤال زیر، در متن موجود است؟

- ۱) چرا هنر در مقطعی در سیر تحول و تکامل خود، ویژگی‌های یک نظام دیوان‌سالاری را به خود گرفت؟  
 ۲) چه چیزی باعث شد که در مقطعی خاص، هنر به اوج قدر و منزلت روحانی خود برسد؟  
 ۳) در دوران هنرمندانی چون باخ، ارزش خلاقیت هنری، از کجا نشئت می‌گرفت؟  
 ۴) برخی هنرمندانی که در آفرینش مدرنیسم نقش‌آفرینی کردند، کدام‌اند؟

از کدام روش استدلالی زیر، در متن استفاده نشده است؟

- ۱) توصیف برمبنای توالی زمانی  
 ۲) تمسک به منبع موثق  
 ۳) قیاس  
 ۴) مثال

کدام محل در متن که با شماره‌های [۱]، [۲]، [۳] و [۴] مشخص شده‌اند، بهترین محل برای قرار گرفتن جمله زیر است؟

«با این حال، این تصور از هنرمند، به عنوان یک نابغه منزوی، به زودی منسوخ شد.»

- [۱] ۱) [۲] ۲) [۳] ۳) [۴] ۴)

## بخش دوم: استدلال منطقی

■ **راهنمایی:** برای پاسخگویی به سؤال‌های این بخش، لازم است فقط موقعیتی را که در هر سؤال مطرح شده، مورد تجزیه و تحلیل قرار دهید و سپس گزینه‌های را که فکر می‌کنید پاسخ مناسب‌تری برای آن سؤال است، انتخاب کنید. هر سؤال را با دقت بخوانید و با توجه به مطالب مطرح شده در هر سؤال و نتایجی که بیان شده و بیان نشده ولی قابل استنتاج است، پاسخی را که صحیح‌تر به نظر می‌رسد، انتخاب و در پاسخنامه علامت بزنید.

۹- در جامعه سنتی، هرگونه ارتباط فرد با دیگری می‌تواند بنیان رابطه‌ای مستمر را پی‌ریزی کند و جامعه را به سمت همبستگی‌ای مبتنی بر شباهت‌ها سوق دهد. اما در جامعه مدرن که طبقات اجتماعی یکی از مهم‌ترین ویژگی‌های آن به‌شمار می‌رود، گمنامی و غریبگی، علاوه بر آنکه میدان فردیت را گسترش می‌دهد و اختیار عمل را افزون می‌سازد، در مقابل این آزادی، پشتوانه‌های حمایتی را می‌زداید، نوعی از خودبیبگانگی را رقم می‌زند و برقراری روابطی اجتماعی که بتواند استمرار داشته باشد را محدود می‌کند. کدام مورد را می‌توان به‌درستی، از متن فوق استنباط کرد؟

- ۱) گسترش میدان آزادی فردی در جامعه می‌تواند درعین حال به ازخودبیبگانگی ختم شود.
- ۲) انسان برای غلبه بر برخی معضلات در جامعه مدرن، راهی جز رجعت به زندگی سنتی ندارد.
- ۳) گذار از جامعه سنتی به جامعه مدرن، اگرچه اثرات نامطلوبی دارد، ولی امری گریزناپذیر است.
- ۴) محدود ساختن آزادی فردی در جامعه امروز، از طریق ایجاد شبکه همگن و یکپارچه از خدمات اجتماعی، راه مقابله با احساس گمنامی و غریبگی انسان مدرن است.

۱۰- اگرچه کاهش یا نبود فرصت‌های شغلی مناسب برای دانش‌آموختگان دانشگاهی، یکی از معضلات اساسی بسیاری از کشورها به‌حساب می‌آید، با این همه، شواهد و تجربیات، نشان از موفقیت گروهی از دانشجویان در کسب شغل دارد. برخی دانشجویان و دانش‌آموختگان در زمینه اشتغال، موفق‌تر عمل می‌کنند. این موضوع به علل و عوامل زیادی ارتباط دارد. برخی صاحب‌نظران به نقش محوری پیوندها و شبکه‌های اجتماعی در دسترسی به فرصت‌های شغلی تأکید داشته و نقش روابط غیررسمی را در دستیابی به آنها، مهم تلقی می‌کنند.

کدام مورد، به بهترین وجه، ارتباط دو بخش از متن که زیر آنها خط کشیده شده است را توصیف می‌کند؟

- ۱) اولی، ادعایی کلی را مطرح می‌سازد و دومی، با استناد به منبعی موثق، آن را مشروط می‌سازد.
- ۲) اولی، مثالی از معضلی اجتماعی را ذکر می‌کند و دومی، راه غلبه بر آن را نشان می‌دهد.
- ۳) اولی، تناقضی را یادآور می‌شود و دومی، اثرات آن را برمی‌شمارد.
- ۴) اولی، واقعیتی را بیان می‌دارد و دومی، دلیل بروز آن را آشکار می‌سازد.

۱۱- خانم «الف» در کتاب خود، کوشیده است تا حقیقت معناجویی و معناخواهی را که لابه‌لای تحقیقات میدانی انجام گرفته است، برجسته نموده و آن را فراتر از عقیده عمومی یا بدیهی تحلیل کند. به نظر وی، نیازی نیست که معناجویی، قابل تحویل یا تأویل به نیازهای دیگر باشد. او به تحقیقی اشاره می‌کند که توسط یک مرکز بزرگ تحقیقات روان‌شناسی منتشر شده است که در آن، ۱۷۱۵۰۹ نفر مورد پرسش قرار گرفتند. بیشترین هدفی که افراد برای خود در نظر گرفته بودند، یعنی معادل ۹۸/۱ درصد، گزینه «گسترش یک فلسفه معنادار از زندگی» بود. تحقیق دیگری در این باره وجود داشت که از بین ۷۹۴۸ نفر دانشجوی شرکت‌کننده در آن تحقیق، فقط ۱۶ نفر گزینه «پول بیشتر» را انتخاب کرده بودند، اما ۷۸ درصد آنها گزینه «در صدد یافتن معنایی برای زندگی» را در نظر گرفته بودند.

فرض خانم «الف» در اشاره به مطالعه‌ای که در متن آمده، کدام است؟

- ۱) امروزه، دانشمندان در تأیید گفته خود، باید به تحقیقات علمی رجوع کنند.
- ۲) افرادی که در مطالعه ذکر شده شرکت کردند، واقعیت را اذعان داشته‌اند.
- ۳) وقتی تعداد افراد شرکت‌کننده در تحقیقی بالا باشد، روایی آن تحقیق هم بالاست.
- ۴) در مسائل مربوط به احوالات درونی انسان، بهتر است به حوزه روان‌شناختی تکیه کرد.

۱۲- یک نکته تجربه‌شده و اثبات‌شده در زمینه کیفیت ارائه اثر هنری وجود دارد و آن این است که هر قدر اثر هنری از بیان مستقیم، شعاری، توصیه‌ای و دستوری در انتقال پیام اجتناب کند، به سطح عمیق‌تری از تأثیرگذاری و اثربخشی دست خواهد یافت. بنابراین، می‌بینیم که هر قدر هنرمند به‌عنوان پدیدآور و زایشگر اثر هنری، در روندی آزادانه‌تر به‌کار پرداخته است، سطح تأثیر او بر مخاطبان نیز وسیع‌تر و به‌ویژه عمیق‌تر است.

کدام مورد زیر، در صورتی که صحیح فرض شود، ادعای نویسنده درباره نحوه بالا بردن سطح تأثیر هنر بر مخاطبان را تضعیف می‌کند؟

- ۱) مخاطبان آثار هنری، حتی وقتی از تحصیلات برابری برخوردار باشند، برداشت یکسانی از یک اثر هنری واحد ندارند.
- ۲) هنری که مخاطبش کودکان هستند، وقتی تأثیرگذار است که پیامش را مستقیم و پندمدار منتقل کند.
- ۳) برخی از آثار هنری که امروز فاخر محسوب می‌شوند، نتوانستند در عصر مربوطه خود، تأثیرگذاری مطلوبی داشته باشند.
- ۴) فرایند تولید اثر هنری، بسته به نوع هنر مربوطه، متفاوت است و همه نوع هنر را نمی‌توان به اصطلاح با یک چوب راند.

۱۳- آلفرد آدلر می گوید فرزند اول با به دنیا آمدن فرزندان بعدی، جایگاه مطلوب خود را در خانواده از دست می دهد. مثلاً با به دنیا آمدن فرزند دوم، سهم فرزند اول از منابع مالی خانواده نصف می شود و لذا مجبور می شود برای حق خود بجنگد. لذا، فرزند اول در بزرگسالی، شخصیتی محافظه کار و مخالف تغییرات پیدا می کند و همیشه تصور می کند که دیگران بر علیه او قیام خواهند کرد.

کدام مورد را می توان جدی ترین خطای استدلال فوق به حساب آورد؟

- ۱) تأثیر متقابل انسان بر محیط پیرامونش را کم اهمیت جلوه می دهد.
- ۲) محافظه کاری و مخالفت با تغییرات را بی دلیل صفات اجتماعی منفی می انگارد.
- ۳) با قیاسی نابه جا، نقش خانواده در شکل گیری شخصیت کودک را به نقشی که جامعه در این زمینه ایفا می کند، ربط می دهد.
- ۴) وضعیت یک فرد در شرایطی خاص را به شرایطی که می تواند کاملاً متفاوت باشد، تعمیم مبالغه آمیز می دهد.

۱۴- نظریه عدم تجانس، پیش از اینکه توسط سیسرو و بعدها توسط کانت عنوان شود، به آرای ارسطو بازمی گردد و از آن زمان تاکنون، به عنوان مهم ترین نظریه طنز، مورد قبول و ارجاع پژوهشگران این حوزه بوده است. نظریه عدم تجانس بیان می کند چیزی که باعث سرگرمی می شود، در بعضی انواع عدم تجانس نهفته است و خنده، بیان لذت و خوشی ما از آن رویداد ..... .

کدام مورد، به منطقی ترین وجه، جای خالی در متن فوق را کامل می کند؟

- ۱) به تضادی می انجامد که عدم تجانس است
- ۲) تنها مبنای نظریه مطروح است
- ۳) یا چیز نامتجانس است
- ۴) و رویدادی دیگر است

۱۵- در آثار اخلاقی ارسطو، هیچ تصریح خاصی در باب بدترین رذیلت اخلاقی وجود ندارد. البته در لابه لای سخنان او می توان به نمونه هایی از مقایسه دست یافت که برمبنای آنها، یک رذیلت را بدتر از رذیلتی دیگر معرفی کند. به طور مثال، ارسطو صداقت را در حدّ میانه توداری بیش از حد و لافزنی می داند، اما تصریح می کند که لافزنی بدتر از توداری بیش از حد است. در موضعی دیگر نیز، ارسطو ارتکاب ظلم و پذیرش و تحمّل آن را مقایسه کرده و می گوید کاملاً پیداست که هم عمل ظالمانه و غیر عادلانه بد است و هم تحمّل ظلم و بی عدالتی، اما ظلم کردن، بدتر از پذیرش و تحمّل ظلم است. موضوع اصلی متن فوق، کدام است؟

- ۱) بدترین رذیلت اخلاقی از دید ارسطو
- ۲) تناقضی نهفته در تعریف ارسطو از فضیلت و رذیلت
- ۳) ملاک ارسطو در ارزیابی فضیلت اخلاقی در اعمال انسانی
- ۴) فاصله کمتر از مو میان فضیلت و رذیلت، در فلسفه اخلاقی ارسطو

### بخش سوم: سؤالات تحلیلی

■ راهنمایی: در این بخش، توانایی تحلیلی شما مورد سنجش قرار می گیرد. سؤال ها را به دقت بخوانید و پاسخ صحیح را در پاسخنامه علامت بزنید.  
راهنمایی: با توجه به اطلاعات زیر، به سؤال های ۱۶ تا ۱۹ پاسخ دهید.

از پنج کارمند به اسامی A، B، C، D و E خواسته شده که در خصوص یکدیگر نظر بدهند. به هر کدام از آنها برگه ای داده شده و خواسته شده است که از بین چهار نفر دیگر، به جز خود، نام دو نفر که فعال تر هستند را روی برگه بنویسند. اطلاعات زیر موجود است:

- نه A نام E را می نویسد و نه E نام A را.
- کسی که نام B را نوشته، نام D را ننوشته است.
- تنها نام یکی از افراد، در هیچ برگه ای نوشته نشده است.
- دو نفر از افراد، از نظر هر چهار همکار خود، فرد فعالی بوده اند.

۱۶- اگر C نام های A و B را نوشته باشد، در چهار برگه چهار نفر دیگر و از A نام ممکن، چند نام به طور قطع مشخص می شود؟

- ۱) ۵
- ۲) ۶
- ۳) ۷
- ۴) ۸

۱۷- اگر یک نفر، نام های D و E را نوشته باشد، B نام چه کسانی را نوشته است؟

- ۱) A و D
- ۲) A و C
- ۳) C و E
- ۴) C و D

۱۸- اگر فقط یک نفر، نام های B و C را با هم نوشته باشد، C نام چه کسی (کسانی) را به طور قطع نوشته است؟

- ۱) فقط A
- ۲) فقط D
- ۳) A و D
- ۴) D و E

۱۹- اگر نام A در برگه B نوشته شده باشد، نام C در برگه چند نفر نوشته شده است؟

- ۱) ۴
- ۲) ۳
- ۳) ۲
- ۴) ۱

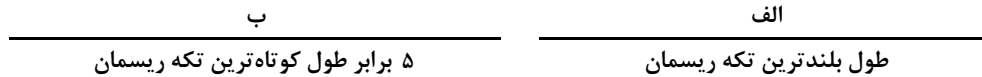




**راهنمایی:** سؤال ۲۸، شامل دو مقدار یا کمیت است، یکی در ستون «الف» و دیگری در ستون «ب». مقادیر دو ستون را با یکدیگر مقایسه کنید و با توجه به دستورالعمل، پاسخ صحیح را به شرح زیر تعیین کنید:

- اگر مقدار ستون «الف» بزرگ‌تر است، در پاسخنامه گزینه ۱ را علامت بزنید.
- اگر مقدار ستون «ب» بزرگ‌تر است، در پاسخنامه گزینه ۲ را علامت بزنید.
- اگر مقادیر دو ستون «الف» و «ب» با هم برابر هستند، در پاسخنامه گزینه ۳ را علامت بزنید.
- اگر براساس اطلاعات داده‌شده در سؤال، نتوان رابطه‌ای را بین مقادیر دو ستون «الف» و «ب» تعیین نمود، در پاسخنامه گزینه ۴ را علامت بزنید.

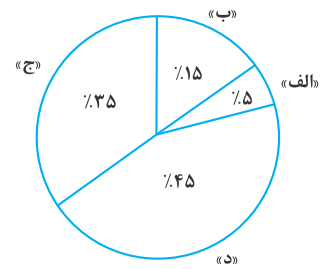
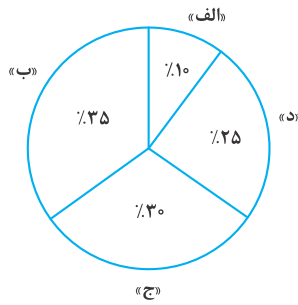
**کلمه ۲۸-** ریسمانی که طول آن نامعلوم است، در اختیار داریم. این ریسمان را ابتدا به دو قسمت به نسبت طول‌های ۱ به ۳ و سپس هر کدام از تکه‌ها را مجدداً به دو قسمت به نسبت طول‌های ۳ به ۵ تقسیم می‌کنیم.



**راهنمایی:** با توجه به اطلاعات و نمودارهای زیر، به سؤال‌های ۲۹ و ۳۰ پاسخ دهید.

دانشجویان جدیدالورود یک دانشکده در ۴ رشته «الف»، «ب»، «ج» و «د»، یا به صورت «حضور» و یا به صورت «غیرحضور» ثبت‌نام کرده‌اند. نسبت دانشجویان جدیدالورود «حضور» به «غیرحضور» در کل دانشکده ۳ به ۲ است. نمودار شماره ۱، سهم هر رشته را از مجموع دانشجویان جدیدالورود و نمودار شماره ۲، سهم هر رشته را از تعداد دانشجویان غیرحضور جدیدالورود در این ۴ رشته نشان می‌دهد.

نمودار شماره ۱، «سهم هر رشته از مجموع دانشجویان جدیدالورود»  
نمودار شماره ۲، «سهم هر رشته از دانشجویان غیرحضور جدیدالورود»



**کلمه ۲۹-** تعداد دانشجویان غیرحضور جدیدالورود رشته «د»، چند درصد از مجموع دانشجویان جدیدالورود رشته‌های «الف» و «د» است؟

- (۱) ۲۸ (۲) ۲۰ (۳) ۱۰ (۴) ۹

**کلمه ۳۰-** چه کسری از دانشجویان جدیدالورود رشته «ب»، به صورت حضور ثبت‌نام کرده‌اند؟

- (۱)  $\frac{۳}{۷}$  (۲)  $\frac{۲}{۵}$  (۳)  $\frac{۶}{۳۵}$  (۴)  $\frac{۱}{۱۵}$

پاسخنامه آزمون گروه علوم انسانی دکتری ۱۳۹۹

استعداد تحصیلی

بخش اول: درک مطلب

پاسخ سؤالات متن (۱)

خلاصه متن: بایدها و نبایدهای ترجمه گروهی به عنوان نمونه‌ای از کار گروهی، بیان ویژگی متن‌هایی که می‌توانند به صورت گروهی ترجمه شوند، بیان جنبه‌های محتوایی متن‌ها با توجه به کاربرد آنها با ذکر مثال کاتولوگ فنی و متون ادبی و شعر.

۱- گزینه «۳» با توجه به توضیحات سطرهای ۱۳ و ۱۴ غلط است. گزینه (۲) با توجه به سطرهای ۵ و ۶ غلط است. گزینه (۴) با توجه به سطرهای ۵ اشتباه است. گزینه (۳) با توجه به سطرهای ۲ تا ۴ صحیح است.

۲- گزینه «۱» با توجه به متن مفهوم واژه «فرا فردی» در کارهای گروهی به معنای «غیرشاخصی» می‌باشد.

۳- گزینه «۲» مقصود اصلی متن از بیان ویژگی‌های متن‌هایی که قابلیت ترجمه به صورت گروهی دارند و متن‌هایی که این ویژگی را ندارند فراهم ساختن بستر مناسب جهت معرفی و استفاده از ترجمه گروهی به عنوان یک رویکرد مناسب می‌باشد.

۴- گزینه «۲» اشاره به «کاتولوگ فنی» در سطر ۸، مثالی برای بیان دقیق‌تر و روشن‌تر مفهوم «جنبه محتوایی» در سطر قبل از آن می‌باشد.

پاسخ سؤالات متن (۲)

ریشه‌یابی هنر و هنرمند، ناچیز بودن تفاوت بین هنر و صنعت، در واقع هنرمندان خود صنعتگران ماهری بودند، تفاوت مفهوم بنیادی هنر در زمان گذشته و حال - قدرت و منزلت هنر و هنرمندان، بالاترین جایگاه هنرمندان در دوران مدرنیسم، هم‌نشینی اشراف‌زادگان با هنرمندان - نهادینه شدن هنر پس از جنگ جهانی دوم، تبدیل هنرمند نابغه به هنرمند حرفه‌ای، هنر رنگ‌وبوی آموزش، مهارت و تکنیک به خود گرفت، نگرش‌های نوین به هنر و هنرمند.

۵- گزینه «۴» در پاراگراف آخر متن به نهادینه شدن هنر پس از جنگ جهانی دوم و تغییرات به وجود آمده در این حوزه پرداخته است. پس می‌توان گفت موضوع پاراگراف بعد از این متن اشاره به تحولات بعدی در نگاه به هنر و هنرمند می‌باشد.

۶- گزینه «۱» با توجه به سطرهای ۱۷ و ۱۸ می‌توان گفت علت این که هنر در مقطعی از سیر تکامل خود ویژگی یک نظام دیوان‌سالار را به خود گرفت، نهادینه شدن هنر و بهره‌مندی از ویژگی‌هایی نظیر شوراهای هنری، گروه‌های سرمایه‌گذار، برنامه‌های آموزشی، مجلات، جوایز و... که مختص نظام‌های دیوان‌سالار می‌باشد، دانست.

۷- گزینه «۳» در استدلال‌های موجود در متن از قیاس و مقایسه استفاده نشده است. اما سایر استدلال‌ها را شامل می‌شود:

۱- توصیف بر مبنای توالی زمانی (پاراگراف دوم و سوم)، ۲- تمسک به منبع موثق (پاراگراف دوم سطر ۱۳ و ۱۴)، ۳- مثال‌های پاراگراف دوم.

۸- گزینه «۴» بهترین جایگاه برای جمله «با این حال، این تصور از هنرمند، به عنوان یک نابغه منزوی، به زودی منسوخ شد» با توجه به کلمه‌های نابغه و منزوی در جمله فوق و شروع جمله با اصطلاح «با این حال» بهترین محل برای قرار گرفتن جمله فوق، متن شماره [۴] است.

بخش دوم: استدلال منطقی

۹- گزینه «۱» به وضوح در متن اشاره شده است که گسترش میدان فردی نوعی از خودبیگانگی را رقم می‌زند. دقت کنید در سؤالات «استنباط از متن» باید به دنبال گزینه‌ای باشید که صرفاً از آن متن استخراج می‌شود نه اینکه برداشت خود از متن و یا مثلاً گزینه‌های احتمالی که شاید نویسنده متن آن‌ها را قبول دارد، به عنوان گزینه صحیح در نظر بگیرید.

۱۰- گزینه «۴» قسمت اول یک واقعیت و تا حدی یک ادعا است، بنابراین گزینه‌های (۲) و (۳) غلط هستند، قسمت دوم دلیل این واقعیت را بیان می‌دارد، پس گزینه (۱) هم غلط است.

۱۱- گزینه «۲» واضح است در سؤالات «فرض پنهان» دنبال گزینه‌های نتیجه‌گیری از متن و یا نظایر آن نیستیم، گزینه‌های (۱) و (۴) چنین شرایطی دارند. گزینه (۳) هم نمی‌تواند فرض خانم «الف» در نظر گرفته شود؛ چون اتفاقاً این خانم به دو جامعه آماری مختلف که اختلاف معناداری با هم دارند اشاره کرده است. گزینه (۲) بسیار واضح فرض پنهان سؤال است، چون اگر افراد شرکت‌کننده واقعیت را بیان نکنند، دیگر تحقیق‌ها و مطالعات هیچ اعتباری ندارد. پس خانم «الف» فرض کرده است که افراد شرکت‌کننده در تحقیق واقعیت را بیان کرده‌اند.

۱۲- گزینه «۲» نویسنده سعی دارد بگوید آثار هنری باکیفیت وقتی تأثیرگذار هستند که پیام را به‌طور مستقیم و توصیه‌ای و دستوری بیان نکرده باشند. دنبال این هستیم که این نظریه را تضعیف کنیم، به وضوح گزینه (۲) این کار را کرده است؛ چون می‌گوید هنری که مخاطبش کودکان هستند وقتی تأثیرگذار است که پیامش را مستقیم و توصیه‌ای منتقل کند. یعنی دقیقاً مخالف نظر نویسنده متن!

۱۳- گزینه «۴» در متن گفته شده؛ فرزند اول بعد از به دنیا آمدن فرزندان دیگر در خانواده جایگاه خود را از دست می‌دهد و مجبور می‌شود برای حق خود بجنگد و از این موضوع نتیجه‌گیری می‌شود بعداً شخصیتی محافظه‌کار و مخالف در جامعه پیدا می‌کند. خوب، دنبال ایراد این استدلال هستیم. گزینه (۴) جدی‌ترین ایراد به این استدلال است چون تعمیم مبالغه‌آمیز (از وضعیت یک فرد در خانواده به جامعه) را صحیح نمی‌داند. البته شاید کمی تأثیر داشته باشد ولی این رابطه مستقیم و تعمیم صددرصدی (مبالغه‌آمیز) ایراد بزرگ استدلال است.

۱۴- گزینه «۳» به وضوح عبارت داده شده در گزینه (۳) می‌تواند در ادامه متن قرار گیرد.

۱۵- گزینه «۱» همان‌طور که در سراسر متن مشاهده می‌کنید بحث در مورد «بدترین رذیلت اخلاقی از نظر ارسطو» است. گزینه‌های دیگر به هیچ وجه نمی‌توانند موضوع اصلی متن باشند.

### بخش سوم: سؤالات تحلیلی

- اطلاعات اولیه مسئله:

پنج کارمند A, B, C, D و E / پنج برگه رأی / هر برگه شامل نام دو نفر دیگر - محدودیت‌ها و قیود مسئله:

۱- نه A نام E را نوشته و نه E نام A را.

۲- B و D روی یک برگه نوشته نشده.

۳- نام یک نفر در هیچ برگه‌ای نیست.

۴- دو نفر بیشترین رأی را از نظر ۴ نفر دیگر خواهند داشت. ← بیشترین رأی ۴ و مربوط به دو نفر از سه نفر B, C و D. با توجه به اطلاعات مسئله و سؤالات مطرح‌شده می‌توان جدول زیر را برای این مسئله ترسیم نمود:

نام کارمند	A	B	C	D	E
رأی					

شامل A نیست →

شامل E نیست ↙

۱۶- گزینه «۳» اگر C نام A و B را نوشته باشد، پس بیشترین رأی می‌تواند مربوط به B و C بوده و نام D یا E در هیچ برگه‌ای نباشد. در نتیجه نام B و C باید در چهار برگه نوشته شود.

نام کارمند	A	B	C	D	E
رأی	B,C	C	A,B	B,C	B,C

بنابراین رأی دیگر نفر B می‌تواند D یا E باشد (اگر نام D در هیچ برگه‌ای نباشد، انتخاب دوم نفر B، کارمند E است و اگر نام E در هیچ برگه‌ای نباشد، انتخاب دوم نفر B، کارمند D خواهد بود). پس از ۸ نام ممکن در چهار برگه چهار نفر دیگر، نام ۷ نفر به‌طور قطع مشخص می‌شود.

۱۷- گزینه «۴» اگر یک نفر نام D و E را نوشته باشد آن یک نفر یا B است و یا C. چون خواسته سؤال نام‌های نوشته‌شده توسط B می‌باشد و در هیچ گزینه‌ای نام D و E آورده نشده است. پس نام D و E فقط توسط C نوشته شده است. در نتیجه بیشترین رأی مربوط به C و D خواهد بود و نام A یا B در هیچ برگه‌ای نوشته نشده است.

نام کارمند	A	B	C	D	E
رأی	D,C	D,C	D,E	C	D,C

انتخاب دوم نفر D نیز می‌تواند A (اگر نام B در هیچ برگه‌ای نباشد) یا B (نام A در هیچ برگه‌ای نباشد) باشد. در نتیجه B در برگه‌اش نام C و D را نوشته است.

۱۸- گزینه «۲» اگر فقط یک نفر نام B و C را با هم نوشته باشد. این یک نفر می‌تواند A یا D یا E باشد. با توجه به قید ۲، نام B و D روی یک برگه نوشته نمی‌شود. پس بیشترین رأی مربوط به C و D خواهد بود. پس برای این‌که این حالت اتفاق بیفتد نام B و C باید فقط توسط D روی یک برگه نوشته شده باشد.

نام کارمند	A	B	C	D	E
رأی	C,D	C,D	D	B,C	C,D

در نتیجه C فقط نام D را به طور قطع در برگه خود نوشته است و انتخاب دوم C از بین A و E می باشد (اگر انتخاب دوم C، کارمند A باشد نام E در هیچ برگه ای نخواهد بود و اگر انتخاب دوم C، کارمند E باشد نام A در هیچ برگه ای نخواهد بود).

۱۹- گزینه «۱» اگر نام A در برگه B نوشته شده باشد، پس B و C بیشترین رأی را خواهند داشت و نام D در هیچ برگه ای نخواهد بود. در نتیجه نام C در برگه ۴ نفر نوشته شده است.

نام کارمند	A	B	C	D	E
رأی	B, C	A, C	B, E	B, C	B, C

- اطلاعات اولیه مسئله:

چهار مهمان به نام های A، B، C و D سه نوع نوشیدنی: چای، قهوه و شیر / دو نفر سفارش یکسان محدودیت ها و قیود مسئله:

۱- مهمان اول چایی / دومین مهمان D نیست.

۲- بلافاصله پس از A برای یک نفر قهوه آورده می شود.

۳- C بین دو مهمان با نوشیدنی مشابه قرار دارد ← C نفر دوم یا سوم است.

با توجه به اطلاعات مسئله و سؤالات مطرح شده می توان جدول زیر را برای حل این سؤالات رسم نمود و قیود ثابت را در آن مشخص کرد:

ترتیب سفارش	۱	۲	۳	۴	
نام مهمان					D نیست
نوع نوشیدنی	چایی				

C

۲۰- گزینه «۳» اگر برای سومین مهمان شیر آورده شود:

با توجه به قید شماره ۳، مهمان C نفر دوم یا سوم است و بین دو مهمان با نوشیدنی مشابه قرار می گیرد. پس نمی تواند نفر دوم باشد و الزاماً نفر سوم است. در نتیجه نوشیدنی نفر دوم و چهارم باید مشابه و از نوع قهوه باشد. بنابراین، سومین مهمان که برای آن شیر آورده شده، C است.

ترتیب سفارش	۱	۲	۳	۴
نام مهمان			C	
نوع نوشیدنی	چایی	قهوه	شیر	قهوه

۲۱- گزینه «۱» اگر D سفارش شیر داده باشد:

با توجه به قید شماره ۳، مهمان C نفر دوم یا سوم است و بین دو مهمان با نوشیدنی مشابه قرار می گیرد. پس می توان دو حالت زیر را در نظر بگیریم:

ترتیب سفارش	۱	۲	۳	۴
نام مهمان	A	C	B	D
نوع نوشیدنی	چایی	قهوه	چایی	شیر

حالت اول

ترتیب سفارش	۱	۲	۳	۴
نام مهمان	B	A	C	D
نوع نوشیدنی	چایی	شیر	قهوه	شیر

حالت دوم

در حالت اول، C بین دو مهمان با نوشیدنی مشابه قرار دارد. پس نفر دوم نیز چایی سفارش داده است. در نتیجه نفر چهارم D خواهد بود که شیر سفارش داده و سفارش نفر دوم نیز قهوه می باشد. با توجه به قید ۲، پس از A برای یک نفر قهوه آورده می شود. بنابراین سفارش اول مطلق به A بوده و سفارش دوم نیز مربوط به B می باشد. در نتیجه در این حالت نوع نوشیدنی هر چهار نفر به طور قطع مشخص است.

در حالت دوم، C نفر سوم بوده و بین دو مهمان با سفارش مشابه قرار دارد. با توجه به قید ۱، تنها جایگاه برای D، سفارش چهارم می باشد. بنابراین، نوع نوشیدنی نفر دوم نیز باید شیر باشد و نفر سوم قهوه سفارش داده است. همچنین با توجه به قید ۲، سفارش دوم مربوط به A است که بلافاصله بعد از آن، قهوه آورده شده است و سفارش اول نیز مربوط به B می باشد. در این حالت نیز نوع نوشیدنی هر چهار نفر به طور قطع مشخص می شود.

در نهایت با مقایسه دو حالت به دست آمده می توان گفت نوع سفارش سه نفر از این چهار نفر به طور قطع مشخص می باشد: B چایی، C قهوه، D شیر.

در نتیجه به غیر از D، نوع نوشیدنی ۲ نفر دیگر از مهمان ها به طور قطع مشخص می باشد.

۲۲- گزینه «۲» اگر پس از D فقط برای یک نفر دیگر نوشیدنی آورده شود یعنی D نفر سوم می‌باشد. با توجه به قید ۳، C نفر دوم یا سوم می‌باشد که در این حالت C نفر دوم خواهد بود. همچنین C بین دو نفر با سفارش مشابه قرار دارد، پس سفارش نفر سوم که D می‌باشد نیز چایی است. اکنون با توجه به قید ۲، بلافاصله پس از A برای یک نفر قهوه آورده می‌شود. پس A در جایگاه اول قرار می‌گیرد و سفارش نفر دوم قهوه می‌باشد. در نهایت B سفارش چهارم بوده و نوع نوشیدنی آن شیر است.

ترتیب سفارش	۱	۲	۳	۴
نام مهمان	A	C	D	B
نوع نوشیدنی	چایی	قهوه	چایی	شیر

۲۳- گزینه «۴» اگر بلافاصله پس از D برای C نوشیدنی آورده شود، پس D و C پشت سر هم قرار می‌گیرند. C نفر دوم یا سوم است. پس D نفر اول یا دوم می‌باشد. با توجه به قید ۱، D نفر دوم نمی‌باشد. در نتیجه تنها جایگاه D، نفر اول بوده و C نفر دوم است.

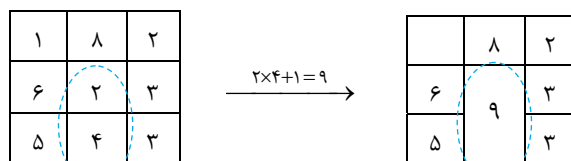
ترتیب سفارش	۱	۲	۳	۴
نام مهمان	D	C	A	B
نوع نوشیدنی	چایی	شیر	چایی	قهوه

C بین دو مهمان با نوشیدنی مشابه قرار دارد. در نتیجه نوع نوشیدنی نفر سوم نیز چایی است. با توجه به قید ۲، بلافاصله پس از A برای یک نفر قهوه آورده می‌شود. پس A نفر سوم بوده و برای نفر چهارم که B می‌باشد قهوه آورده می‌شود. همچنین نوع نوشیدنی C متفاوت با دیگری خواهد بود. با توجه به اطلاعات به دست آمده فقط گزینه (۴) صحیح است (A چایی سفارش داده است).

### بخش چهارم: حل مسئله

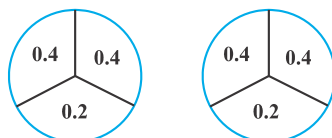
۲۴- گزینه «۴» شکل بعدی به این شکل پدید می‌آید:

دو مربع کوچک از شکل قبل انتخاب شده، اعداد آن در هم ضرب شده و با عدد یک جمع می‌شوند. این عدد درون یک مستطیل در شکل جدید نمایش داده می‌شود، مثلاً برای شکل دوم داریم:



بنابراین در شکل آخر داریم:  $6 \times 5 + 1 = 30 + 1 = 31 \Rightarrow ? = 31$

۲۵- گزینه «۳» با توجه به این که دو قرص نان هم اندازه و یکسان هستند، می‌توان مساحت هریک را برابر ۱ در نظر گرفت؛ در این صورت مجموع مساحت تکه نان‌ها باید برابر ۲ شود. با تقسیم ۲ بر ۵ (۲ قرص نان بین ۵ نفر) سهم هر نفر  $\frac{2}{5} = 0.4$  می‌شود. مسئله حداقل تکه نان‌ها را می‌خواهد. پس با استفاده از گزینه‌ها، ابتدا به سراغ کمترین گزینه که برابر ۵ است، می‌رویم. تقسیم ۵ تکه نان به دو صورت امکان‌پذیر است. یکی از نان‌ها سه تکه و دیگری دو تکه شود و یا یکی از نان‌ها چهار تکه و نان دیگر یک تکه باشد. در این صورت توزیع نان‌ها بین پنج نفر به‌طور مساوی نخواهد بود. گزینه بعدی برابر ۶ است. برای تقسیم ۲ نان به ۶ تکه می‌توان حالتی را در نظر گرفت که هر نان به سه تکه تقسیم شود:



در نتیجه چهار تکه نان  $0.4$  و دو تکه نان  $0.2$  داریم (که مجموع این دو تکه  $0.2$  برابر  $0.4$  می‌شود). پس در کل می‌توان به پنج نفر هر کدام  $0.4$  نان داد.

۲۶- گزینه «۱»

**روش اول:** در ابتدا دانش‌آموزان در سه صف به نسبت‌های ۳ به ۴ به ۷ قرار دارند. در ادامه، این سه صف به چهار صف تبدیل می‌شوند به طوری که تعداد افراد هر صف برابر است. می‌توان فرض کرد از ابتدا چهار صف داشته‌ایم که یکی از آن‌ها خالی بوده است. اکنون با جابه‌جایی نفرات از سه صف دیگر، چهار صف با تعداد نفرات یکسان تشکیل شده است. با توجه به نسبت و تناسب‌های داده‌شده می‌توان گفت: در حالت دوم چهار صف که هر کدام شامل  $n$  نفر است داریم که در مجموع  $4n$  نفر خواهیم داشت. چون تعداد نفرات در هر دو حالت برابر است، پس خواهیم داشت:

	حالت اول	حالت دوم	
صف اول	$3 \rightarrow 3k$	$3/\Delta k$	$14k = 4n \rightarrow n = \frac{14}{4}k \rightarrow n = 3/\Delta k$
صف دوم	$4 \rightarrow 4k$	$3/\Delta k$	
صف سوم	$7 \rightarrow 7k$	$3/\Delta k$	
صف چهارم	$0 \rightarrow 0$	$3/\Delta k$	
مجموع نفرات	$14k$	$14k$	

به عبارت دیگر، در حالت دوم هر صف دارای  $3/\Delta k$  نفر است.

پس تغییرات ایجادشده در سه صف برابر تشکیل چهار صف برابر است با:

صف اول	$3k \xrightarrow{+0/\Delta k} 3/\Delta k$
صف دوم	$4k \xrightarrow{-0/\Delta k} 3/\Delta k$
صف سوم	$7k \xrightarrow{-3/\Delta k} 3/\Delta k$
صف چهارم	$0 \xrightarrow{+3/\Delta k} 3/\Delta k$

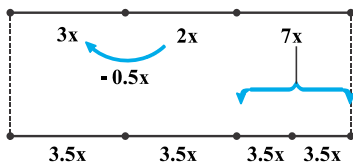
به عبارت دیگر در مجموع  $0/\Delta k$  نفر از صف دوم به صف اول و  $3/\Delta k$  نفر از صف سوم به صف چهارم جابه‌جا شده‌اند. پس  $0/\Delta k + 3/\Delta k = 4k$  جابه‌جا می‌شوند.

$4k = 16 \rightarrow k = 4$

با توجه به اطلاعات مسئله، تعداد نفرات جابه‌جا شده برابر ۱۶ نفر است. پس داریم:

$3k = 3 \times 4 = 12$

تعداد نفرات کوتاه‌ترین صف در ابتدا برابر ۳ بوده است. در نتیجه خواهیم داشت:



**روش دوم:** نسبت تعداد افراد حاضر در صف  $3-4-7$  است. برای راحتی  $3x, 4x, 7x$  در نظر می‌گیریم:

تعداد کل =  $3x + 4x + 7x = 14x$

تعداد افراد حاضر در هر صف در حالت دوم =  $\frac{14x}{4} = 3/\Delta x$

برای اینکار لازم است  $0/\Delta x$  نفر از صف دوم به صف اول بروند و افراد حاضر در صف سوم، نصف شوند و به صف چهارم بروند در کل  $0/\Delta x + 3/\Delta x = 16$  جابه‌جا می‌شوند:

$3/\Delta x + 3/\Delta x = 16$

$4x = 16 \rightarrow x = 4$

تعداد افراد حاضر در کوتاه‌ترین صف در حالت اول  $3 \times 4 = 12 \rightarrow$

۲۷- گزینه «۱» با توجه به اطلاعات مسئله می‌توان گفت ۴۵٪ از برنج داخل کیسه در مدت ۶ روز و هر روز ۹ پیمانه مصرف شده است. پس مقدار برنج

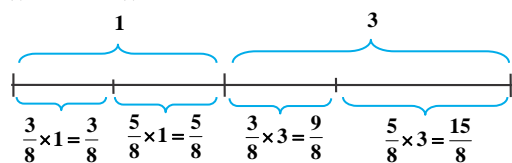
باقی‌مانده برابر  $100 - 45 = 55$  درصد می‌باشد. با نوشتن رابطه‌ای بین اطلاعات داده شده داریم:

درصد برنج	پیمانه برنج	
۴۵٪	$6 \times 9 = 54$	$\rightarrow 54 \times \%55 = 66$
۵۵٪	?	$\%45$

۲۸- گزینه «۳» در ابتدا ریسمان را به نسبت ۱ به ۳ تقسیم می‌کنیم. اگر طول اولیه ریسمان را ۴ در نظر بگیریم، دو تکه ریسمان به طول‌های ۱ و ۳ داریم.

در ادامه هر کدام از دو تکه ریسمان را به نسبت ۳ به ۵ تقسیم می‌کنیم. به عبارت دیگر هر ریسمان به ۸ تکه تقسیم می‌شود که یک تکه  $\frac{3}{8}$  و دیگری  $\frac{5}{8}$

طول اولیه آن ریسمان را خواهد داشت. بنابراین داریم:



$$\text{الف) طول بلندترین تکه ریسمان} = \frac{15}{8}$$

$$\text{ب) برابر کوتاه‌ترین تکه ریسمان} = \frac{3}{8} \times 5 = \frac{15}{8}$$

در نتیجه دو ستون (الف) و (ب) با یکدیگر برابر هستند و گزینه (۳) صحیح است.

۲۹- گزینه «۲» برای سادگی مسئله، چون تعداد کل دانشجویان جدیدالورود مشخص نیست، می‌توان تعداد دانشجویان جدیدالورود را ۱۰۰ نفر در نظر

گرفت. با توجه به این‌که نسبت دانشجویان جدیدالورود حضوری به غیرحضوری برابر ۳ به ۲ است، می‌توان تعداد دانشجویان جدیدالورود حضوری و

غیرحضوری را مشخص نمود:

	نسبت	تعداد
دانشجویان جدیدالورود حضوری	۳	x
دانشجویان جدیدالورود غیرحضوری	۲	y
کل دانشجویان جدیدالورود	۵	۱۰۰

$$\text{تعداد دانشجویان جدیدالورود حضوری} = x = \frac{100}{5} \times 3 = 60$$

$$\text{تعداد دانشجویان جدیدالورود غیرحضوری} = y = \frac{100}{5} \times 2 = 40$$

با توجه به نمودار شماره (۲)، سهم دانشجویان جدیدالورود غیرحضوری رشته «د» برابر ۲۵٪ است، پس می‌توان گفت:

$$10 = 25\% \times 40 = \text{تعداد دانشجویان غیرحضوری جدیدالورود رشته «د»}$$

و با توجه به نمودار شماره (۱)، تعداد دانشجویان جدیدالورود رشته‌های «الف» و «د» برابر است با:

$$50 = 45\% \times 100 + 5\% \times 100 = \text{تعداد دانشجویان جدیدالورود رشته‌های «الف» و «د»}$$

در نتیجه خواهیم داشت:

$$\frac{\text{تعداد دانشجویان غیرحضوری جدیدالورود رشته «د»}}{\text{تعداد دانشجویان جدیدالورود رشته‌های «الف» و «د»}} \times 100 = \frac{10}{50} \times 100 = 20\%$$

۳۰- گزینه «۴» با توجه به اطلاعات به‌دست آمده در سؤال قبل، ۴۰ نفر دانشجوی غیرحضوری جدیدالورود داریم که سهم رشته «ب» برابر ۳۵٪ یا ۱۴ نفر است.

$$14 = 35\% \times 40 = \text{تعداد دانشجوی غیرحضوری جدیدالورود رشته «ب»}$$

با توجه به نمودار شماره (۱)، کل دانشجویان جدیدالورود رشته «ب» برابر ۱۵٪ یا ۱۵ نفر می‌باشد که از این ۱۵ نفر، ۱۴ نفر به صورت غیرحضوری و ۱

نفر به صورت حضوری ثبت‌نام کرده‌اند. در نتیجه؛  $\frac{1}{15}$  دانشجویان جدیدالورود رشته «ب» به صورت حضوری ثبت‌نام کرده‌اند.



سؤالات آزمون گروه علوم انسانی دکتری ۱۴۰۰

بخش اول: درک مطلب

■ راهنمایی: در این بخش، دو متن به طور مجزا آمده است. هریک از متن‌ها را به دقت بخوانید و پاسخ سؤال‌هایی را که در زیر آن آمده است، با توجه به آنچه می‌توان از متن استنتاج یا استنباط کرد، پیدا کنید و در پاسخنامه علامت بزنید.

متن (۱)

بدیو در مقاله شرایط (Conditions) در کتاب بیانیه فلسفه (Manifesto for Philosophy) می‌نویسد: «فلسفه در همه دوره‌های تاریخی وجود ندارد؛ مسیر وجود فلسفه در زمان و مکان، دچار گسست‌ها و عدم تداوم‌هاست؛ بنابراین باید فرض کنیم که فلسفه نیازمند شرایط خاصی است». این شرایط، همان چهار حوزه‌ای هستند که بدیو آنها را فرایندهای تولید حقیقت می‌خواند: سیاست، هنر، علم و عشق. فلسفه برای وجودش به حقیقت نیازمند است، زیرا حقیقت حیاتی‌ترین مقوله فلسفه است که از نظر بدیو، متمایزکننده آن از رقیب دیرینه‌اش، سفسطه است. اما حقیقت در فلسفه، تنها یک مقوله تهی است. خود فلسفه، حقیقتی تولید نمی‌کند. حقایق تنها در همان چهار حوزه تولید می‌شوند. حقایق تولیدشده در این حوزه‌ها، در واقع آثار، کنش‌ها و ابدعانی هستند که متعاقب یک رخداد یا گسست در ساختار موجود هر کدام از حوزه‌ها، توسط وفاداران به رخداد، تولید و ایجاد شده‌اند: «من فرایند واقعی وفاداری به یک رخداد را «حقیقت» (یک حقیقت) می‌خوانم: آنچه که این وفاداری در وضعیت تولید می‌کند». کاری که فلسفه می‌کند، این است که حقایق تولیدشده در بیرون از قلمرو خود را در ذیل مقوله حقیقت و به عنوان حقیقت عرضه می‌کند و نشان می‌دهد. بنابراین، در دایره قدرت فلسفه نیست که حقیقت را بسازد یا کشف کند و آن را بر هنر یا هر کدام از شرط‌ها تحمیل کند؛ بلکه وظیفه‌اش نشان دادن حقیقت در تمایز از ناحقیقت است.

بدیو در جای‌جای آثار خود، از ارجاع به هنرها و آثار هنری، از نقاشی گرفته تا تئاتر و رقص فروگذار نمی‌کند، اما توجه او، به ویژه به شعر است و به همین دلیل است که گاه، فلسفه خود را به طور خاص تحت شرط شعر و حتی به نحو اخص تحت شرط شعر مالارمه (Mallarme) می‌خواند. او همچنین در کتاب دولوز؛ غوغای وجود، در تمایزگذاری بین اندیشه خود و دولوز می‌نویسد: «من مالارمه‌ای هستیم: وجود باماهو وجود تنها ترکیب کثیر خلأ است، اما فقط به سبب وقوع رخداد است که حقایقی از این خلأ یا بنیاد تهی می‌توانند وجود داشته باشند». اما در عین حال، سایر هنرها و سایر شاعران نیز از آنچه او مشروط کردن فلسفه خودش می‌خواند، محروم نیستند. بکت (Beckett) نویسنده، هیوبرت رابرت (Hubert Robert) نقاش و شاعران دیگری مثل پل والری (Paul Valery) و لبید بن ربیعه در کنار مالارمه، از جمله هنرمندانی هستند که بدیو، با پرداختن به آثار آنها، فلسفه‌اش را به ادعای خود، تحت شرط هنر قرار می‌دهد. اما این پرداختن، دقیقاً چگونه است و یا به عبارت دیگر، فلسفه بدیو چه نوع استفاده‌ای از این آثار هنری می‌کند؟

۱- موضوع اصلی که متن به آن می‌پردازد، کدام است؟

- ۱) نگرشی خاص به فلسفه  
 ۲) تأثیر هنر در اندیشه فلسفی بدیو  
 ۳) خلأ حقیقت در اندیشه فلسفی معاصر  
 ۴) تمایز فلسفه از سیاست، هنر، علم و عشق

۲- کدام مورد در خصوص حقیقت، طبق نظر بدیو، صحیح است؟

- ۱) حاصل کنش و واکنش متقابل میان پدیده‌های فلسفی و پدیده‌های مشابه در حوزه‌های چهارگانه است.  
 ۲) هر پدیده‌ای از حوزه‌های چهارگانه که بتواند در فلسفه، شکل حقیقت به خود بگیرد را شامل می‌شود.  
 ۳) حاصل گسست در ارتباط فی‌مابین شرایط یا همان حوزه‌های چهارگانه است.  
 ۴) حاصل وفاداری به یک رخداد در سیاست، هنر، علم و عشق است.

کله ۳- طبق متن، کدام مورد درخصوص بکت، هیوبرت رابرت، پل والر و لیبید بن ربیعه، صحیح است؟

- ۱) فراگیر بودن مفهوم هنر از دیدگاه بدیو را روشن می‌سازند.
- ۲) منحصر به فرد بودن دیدگاه فلسفی بدیو را زیر سؤال می‌برند.
- ۳) افرادی هستند که بدیو با پرداختن به آثار آنها، فلسفه خود را تحت شرط هنر قرار می‌دهد.
- ۴) به نوعی نماینده چهار حوزه مفروضی هستند که بدیو، آن حوزه‌ها را در مجموع، شرایط می‌نامد.

کله ۴- کدام مورد، به احتمال بیشتر، موضوع پاراگراف بعدی متن است؟

- ۱) دلیل گزینش هنر توسط بدیو، به عنوان محملی برای فلسفه
- ۲) بررسی نحوه تأثیر «شرایط» در کارهای بدیو
- ۳) نحوه تجلی آثار هنری در کار بدیو
- ۴) نقدی بر تفکر فلسفی بدیو

### متن (۲)

یادگیری مشارکتی یکی از روش‌های نوین آموزش و یادگیری و یک روش آموزشی یادگیرنده محور است. این شیوه آموزش، متأثر از رویکرد سازگرای اجتماعی است و به‌ویژه از نظریه ویگوتسکی، ناشی شده است. به اعتقاد ویگوتسکی از آنجا که دانش حاصل کنش در بافت اجتماعی است، یادگیری از طریق تعامل با دیگران حاصل می‌شود و طی آن، دانش‌آموزان با کمک معلم و همسالان با تجربه‌تر در پهنه تقریبی رشد خود، پیشرفت نموده و از سطح بالفعل کنونی به سطح پتانسیل خود می‌رسند. در این صورت، باید موقعیت‌های آموزشی مبتنی بر تعامل را فراهم نمود تا یادگیرندگان در ارتباط میان‌ذهنی با دیگران، این فرصت را به دست آورند که به کمک دیگری، درک خود را ارزیابی نموده، تصحیح کنند و شناخت خود را ارتقا دهند. [۱] از این رو، در الگوی یادگیری مشارکتی، بر پایه دو اصل مهم وابستگی درونی مثبت و مسئولیت گروهی، به تدارک فرصت همکاری در گروه‌های کوچک ناهمگن پرداخته و شاگردان را تشویق می‌کنند تا در همکاری با دیگران، برای موفقیت گروه خود تلاش کنند. [۲] مطابق با این الگو، دانش‌آموزان در قالب گروه‌های کوچک عمدتاً چهار یا پنج نفری، برای رسیدن به هدف مشترک، با هم کار می‌کنند و علاوه بر اینکه مسئول یادگیری خود هستند، در برابر یادگیری دیگران نیز احساس مسئولیت می‌کنند. پیشرفت تحصیلی، شرکت فعال‌تر فراگیران در جریان یادگیری، مسئولیت‌پذیری بیشتر برای آموختن و یادگیری خویش، کوتاه‌تر شدن زمان انجام تکالیف، کاهش چشمگیر مشکلات انضباطی، علاقه‌مندی بیشتر و پرورش نگرش مثبت به یادگیری، درس و مدرسه، هم‌درسان و خود و فرصت بیشتر معلم برای مشاهده و ارزیابی یادگیری‌های دانش‌آموزان، از مزایای مهم این شیوه آموزشی است. [۳] افزون بر آن، پژوهش‌ها نشان داده که دانش‌آموزان از میان انواع روش‌های تدریس و یادگیری، روش یادگیری مشارکتی که مبتنی بر همیاری و همکاری گروهی است را ترجیح می‌دهند. چرا که به نظر آنها، معلمی که از این شیوه استفاده می‌کند، فرصت بیشتری را برای همه فراهم می‌کند، منصف‌تر است و کلاس، فضای راحت‌تری دارد. [۴] به‌واقع، از یک سو دانش‌آموزان از این شانس برخوردارند که برای فهمیدن مطالب درسی و حل تمرین‌ها، از هم‌گروهی‌های خود در کلاس و با نظارت معلم کمک بگیرند که این موقعیت، در آموزش سنتی فراهم نیست. از سوی دیگر، معلمان علاوه بر اینکه در کار گروهی، دیگر مجبور نیستند به‌طور دائم، تک‌تک افراد کلاس را متوجه انجام تکالیف و وظایف خود کنند، فضای بهتر تعامل را فراهم نموده و نگرش مثبت شاگردان نسبت به خود را به دست می‌آورند.

کله ۵- کدام مورد را می‌توان درباره روش یادگیری مشارکتی، به‌درستی از متن استنباط کرد؟

- ۱) فضای درونی گروه‌های یادگیری در این شیوه، به‌گونه‌ای است که افراد هر گروه، به‌واقع همان تجربیاتی را تمرین می‌کنند که بعداً در کنش اجتماعی، با آن مواجه خواهند شد.
- ۲) فضای کلاسی راحت‌تری که با اتخاذ این شیوه آموزشی حاصل می‌شود، حاصل دخالت کمتر معلم در فرایند یادگیری و اعتماد به دانش‌آموزان است.
- ۳) معلمی که منصف نباشد، در روند کار با این شیوه، تغییر منش می‌دهد؛ چون در غیراین صورت، مورد پذیرش دانش‌آموزان قرار نمی‌گیرد.
- ۴) در این شیوه، افراد هر گروه یادگیری، نسبت به تصحیح خطای دیگر اعضای گروه، احساس مسئولیت می‌کنند.

۶- کدام مورد در خصوص ویژگی گروه‌های یادگیری، در متن مورد اشاره قرار نگرفته است؟

- ۱) باعث رشد بیشتر حس مسئولیت گروهی در مقابل مسئولیت فردی می‌شوند.
- ۲) از نظر تعداد اعضا، کوچک هستند.
- ۳) مورد اقبال دانش‌آموزان هستند.
- ۴) ناهمگن هستند.

۷- اطلاعات کافی برای پاسخ به کدام سؤال زیر، در متن موجود است؟

- ۱) چه عاملی باعث شد که ویگوتسکی به این نتیجه برسد که یادگیری، حاصل کنش در بافت اجتماعی است؟
- ۲) ایجاد موقعیت‌های آموزشی مبتنی بر تعامل، چگونه به دانش‌آموزان کمک می‌کند تا شناخت خود را بالا ببرند؟
- ۳) نحوه ارزیابی معلم از دانش‌آموزان در یادگیری مشارکتی، چه تفاوت عمده‌ای با ارزیابی کلاسی در آموزش سنتی دارد؟
- ۴) چه عامل یا عواملی سبب می‌شوند که مشکلات انضباطی در روش مشارکتی یادگیری، کاهش چشمگیر داشته باشند؟

۸- کدام محل در متن فوق که با شماره‌های [۱]، [۲]، [۳] و [۴] مشخص شده‌اند، بهترین محل برای قرار گرفتن جمله زیر است؟

«به این ترتیب، در یادگیری مشارکتی، دانش‌آموزان و معلم، هر دو از کاربرد آن بهره می‌برند.»

- ۱) [۱]      ۲) [۲]      ۳) [۳]      ۴) [۴]

### بخش دوم: استدلال منطقی

■ **راهنمایی:** برای پاسخگویی به سؤال‌های این بخش، لازم است فقط موقعیتی را که در هر سؤال مطرح شده، مورد تجزیه و تحلیل قرار دهید و سپس گزینه‌ای را که فکر می‌کنید پاسخ مناسب‌تری برای آن سؤال است، انتخاب کنید. هر سؤال را با دقت بخوانید و با توجه به مطالب مطرح شده در هر سؤال و نتایجی که بیان شده و بیان نشده ولی قابل استنتاج است، پاسخی را که صحیح‌تر به نظر می‌رسد، انتخاب و در پاسخنامه علامت بزنید.

۹- به نظر می‌رسد والدین انگیزه دارند تا فرزندان خود را به بهترین وجه، برای جهانی که احتمالاً در آن باید مستقلانه زندگی کنند، آماده نمایند. آنچه در یک فرهنگ کار می‌کند، لزوماً در فرهنگ دیگر نمی‌تواند خوب باشد؛ اما هرچه دنیای ما به هم پیوند می‌خورد، این تنوع رویکردهای فرزندپروری، ممکن است کاهش یابد. در حقیقت، بیشتر کشورهای طی ۵۰ سال گذشته، فردگراتر شده‌اند و این تحول، در کشورهایی که بیشترین توسعه اقتصادی را تجربه کرده‌اند، بارزتر است. کدام مورد زیر را نمی‌توان به درستی، از متن فوق، استنباط کرد؟

- ۱) نحوه فرزندپروری، تحت تأثیر فرهنگ جامعه مربوطه قرار دارد.
- ۲) به نظر می‌رسد که میان فردگرایی و توسعه اقتصادی، نوعی همبستگی وجود دارد.
- ۳) با تحولات اقتصادی، فرایند فرزندپروری نیز به شکل آرمانی خود، نزدیک‌تر می‌شود.
- ۴) ویژگی‌های فرزندپروری در هر جامعه‌ای، در طول زمان، ممکن است دچار تغییر شود.

۱۰- درحالی‌که گه‌گاه مقالاتی در تکذیب گرم شدن کره زمین چاپ می‌شوند، دانشمندان ۱۰ عامل مهم که گرم شدن کره زمین را اثبات می‌کند، به‌عنوان عوامل غیرقابل‌انکار این پدیده اعلام کردند. دانشمندان، بدون اشاره به عامل اصلی این پدیده، اعلام کردند شکی وجود ندارد که زمین از سال ۱۹۸۰ تاکنون، بیشتر از حد انتظار، گرم شده است. این گزارش می‌تواند تأییدی بر بیانیه مجمع بین‌الدول تغییر اقلیم سازمان ملل باشد که در سال ۱۹۹۷ اعلام کرد به احتمال ۹۰ درصد، این پدیده در حال وقوع است و باید همه کشورها دست به‌دست هم دهند و آن را متوقف سازند.

کدام مورد، فرض مستتر در بیانیه مجمع بین‌الدول تغییر اقلیم سازمان ملل است؟

- ۱) برای پدیده گرمایش زمین، راه‌حل وجود دارد.
- ۲) هر مشکل جهانی، تنها راه‌حلی جهانی دارد.
- ۳) کشور یا کشورهای خاصی را نباید مسئول گرمایش زمین دانست.
- ۴) یافتن علت وقوع گرم شدن زمین، در صورت همکاری جمعی، کاری شدنی است.

**کله ۱۱-** متصدیان پارک «بهار»، به منظور افزایش جذابیت و جلب افراد بیشتر به پارک، اقدام به سرمایه‌گذاری جهت ایجاد زمین بازی بزرگی برای کودکان کردند و بخشی از محل مخصوص پیاده‌روی پارک را به آن اختصاص دادند. اندکی پس از اجرای پروژه مذکور، تعداد مراجعین به این پارک کاهش یافت که از این بابت، دکه‌ها و فروشگاه‌های کوچک داخل پارک نیز متضرر شدند.

کدام مورد، به منطقی‌ترین وجه، تناقض ظاهری موجود در متن را مرتفع می‌سازد؟

- ۱) در محلی که پارک بهار قرار دارد، تفرجگاه‌های دیگری نیز وجود دارد که خانواده‌ها برای گذران اوقات فراغت خود، آنها را به پارک ترجیح می‌دهند.
- ۲) پارک بهار در یک شهرک بازنشستگان قرار دارد که کودکان کمی در آنجا زندگی می‌کنند و مردم شهرک از پارک، جهت جمع شدن دور هم و پیاده‌روی استفاده می‌کنند.
- ۳) از قدیم‌الایام، آخر هر هفته، مسابقه‌های مختلفی از جمله مسابقه دو و پیاده‌روی در پارک بهار، برگزار می‌شود تا مردم را به ورزش روزانه عادت دهد.
- ۴) در چند سال اخیر، پارک بهار تنها پارکی نبوده و نیست که با اجرای پروژه‌های نوآورانه و مردم‌پسند، سعی در جذب مخاطب کرده است.

**کله ۱۲-** هوا وزن دارد و به هر چیزی، فشار وارد می‌کند. بعضی بالن‌ها را با گاز هلیوم پر می‌کنند، چون هلیوم از هوا سبک‌تر است. بنابراین، اگر یک بالن را که از گاز هلیوم پر شده رها کنیم، به سرعت بالا می‌رود و سپس، ناگهان می‌ترکد. وقتی بالن بالا می‌رود، به سمت جاهایی حرکت می‌کند که فشار هوای کمتری دارد. در این حال، گاز داخل بالن در مقایسه با هوا، با قدرت بیشتری به دیواره‌های داخلی بالن فشار می‌آورد و سعی می‌کند، از بالن خارج شود. به این ترتیب، بالن ..... .

کدام مورد، به منطقی‌ترین وجه، جای خالی در متن را کامل می‌کند؟

- ۱) راهی غیر از رسیدن به تعادل ندارد
- ۲) کم‌کم باد می‌کند و بالاخره می‌ترکد
- ۳) نیز از کنترل خارج می‌شود
- ۴) از اوج گرفتن بازمی‌ایستد

**کله ۱۳-** به‌تنهایی نمی‌شود خواب دیدن خود را تحت کنترل درآوریم. اما به‌تازگی روان‌شناسان توانسته‌اند کابوس‌های وحشتناک را مهار و آنها را درمان کنند. در این روش، روان‌شناس از بیمار می‌خواهد وقتی کابوس می‌بیند، به تماشای آن ادامه دهد و تلاش کند آن را به هر آنچه دوست دارد، تغییر دهد. نتایج یک آزمایش انجام‌شده در این زمینه، از موفقیت ۷۰ درصدی این روش، پس از یک دوره درمان دو تا چهار هفته‌ای حکایت دارد.

کدام مورد، در صورتی که صحیح فرض شود، ادعای متن را زیر سؤال می‌برد؟

- ۱) آزمایش مورد اشاره در متن، توان کنترل رویاهای معمولی را نیز باید لحاظ کند.
- ۲) فرد یا افرادی که در آزمایش شرکت کردند، به درمانگر خود، اطمینان کامل داشتند.
- ۳) وقتی بیماران، به درستی یک روش درمانی باور داشته باشند، فارغ از آنکه آن روش چه باشد، بر بیماری‌شان غلبه می‌کنند.
- ۴) پایایی نتایج هر آزمایش در حوزه روان‌شناسی، با تکرار چندباره آن در شرایط یکسان مشخص می‌شود.

**کله ۱۴-** ما از همه مشتریان یک شعبه فروشگاه زنجیره‌ای خود نظرسنجی کردیم و همه آنها موافق بودند که شبانه‌روزی بودن فروشگاه، ایده بسیار خوبی است. لازم است هر چه سریع‌تر، برنامه‌ای برای ۲۴ ساعته کردن تمام شعب فروشگاه بریزیم.

خطای استدلالی متن فوق، کدام است؟

- ۱) تعبیر رابطه همبستگی به رابطه علت و معلول
- ۲) معلول را قبل از علت گذاشتن
- ۳) تعمیم نابه‌جا
- ۴) قیاس

**کله ۱۵-** شمارش از چپ، میان انسان‌ها رواج دارد و حتی در زبانی مانند زبان فارسی، که از سمت راست نوشته و خوانده می‌شود، نوشتن اعداد متفاوت بوده و از چپ به راست است. دانشمندان مدعی‌اند که انسان‌ها و حیوانات، به‌صورت غریزی، از سمت چپ به راست شمارش می‌کنند، زیرا نیمکره راست مغز که اطلاعات را پردازش می‌کند، انجام فعالیت‌های بصری را به‌عهده دارد. از این‌رو، این‌طور به‌نظر می‌رسد که رفتار شمارش اعداد از سمت چپ، بیشتر رفتاری غریزی باشد تا اکتسابی.

کدام مورد، در صورتی که صحیح فرض شود، ادعای متن را به بهترین وجه تقویت می‌کند؟

- ۱) تلاش‌های مکرر در عادت دادن افراد به شمارش از سمت راست، بی‌فایده بوده است.
- ۲) بسیاری از رفتارهایی که در انسان غریزی هستند، در حیوانات نیز کاملاً غریزی هستند.
- ۳) امروزه به کمک فناوری‌های جدید، می‌توان تأثیر فعالیت‌های مغزی در تعیین رفتار موجودات را توضیح علمی داد.
- ۴) در شرایطی که افراد در حین دیدن یک فیلم آموزشی باید نکته‌برداری کنند، آنان از اعداد برای نشان دادن ترتیب اهمیت نکات یادداشتی استفاده می‌کنند.

بخش سوم: سؤالات تحلیلی

■ راهنمایی: در این بخش، توانایی تحلیلی شما مورد سنجش قرار می‌گیرد. سؤال‌ها را به دقت بخوانید و پاسخ صحیح را در پاسخنامه علامت بزنید.  
راهنمایی: با توجه به اطلاعات زیر، به سؤال‌های ۱۶ تا ۱۹ پاسخ دهید.

۶ نفر به اسامی A، B، C، D، E و F که سه‌تای آنها مرد و سه تا زن هستند به یک مرکز مشاوره مراجعه می‌کنند. دوتا از مردها، همسر دوتا از زن‌ها هستند و دو نفر دیگر، هیچ نسبتی با هم ندارند، زوجین اول، زوجین دوم، مرد تنها و زن تنها (نه لزوماً به ترتیب)، مطابق محدودیت‌های زیر، برای مشاوره در یکی از موارد «حقوقی»، «تحصیلی»، «شغلی» و «خانوادگی» نزد یکی از مشاوران این مرکز ارجاع داده می‌شوند.

- برای مشاوره حقوقی، C و همسرش که فردی غیر از A است، مراجعه کرده‌اند.
- E و شوهرش که فردی غیر از C و D است، برای مشاوره‌ای، غیر از مشاوره خانوادگی مراجعه کرده‌اند.
- B که زن است، برای مشاوره شغلی مراجعه کرده است.

۱۶- اگر D برای مشاوره خانوادگی مراجعه کرده باشد، A برای مشاوره در چه زمینه‌ای و همراه با چه کسی مراجعه کرده است؟

- (۱) حقوقی - C      (۲) تحصیلی - F      (۳) تحصیلی - E      (۴) خانوادگی - D

۱۷- اگر F به تنهایی مراجعه کرده باشد، کدام مورد زیر، به‌طور قطع، صحیح است؟

- (۱) D، برای مشاوره خانوادگی مراجعه کرده است.      (۲) A، برای مشاوره تحصیلی مراجعه کرده است.  
(۳) A، به تنهایی مراجعه کرده است.      (۴) D، شوهر C است.

۱۸- اگر A، فردی باشد که به تنهایی مراجعه کرده است، جنسیت چند نفر از ۶ نفر مراجعه‌کننده، به‌طور قطع مشخص می‌شود؟

- (۱) ۶      (۲) ۴      (۳) ۳      (۴) ۲

۱۹- اگر C شوهر D نباشد، کدام یک از افراد زیر، قطعاً مرد هستند؟

- (۱) F و D      (۲) F و C      (۳) A و F      (۴) A و D

راهنمایی: با توجه به اطلاعات و شکل زیر، به سؤال‌های ۲۰ تا ۲۳ پاسخ دهید.

پنج گوی A، B، C، D و E (نه لزوماً به ترتیب)، مطابق شکل زیر، درون یک حلقه بزرگ قرار گرفته‌اند. در مرحله اول، ابتدا گوی وسط را برداشته و پشت آخرین گوی سمت راست می‌گذاریم و پس از جابه‌جایی و متعادل شدن گوی‌ها، گوی وسط را برداشته و پشت آخرین گوی سمت چپ قرار می‌دهیم. کل این فرایند را یک بار دیگر، در مرحله دوم انجام می‌دهیم. اطلاعات زیر، موجود است:

- پس از مرحله اول و قبل از شروع مرحله دوم، E اولین گوی از سمت چپ بوده است.
- قبل از مرحله اول، گوی A هیچ‌کدام از دو گوی انتهایی نبوده است.
- پس از مرحله دوم، گوی C دقیقاً سمت راست و چسبیده به گوی A قرار گرفته است.



۲۰- اگر قبل از شروع مراحل، اولین گوی از سمت راست، B باشد، پس از انجام دو مرحله، کدام گوی دقیقاً در وسط قرار گرفته است؟

- (۱) D      (۲) C      (۳) B      (۴) A

۲۱- اگر پس از مرحله اول و قبل از شروع مرحله دوم، گوی B چسبیده به گوی E باشد، گوی A قبل از شروع مرحله اول، کجا قرار گرفته بود؟

- (۱) چسبیده به هر دو گوی C و D      (۲) چسبیده به هر دو گوی B و E  
(۳) سمت چپ گوی E و چسبیده به آن      (۴) سمت راست گوی B و چسبیده به آن



**راهنمایی:** سؤال ۲۸، شامل دو مقدار یا کمیت است، یکی در ستون «الف» و دیگری در ستون «ب». مقادیر دو ستون را با یکدیگر مقایسه کنید و با توجه به دستورات عمل، پاسخ صحیح را به شرح زیر تعیین کنید:

- اگر مقدار ستون «الف» بزرگ‌تر است، در پاسخنامه گزینه (۱) را علامت بزنید.
- اگر مقدار ستون «ب» بزرگ‌تر است، در پاسخنامه گزینه (۲) را علامت بزنید.
- اگر مقادیر دو ستون «الف» و «ب» با هم برابر هستند، در پاسخنامه گزینه (۳) را علامت بزنید.
- اگر براساس اطلاعات داده شده در سؤال، نتوان رابطه‌ای را بین مقادیر دو ستون «الف» و «ب» تعیین نمود، در پاسخنامه گزینه (۴) را علامت بزنید.

**کلمه ۲۸-** از سه دوست درخصوص سن آنها پرسیده شد. یکی از آنها می‌گوید: «سن من به اندازه مجموع سن دو نفر دیگر است.» و یکی دیگر از آنها می‌گوید: «سن من به اندازه میانگین سن دو نفر دیگر است.»

(ب)

(الف)

۱/۵ برابر سن جوان‌ترین فرد

نصف سن مسن‌ترین فرد

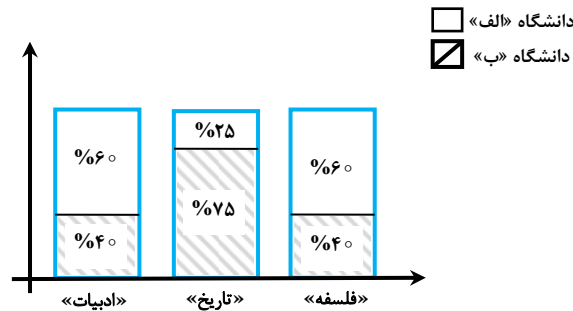
**راهنمایی:** با توجه به اطلاعات، جدول و نمودار زیر، به سؤال‌های ۲۹ و ۳۰ پاسخ دهید.

مجموع تعداد دانشجویان رشته‌های «ادبیات»، «تاریخ»، «فلسفه» و «حقوق» در دو دانشگاه «الف» و «ب» برابر است. جدول سمت راست، نسبت تعداد دانشجویان هر رشته از مجموع دانشجویان ۴ رشته در دو دانشگاه و نمودار سمت چپ، درصد تعداد دانشجویان هر دانشگاه در سه رشته فلسفه، تاریخ و ادبیات از مجموع تعداد دانشجویان همان رشته را دهد.

**جدول «نسبت تعداد دانشجویان هر رشته از مجموع دانشجویان ۴ رشته در دو دانشگاه»**

رشته	ادبیات	تاریخ	فلسفه	حقوق
نسبت	$\frac{۳}{۱۰}$	$\frac{۱}{۵}$	$\frac{۳}{۱۶}$	$\frac{۵}{۱۶}$

نمودار «درصد تعداد دانشجویان هر رشته دانشگاه در سه رشته فلسفه، تاریخ و ادبیات از مجموع تعداد دانشجویان همان رشته»



**کلمه ۲۹-** چند درصد از دانشجویان رشته حقوق، در دانشگاه «الف» تحصیل می‌کنند؟

(۴) ۱۵/۷۵

(۳) ۱۷/۲۵

(۲) ۴۶/۵

(۱) ۵۰/۴

**کلمه ۳۰-** اگر ۹۶ دانشجو در رشته ادبیات فارسی در دانشگاه «ب» تحصیل کنند، چند دانشجو در رشته تاریخ در دانشگاه «ب» تحصیل می‌کنند؟

(۴) ۱۶۰

(۳) ۱۲۰

(۲) ۶۰

(۱) ۴۰

## پاسخنامه آزمون گروه علوم انسانی دکتری ۱۴۰۰

### بخش اول: درک مطلب

#### پاسخ سؤالات متن (۱)

۱- گزینه «۱» متن به‌طور خاص درباره نگاه بدیو به فلسفه صحبت می‌کند. تمام متن در رابطه با این است که نظر بدیو در مورد فلسفه چیست. جمله‌ای از متن هست که اشاره می‌کند سایر هنرها و سایر شاعران نیز از آن چه او مشروط کردن فلسفه خودش می‌خواند، محروم نیستند، بنابراین به وضوح متن به نگرش خاص بدیو به فلسفه می‌پردازد.

گزینه‌های (۲) و (۴) فقط در بخشی از متن آمده‌اند و هدف اصلی متن نیستند و گزینه‌ی (۳) ربطی به متن ندارد.

۲- گزینه «۴» جمله‌ی متن: «حقایق تولید شده در این حوزه‌ها، در واقع آثار، کنش‌ها و ابداعاتی هستند که متعاقب یک رخداد یا گسست در ساختار موجود هر کدام از حوزه‌ها، توسط وفاداران به رخداد، تولید و ایجاد شده‌اند.»

بعد از این جمله تأکید شده که بدیو فرآیند واقعی وفاداری بر یک رخداد را حقیقت می‌خواند، بنابراین گزینه (۴) درست است.

به کلمه‌ی وفاداری و تأکید بدیو به این مفهوم برای حقیقت توجه کنید، این مفهوم در هیچ یک از گزینه‌های دیگر تکرار نشده است.

۳- گزینه «۳» طبق متن این هنرمندان از جمله هنرمندانی‌اند که بدیو، با پرداختن به آثار آن‌ها فلسفه‌اش را به ادعای خود تحت شرط هنر قرار می‌دهد، پس گزینه (۳) درست است.

۴- گزینه «۳» برای تشخیص پاراگراف بعدی متن، باید به آخرین جمله‌ی متن دقت شود. با توجه به این که در جمله‌ی آخر ذکر شده فلسفه‌ی بدیو چه نوع استفاده‌ای از این آثار هنری می‌کند یعنی احتمالاً پاراگراف بعدی باید در رابطه با این باشد که چطور آثار هنری در کار بدیو ظاهر می‌شوند که با توجه به این نکته گزینه (۳) درست است.

#### پاسخ سؤالات متن (۲)

۵- گزینه «۴» در خط ۹ متن نوشته شده که دانش‌آموزان در گروه‌های کوچک علاوه بر این که مسئول یادگیری خود هستند، در برابر یادگیری دیگران نیز احساس مسئولیت می‌کنند.

در متن نوشته شده معلمی که از این شیوه استفاده می‌کند منصف‌تر است؛ اما در مورد معلمی که منصف نباشد چیزی نگفته، پس گزینه (۳) صحیح نیست. در هیچ کجای متن گفته نشده که با این شیوه معلم کمتر در فرآیند یادگیری دخالت می‌کند بنابراین گزینه (۲) هم غلط است. گزینه (۱) هم در متن وجود ندارد.

۶- گزینه «۱» در سطر ۸ اشاره شده «گروه‌های کوچک عمدتاً چهار یا پنج نفری» پس گزینه (۲) مورد اشاره قرار گرفته است. در خط ۱۱ آمده است «علاقه‌مندی بیشتر و پرورش نگرش مثبت به یادگیری، درس و مدرسه، نشان‌دهنده‌ی مورد اقبال بودن این شیوه توسط دانش‌آموزان است»، پس گزینه (۳) مورد اشاره قرار گرفته است.

در خط ۷ گفته شده «در گروه‌های کوچک ناهمگن» که نشان‌دهنده این است که گزینه (۴) هم مورد اشاره قرار گرفته است.

پس گزینه (۱) صحیح است. دقت شود که با این شیوه افراد در برابر یادگیری دیگران هم احساس مسئولیت می‌کنند، اما این‌طور نیست که لزوماً حس مسئولیت گروهی بیش از فردی رشد کند.



۷- گزینه «۲» باید موقعیت‌های آموزشی مبتنی بر تعامل را فراهم نمود تا یادگیرندگان در ارتباط میان ذهنی با دیگران، این فرصت را به دست آورند که به کمک دیگری، درک خود را ارزیابی نموده، تصحیح کنند و شناخت خود را ارتقا دهند؛ پس جواب گزینه (۲) در این پاراگراف وجود دارد.

۸- گزینه «۴» برای این سؤال باید پاراگراف‌هایی را پیدا کنیم که در مورد بهره دانش‌آموزان و معلمان از یادگیری مشارکتی صحبت می‌کند، پس گزینه‌های (۱) و (۲) به وضوح نمی‌توانند درست باشند.

خط ۸ تا خط ۱۵ متن در رابطه با مزایای این شیوه برای دانش‌آموزان و معلمان صحبت می‌کند، پس گزینه (۴) درست است. گزینه (۳) به این دلیل درست نیست که جملات بعدی آن از مزایای مهم این شیوه برای دانش‌آموزان می‌گوید.

### بخش دوم: استدلال منطقی

۹- گزینه «۳» سایر گزینه‌ها از متن نتیجه می‌شوند، به گزینه (۲) در آخر متن اشاره شده است. به گزینه (۱) در قسمت ابتدایی متن اشاره شده است. گزینه (۴) هم از متن استنباط می‌شود؛ آنجا که گفته است بیشتر کشورها طی ۵۰ سال گذشته فردگراتر شده‌اند.

۱۰- گزینه «۱» با توجه به نتیجه‌گیری آخر متن بیانیه سال ۱۹۹۷ که اشاره شده است «باید همه کشورها دست به دست هم دهند و گرمایش زمین را متوقف سازند» می‌توان استنباط کرد که نویسنده متن فرض کرده است برای پدیده گرمایش زمین راه‌حل وجود دارد. سایر گزینه‌ها نامربوط هستند و به هیچ وجه نمی‌توانند فرض نویسنده متن باشند.

۱۱- گزینه «۲» در سؤالات تناقض در متن باید دنبال گزینه‌ای باشیم که به طرفین تناقض لطمه‌ای وارد نکند و ضمناً تناقض را توجیه کند. واضح است گزینه (۲) به وضوح علت این تناقض را توضیح داده است؛ چراکه پارک بهار در جایی قرار دارد که بیشتر افراد بازنشسته قرار دارند و کودکان کمی ساکن شهرک هستند و طبیعی است که کم کردن از فضای پیاپی‌روزی (که معمولاً افراد بازنشسته از آن استفاده می‌کنند) و اختصاص آن به فضای بازی کودک، جمعیت ورودی به پارک را کاهش می‌دهد.

۱۲- گزینه «۲» با توجه به ابتدای متن که گفته شده اگر یک بالن را با گاز هلیوم پر کنیم به سرعت بالا می‌رود و سپس ناگهان می‌ترکد، لذا در قسمت پایانی بهترین جمله عبارت داده شده در گزینه (۲) است.

۱۳- گزینه «۴» در متن گفته شده است که نتایج یک آزمایش انجام شده موفقیت‌آمیز بوده است. واضح است گزینه (۴) برای زیر سؤال بردن این ادعا بهترین گزینه است؛ چراکه اشاره می‌کند در حوزه روانشناسی آزمایش‌ها به شرطی مورد تأیید است که تکرار چندباره داشته باشد (نه یک بار).

۱۴- گزینه «۳» از اینکه از یک فروشگاه به صورت شبانه‌روزی استقبال شده، نتیجه‌گیری شده است که از تمام فروشگاه‌های شعب دیگر هم استقبال خواهد شد. این یک تعمیم نابه‌جا است و خطای این استدلال می‌باشد.

۱۵- گزینه «۱» نتیجه‌گیری متن این است که «عمل شمارش اعداد از چپ به راست» عملی غریزی است نه اکتسابی. می‌خواهیم این جمله را تأیید و تقویت کنیم. بهترین گزینه جمله داده شده در گزینه (۱) است که تأکید می‌کند تلاش‌های مکرر در عادت دادن و آموزش افراد جهت شمارش اعداد از سمت راست بی‌فایده بوده است (در واقع هیچگونه اکتسابی از آموزش‌ها توسط افراد صورت نگرفته است).

## بخش سوم: سؤالات تحلیلی

با توجه به صورت سؤال، دو زوج و یک زن مجرد و یک مرد مجرد وجود دارد و مشاوره‌ی هر یک از زوجها و هریک از افراد مجرد متفاوت است. حال به تحلیل داده‌های ارائه شده می‌پردازیم:

- برای مشاوره حقوقی، C و همسرش که فردی غیر از A است، مراجعه کرده‌اند.

تحلیل: C متأهل و همسرش A نیست.

## نوع مشاوره: حقوقی

- E و شوهرش که فردی غیر از C و D است برای مشاوره‌ی غیر از مشاوره خانوادگی مراجعه کردند.

E زن و متأهل است، نوع مشاوره‌اش حقوقی نیست؛ زیرا همسر C نیست (شغلی نیز نیست با توجه به اطلاع بعدی)

## نوع مشاوره: تحصیلی

- B که زن است برای مشاوره‌ی شغلی مراجعه کرده است.

تحلیل: B زن و مجرد است زیرا تنها زوج موجود، زوج E و همسرش و C و همسرش هستند. از آنجایی که نوع مشاوره C و همسرش حقوقی و E نیز خود، زن است، بنابراین نمی‌تواند متأهل باشد.

۱۶- گزینه «۳» D مشاوره خانوادگی دریافت کرده است.

با توجه به تحلیل‌ها و فرض سؤال، D باید مجرد و مرد باشد.

B و D تنها افراد مجرد هستند و A باید متأهل و همسر یکی از افراد C و یا E باشد که با توجه به فرضیات نمی‌تواند همسر C باشد، بنابراین همسر E است و مشاوره‌ی تحصیلی دریافت کرده است.

۱۷- گزینه «۲» F مشاوره‌ی تنهایی انجام داده است.

تحلیل: F مجرد و مرد است. بنابراین افراد A و D متأهل باید باشند و A همسر C نیست، بنابراین همسر E است و برای مشاوره تحصیلی مراجعه کرده است.

۱۸- گزینه «۲» A فردی باشد که به تنهایی مراجعه کرده است:

A مجرد و مرد است.

از قبل داریم: B زن است E زن است

از میان افراد باقی‌مانده F و D و C، تنها F می‌تواند همسر E باشد، بنابراین F نیز مرد است.

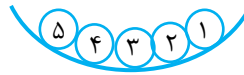
۱۹- گزینه «۴» C شوهر D نیست.

	A	B	C	D	E	F
جنسیت	?	زن	?	?	زن	?
تأهل	?	مجرد	متأهل	?	متأهل	?

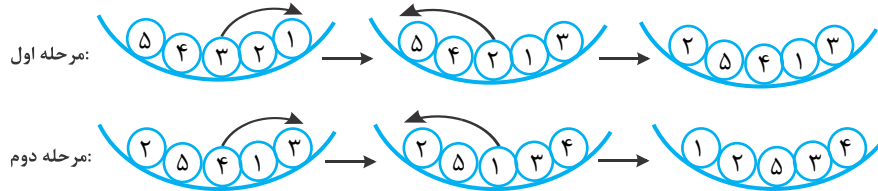
از میان افراد F و D و A یکی باید مرد مجرد و یکی باید همسر E باشد که مرد است. حالت‌های مختلف و اسکان آن‌ها را بررسی می‌کنیم:

A	D	F	امکان	
مرد	مرد	زن	دارد	(F همسر C، A همسر E و D مرد مجرد)
مرد	زن	مرد	ندارد	(C شوهر D نیست)
زن	مرد	مرد	ندارد	(زیرا در این صورت باید F همسر E و D مرد مجرد و A همسر C باشد که با فرضیات ناسازگاری دارد)

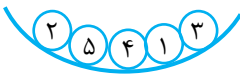
در این سؤال شرایط خواسته شده در متن سؤال را با شکل‌های قبل از انجام مراحل، بعد از مرحله ۱ و بعد از مرحله ۲، تطبیق می‌دهیم. برای پرهیز از اشتباه و نظم بیشتر، برای هریک از گوی‌ها شماره‌ای در نظر می‌گیریم. قبل از شروع مراحل داریم.



حال تغییرات لازم را که در صورت سؤال عنوان شده است روی گوی‌ها اعمال می‌کنیم:



- پس از مرحله اول و قبل از شروع مرحله دوم E، اولین گلوله از سمت چپ بوده است: بنابراین E گلوله شماره ۲ است.



- قبل از مرحله اول، گوی A هیچ‌کدام از دو گوی انتهایی نبوده است.

A گلوله شماره ۱ و ۵ نیست و E شماره ۲ است بنابراین A گوی شماره ۳ یا ۴ است.

- پس از مرحله دوم، گوی C دقیقاً سمت راست و چسبیده به گوی A قرار گرفته است.



توضیح	امکان	شماره A	شماره C
$(A \neq 1, 5)$	ندارد	$A = 1$	$C = 2$
$(E = 2)$	ندارد	$A = 2$	$C = 5$
$(A \neq 1, 5)$	ندارد	$A = 5$	$C = 3$
	دارد	$A = 3$	$C = 4$

$E = 2$  و  $C = 4$  ،  $A = 3$

بنابراین در مجموع داریم:

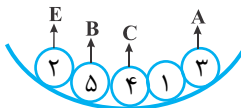


پس از دو مرحله

۲۰- گزینه «۱» اولین گوی از سمت راست قبل از شروع مراحل گوی شماره (۱) است.

بنابراین  $B = 1$  پس گوی شماره  $D = 5$  است.

پس از انجام مراحل گوی شماره ۵ که متعلق به D است در وسط قرار دارد.

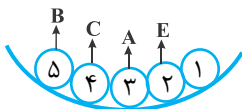


پس از مرحله اول

۲۱- گزینه «۳» در صورت سؤال عنوان شده، گوی B و چسبیده به E پس از مرحله اول قرار دارد و با توجه به

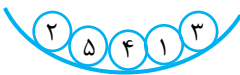
اینکه  $E = 2$ ، بنابراین B تنها می‌تواند گوی شماره ۵ باشد.

A قبل از شروع مراحل بین گوی شماره ۲ و ۴ قرار داشته است، بنابراین سمت چپ گوی E و چسبیده به آن است.



قبل از شروع مراحل

۲۲- گزینه «۲» قبل از شروع مرحله دوم گوی شماره ۴ که متعلق به C است وسط بوده است.



قبل از شروع مرحله دوم

۲۳- گزینه «۴» قبل از شروع مراحل داشتیم:



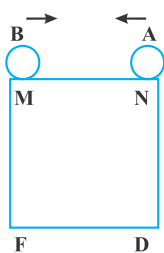
که به طور قطع  $A = 3$  و  $C = 4$  و  $E = 2$  مشخص شده بود.

بخش چهارم: حل مسأله

۲۴- گزینه «۴» در هر ترکیب  $\begin{pmatrix} a & b & c \end{pmatrix}$  رابطه به صورت  $a = b + 2c$  است، یعنی عدد درون مربع سمت راست در ۲ ضرب شده و با عدد شکل وسط

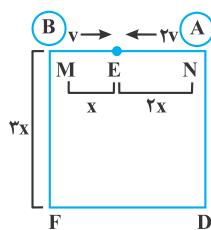
$$19 = 1 + 2 \times ? \Rightarrow 2 \times ? = 18 \Rightarrow ? = \frac{18}{2} = 9$$

جمع می شود و درون دایره نوشته می شود. پس داریم:



۲۵- گزینه «۲» فرض می کنیم که سرعت A دو برابر سرعت B است، بنابراین در یک مدت زمان

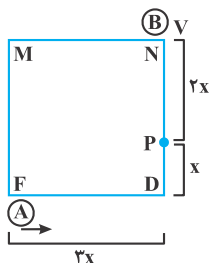
مشخص، مسافتی که A طی می کند، دو برابر B است.



برای اولین بار در نقطه ای روی ضلع MN (E) که  $EN = 2MN$  ( $V_A = 2V_B$ ) است از کنار یکدیگر

عبور می کنند. در واقع با فرض اینکه طول هر ضلع  $3x$  باشد، A به اندازه  $2x$  و B به اندازه  $x$  را طی

می کنند و به هم می رسند.



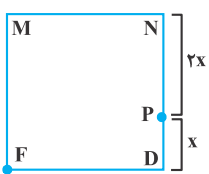
وقتی A از E به نقطه F برسد  $3x + x = 4x$  مسافت را طی کرده است، در مقابل B از نقطه E به نقطه

N رسیده است. وقتی از نقطه F به اندازه  $4x$  مسافت طی کند و به نقطه P برسد B نیز پس از

طی مسافت به نقطه P می رسد و برای بار دوم به هم می رسند (برای درک بهتر فاصله کامل یک

دور کامل جدید روی چهار ضلع مربع  $4 \times 3x = 12x$  است که از این  $12x$ ، به اندازه  $8x$  را A و  $4x$  را B

طی می کند که این طی کردنها باعث ملاقات در نقطه P شده است).



برای رسیدن مجدد برای بار سوم، باز هم باید مسافت  $12x$  طی شود که  $8x$  سهم A در خلاف جهت

ساعت و  $4x$  سهم B در جهت ساعت می باشد، واضح است پس از طی این مسافتها متوسط هر یک

از نفرات A و B، تلاقی در نقطه F اتفاق می افتد.

۲۶- گزینه «۱» با توجه به صورت سؤال چون سه نوع چای A، B و C به ترتیب به نسبت ۲ به ۵ به m با هم ترکیب شده اند، پس نسبت A به کل مخلوط به

شکل زیر است:

$$\text{نسبت A به کل مخلوط} = \frac{2}{2+5+m} = \frac{2}{7+m}$$

از طرفی گفته شده ۱۲/۵ درصد مخلوط چای نوع A است؛  $\frac{125}{100}$  یعنی  $\frac{25}{200}$  و یا به عبارتی  $\frac{1}{8}$  و لذا داریم:

$$\frac{1}{8} = \frac{2}{7+m} \Rightarrow 7+m = 2 \times 8 \Rightarrow m = 16 - 7 = 9$$

۲۷- گزینه «۴» اگر تعداد پسران کلاس را  $y$  و تعداد دختران را  $x$  در نظر بگیریم، آنچه مورد سؤال قرار گرفته است حاصل  $y-x$  است:

$$3y + 7x + 4 = 7y + 3x - 4 \Rightarrow 3y + 7x + 4 = 7y + 3x - 4$$

$$\Rightarrow (7y - 3y) + (3x + 7x) = 4 + 4 \Rightarrow 4y - 4x = 8 \Rightarrow y - x = 2$$

۲۸- گزینه «۳» سن افراد حاضر در جمع را  $a$ ،  $b$  و  $c$  در نظر می‌گیریم و فرض می‌کنیم:

$$a \leq b \leq c$$

$$c = a + b, \quad b = \frac{a+c}{2}$$

بنابر فرضیات داریم:

مقدار ستون (الف) = نصف سن مسن‌ترین فرد: اگر این مقدار را  $x$  در نظر بگیریم، داریم:

$$x = \frac{a+b}{2} \Rightarrow \frac{c}{2} = \frac{a + \frac{a+c}{2}}{2} \Rightarrow \frac{c}{2} = \frac{3}{4}a + \frac{c}{4} \Rightarrow \frac{c}{4} = \frac{3}{4}a$$

$$c = 3a \Rightarrow x = \frac{c}{2} = \frac{3}{2}a = 1/5a$$

$$y = 1/5a$$

مقدار ستون (ب) =  $1/5$  برابر سن جوانترین فرد: اگر این مقدار را  $y$  در نظر بگیریم، داریم:

بنابراین  $x = y$  است و لذا گزینه (۳) جواب است.

۲۹- گزینه «۱» با توجه به مخرج کسر در جدول فرض کنید تعداد کل دانشجویان هر دو دانشگاه  $1600x$  باشد، بنابراین با توجه به فرض مسأله تعداد

دانشجویان دانشگاه (الف) برابر  $800x$  و دانشگاه (ب) هم برابر  $800x$  است.

$$\text{کل حقوق} = \frac{5}{16} \times 1600x = 500x$$

$$\text{ادبیات (الف)} = \frac{60}{100} \times \frac{3}{10} \times 1600x = 288x$$

$$\text{تاریخ (الف)} = \frac{25}{100} \times \frac{1}{5} \times 1600x = 80x$$

$$\text{فلسفه (الف)} = \frac{60}{100} \times \frac{3}{16} \times 1600x = 180x$$

$$\text{ستون (الف)} = 800x - (288x + 80x + 180x) = 252x \Rightarrow \frac{252x}{500x} \times 100 = 50.4\%$$

۳۰- گزینه «۳»

$$\text{ادبیات (ب)} = \frac{40}{100} \times \frac{3}{10} \times 1600x = 192x$$

$$\left. \begin{aligned} 192x &= 96 \Rightarrow x = \frac{1}{2} \\ \text{تاریخ (ب)} &= \frac{75}{100} \times \frac{1}{5} \times 1600x = 240x \end{aligned} \right\} \text{نفر ۱۲۰ = تاریخ (ب)}$$